

# مسائل بين المللي

مجلة تشوريك واطلاعاتي

شماره ٤ (٦٤)

---

مهر - آبان سال ١٣٥٢

هیئت تحریریه و شورای تحریریه مجله  
«مسائل صلح و سوسیالیسم» از نمایندگان احزاب  
کمونست و کارگری کشورهای زیر ترکیب میشود:  
اتحاد شوروی، اتریش، اردن، آرژانتین، اسپانیا،  
اسرائیل، جمهوری آفریقای جنوبی، الجزیره،  
جمهوری دموکراتیک آلمان، جمهوری فدرال  
آلمان، اندونزی، ایالات متحده آمریکا، ایتالیا،  
ایران، برزیل، بریتانیای کبیر، بلغارستان،  
بلیوی، پاراگوئه، پاناما، پرتغال، چکسلواکی،  
دانمارک، رومانی، ژاپن، سنگال، سوئد، سودان،  
شیلی، عراق، فرانسه، فنلاند، فیلیپین، قبرس،  
کانادا، کلمبیا، لبنان، لوکزامبورگ،  
مجارستان، مغولستان، ونزوئلا، هندوراس،  
هندوستان، یونان.

# فهرست مقالات

<u>صفحه</u>	<u>مؤلف</u>	<u>عنوان</u>
۸ - ۴	<u>هیئت تحریریه</u>	ضرورت تامین صلح برای ملل
۲۰ - ۹	<u>کنستاننتین کاتوشف</u> دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی	سمت عمده تکامل سیر تکمیل وحدت کشورهای سوسیالیستی و ضرورت عینی آن
۲۰ - ۲۱	<u>ادوارد گیرک</u> دبیر اول کمیته مرکزی حزب کارگر متحد لهستان	راه رشد سوسیالیستی سریع لهستان
۲۹ - ۳۱	<u>لئوپولد اشتروگال</u> عضو هیئت رئیسه کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی و رئیس دولت جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی	افزای عمده ساختن سوسیالیسم در چکوسلواکی
۵۵ - ۴۰	<u>پژوهش جمعی اثرنای لنین</u> "دولت و انقلاب"	مسئله اساسی انقلاب
۶۳ - ۵۶	<u>آوراوا</u> ( نماینده حزب کمونیست بلغارستان در مجله ) <u>میترا</u> ( نماینده حزب کمونیست هندوستان در مجله ) <u>سوارتیان</u> ( عضو هیئت کارکنان مجله )	تکوین آزادی
۶۹ - ۶۴		برخی اطلاعات درباره احزاب کمونیست و کارگری

## ضرورت تأمین صلح برای ملل

مورخ آینده اینکه چگونگی وضع جهان را در قرن بیستم مورد پژوهش قرار میدهد مرحله کنونی را جرجس در راه بفرنج تکامل سیاست جهانی ارزهای خواهد کرد . ضمناً او برای نشان دادن عوامل اساسی ایجاد درگونی های این سال ها نیازی به بصیرت خاص نخواهد داشت . کافیهست فقط حداقل پاکدانی و بیطرفی را رعایت کنند تا این عوامل را در بیاورد . در چنین صورتی از پژوهش خود باین نتیجه خواهد رسید که عوامل مزبور عبارتند از : ۱ - افزایش بیسابقه اقتصاد جامعه کشورهای سوسیالیستی و سیاست خارجی صلحد و ستانه و انقلابی آنها که در بر توکامیابی های ساختمان کمونیسم و سوسیالیسم به سیاستی بسیار مبتکرانه و بسیار اثر بخش بدل شد . ۲ - دامنه وسیع مبارزه طبقاتی پرولتاریای کشورهای سرمایه داری و ارتقاء سطح آگاهی سیاسی توده های کارگرو نقش برجسته آنان در جنبش ضد جنگ و ضد امپریالیستی . ۳ - گسترش انقلاب های آزاد بخش ملی و تکامل آنها در سطح و در عمق و سرانجام - ۴ - تشدید فعالیت تمام نیروهای صلحد و ست گیتی و تحکیم وحدت آنان در مبارزه علیه جنگ و تجاوز .

در "پیام صلح" کنفرانس جهانی احزاب کمونیست و کارگری که چهار سال پیش با اتفاق آراء بتصویب رسید خاطر نشان شده است که : "امروز تا مین صلح پایدار خیالی باقی نیست بلکه هدفی است کاملاً عینی . اکنون در جهان نیروهای اجتماعی و سیاسی پرتوانی هستند که علیه جنگ و در راه کاهش و خاتمه همکاری وسیع بین المللی مبارزه میکنند . رویدادهای سالهای پس از کنفرانس صحت بی چون و چرای این نتیجه گیری را به ثبوت رسانده است . در پرتو ابتکارات بسیار مهم اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی مبارزه برای برقراری صلح عمومی و مطمئن در جهان وارد دوران بلگی تازه ای شده است . و وحدت عمل کشورهای سوسیالیستی و همکاری نزدیک آنها در زمینه های اقتصادی ، سیاسی و دفاعی در شکستن جبهه "جنگ سرد" و ایجاد تحولات مثبت در صحنه جهانی نقش برجسته ایفا کرد . با سیاستم قرار دادهائی گه مناسبات میان یکسلسله از کشورهای بزرگ اروپائی پیرو رژیم های اجتماعی گوناگون را بر پایه جدیدی استوار میسازد ، با گسترش کامیابانه دامنه همکاری میان آنها ، با پیشرفت های حاصله در مذاکرات چند جانبه ای که امکانات لازم برای تهدید اروپا به قاره صلح پدید میآورد و با مذاکرات شریخش میان اتحاد شوروی و آمریکا و موافقت هائی که در جریان آن حاصل گردیده و زمینه سیاسی مساعدی بر اساس موازین حقوق بین المللی پدید آمده که اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورهای و ملل را همهجا بر پایه عمیق استوار سازد . در پرتو پیروزی قهرمانان صیبن پرست ویتنام که بر کف و همبستگی مجدانه انترناسیونالیستی کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست و تمام صلحد و ستان و مردم پاکدامن جهان متکی بودند جنگ کثیفی که امپریالیسم برپا کرد مبدود قطع شد و برای تحکیم صلح و امنیت در آسیای جنوب خاوری امکانات واقعی پدید آمد .

تحکیم روز افزون مواضع جهانی سوسیالیسم بهترین خصیصه جریان عمومی کاهش و خاتمه

را تشکیل میدهد . قراردادها و موافقتنامه های دو جانبه و چند جانبه ای که میان کشورهای سرمایه داران و کشورهای سوسیالیستی منعقد گردیده در عین مشابهت با روح و مزاجی مسائل آمیز دان برقیبول بازگشت ناپذیری دستاوردهای دولتی و سیاسی سوسیالیسم سبز، سبز - پایسه های محاصره مان که ارتجاع جهانی میکوشید کشور سوسیالیستی سرزمین آلمان شرقی را در احاطه جهانی در حلقه آن نگاهدارد فروپاشید و اکنون جمهوری دموکراتیک آلمان ارجحیت در این جهان بر رسمیت شناخته شده است . اعتبار بین الطلی جمهوری دموکراتیک ویتنام - بیه - ارد - رمان - بالا رفته است . کشورهای آمریکای لاتین یکی پس از دیگری سیاست کمپنه ایراکه هده آن متفرد نگاهداشتن گویابون ترک میگویند و دست دوستی بسوی نخستین کشور سوسیالیستی نیمکره غربی دراز میکنند .

در بیشتر جریانهای که بدرستی تعرض صلح سوسیالیسم نامیده میشود نقش واقعا اساسی بعقل کاملا روشن به بزرگترین و نیرومندترین کشور سوسیالیستی ، به زادگاه نظام اجتماعی نوین یعنی به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و حزب کمونیست آن تعلق دارند . قراردادهای پلنوم اخیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی که در آوریل ماه جاری تشکیل شد ، در تاریخ سیاست خارجی اتحاد شوروی صفحه نویی گشود . اعضای دایره بین الطلی لنینیستی " در راه تحکیم صلح میان ملت " به لنینیستی بنابر تصدیق نقش عظیم شوروی سیاسی و کمیته مرکزی و شخص دیمترک کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در کار عظیم تحقق برنامه صلح مضویه کنگره بیست و چهارم بود .

سیاست خارجی حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی که به پیروی کامل از موازای لنینیستی بزرگ تعقیب میشود ترکیب هماهنگی است از مساعی خستگی ناپذیر در راه تحکیم صلح جهانی و فعالیت انقلابی در راه نجات جامعه بشری از بند کلبه انواع ستم اجتماعی و ملی و تسلط امپریالیستی و استثمار . احزاب کمونیست و کارگری بر آنند که آنتی سوسیالیسم بهر صورتی نمودار نگردد به امر صلح و سوسیالیسم جهانی زیان میرساند .

نباید این نکته را از نظر دور داشت که توجه روز افزون کمونیستها به مساوی بین الطلی با توقعات عینی مرحله کنونی مبارزه طبقاتی در عرصه جهانی مطابقت دارد . تصادم میان سوسیالیسم و امپریالیسم محور زندگی امروز جهان را تشکیل میدهد و این تضاد در درجه اول در عرصه مناسبات بین الطلی نمودار میگردد . تصادم منافع و من و فصل اختلافات میان دون پیرو سیستم های اجتماعی متضاد بچنان شکلی از مبارزه طبقاتی بدن شده است که در آن دیگر تنها سر نوشت یک کشور و یک ملت در کار نیست بلکه سر نوشت تمام جامعه بشری در میان است و گاه حتی بمثابه عامل تعیین کننده عمل میکند .

لنینیسم گوی پیر از انقلاب اکتوبر میگفت : " کسی که می پنداشت لنین به صلح آسانست و همین قدر کافیت که مالب ترک کنیم و صلح بخواهیم تا بورژوازی آنرا در طریق گذارده و دست راستی بمنا تقدیم کند ، آدم بمیارساده لوحی بود " ( ۱ ) . امروز نیز حل معضله صلح در گرو مبارزه شدیدا است ، زیرا سخن بر سر آن نیست کما با امپریالیسم کناریالیسم و بعد آسوده خنیاظر بنشینیم . برعکس سخن بر سر آنست که به امپریالیسم که تعالیف یا پاید ناپذیری بمصدا و زوسس کوب آزادی ملی دارد چنان نظام جهانی تحمل گردد که دست ارتجاع بین الطلی را بیه بند و امکان سوء قصدیه صلح و امتناع را از آن سلب کند .

کمونیست‌ها مسائل استراتژی و تاکتیک خود را بطور خلاق و با توجه به دگرگونی‌های انقلابی نیمه دوم قرن بیستم و بویژه تغییر تناسب نیروهای جهانی حل میکنند .

تنها دگماتیک‌های درمان‌ناپذیر می‌توانند امروز از این واقعیت که ملیتاریسم و تعاین بسه ماجراجوشی نظامی و زورگویی بانهاد امپریالیسم عین است چنین نتیجه بگیرند که جنگ یگانه وسیله حل تضاد بنیادین دوران است و با اینجهت ناگزیرین مقدر دارد . کسانی که از چنین نظریه‌های پیروی میکنند باین واقعیت پی نمی‌برند که منطبق حوادث طبقات حاکم کشورهای امپریالیستی را با اتخاذ تصمیماتی و امیدارد که شرایط دوران نفوذ و نیروی روزافزون سوسیالیسم بآنان تحمیل میکند . نیروهای صلحدوست و وظیفه خود میدانند که دامنه تعارض صلح را گسترتر دهند و بدین سان امپریالیست‌ها را از امکان مانور محروم سازند و نقشه‌های تجاوزکارانه آنان را عقیم گذارند . تجربه دوران پس از جنگ ضعف امپریالیسم و زبونی آنرا برای جلوگیری از مارشال فرانسوی نظام اجتماعی نوین بنحو تکذیب‌ناپذیر ثابت کرده است . امپریالیسم در بیکارآشکار میسازد نیروها به پیشبرد نقشه‌های خود موفقی نمیشود . نقشه‌های امپریالیسم در زمینه تحریم اقتصاد سوسیالیستی و تخریب ایدئولوژی و معنوی جامعه سوسیالیستی نیز با شکست مواجه شده است . امپریالیسم و دستیارانش قادر نیستند چرخ انقلاب‌ها را دران گستر اجتماعی و ملی را معقب بازگردانند . آنها با وجود اشغال طولانی اراضی کشورهای عربی نتوانستند سمیت عمومی مترقی تکامل خاور نزدیک را تغییر دهند و بیکار مسلحانه میهن پرستان آنگولا ، موزامبیک و گینه - بیسوا را نیز نمیتوانند درهم شکنند . توطئه‌های آنان علیه دولت وحدت ملی در شیلی یکی پس از دیگری میماند .

عامل دیگری که در همان جهت عمل میکند تشدید تضادها در اجتماعی - اقتصادی است که میان امپریالیست‌ها و نیز درون کشورهای جهان سرمایه دار وجود دارد . نوسانات اقتصادی بحران‌های ارزی ، تشدید تورم و وسعت دامنه بیکاری موجب تشدید روزافزون تضادها در جامعه کنونی بورژوازی میگردد . مبارزات طبقاتی پرولتاریا و کامپانیان حاصله در زمینه اتحاد نیروها چپ ، گسترتر جنبه دموکراتیک و افزایش نفوذ احزاب کمونیست و کارگری اطمینان امپریالیست‌ها را به پشت جبهه اجتماعی خود سازمان میدهد و در زمینه سیاست خارجی آنها را به احتیاط وادار میکند .

گسترش مداوم و تسریع روزافزون جریان بین‌المللی شدن گلبه شعوب فعالیتهای انسانی نیز که از راه‌آورد‌های انقلاب علمی و فنی است موانع ناشی از " جنگ سرد " را فرومیبرد و دول کشورهای سرمایه دار را به جستجوی طرقی برای برقرار نگه‌داشتن کشورهای سوسیالیستی و توسعه همکاری اقتصادی و فرهنگی با آنان وادار میکند . فواین عینی اقتصاد که توسعه دامنه مساعده بین‌المللی کالاها و دستاوردهای فنی و علمی را ایجاد میکند عاملی است بمراتب نیرومندتر از تعاملات سیاسی که امپریالیست‌ها بران تبعیدهای اقتصاد و ایجاد موانع اقتصادی در جهان بکار میبرند .

سرانجام واکنش‌دهنی سختگویان سیاسی بورژوازی در قیام این درسم و توقعات زمان به تجدیدنظر معینی در ارزش‌های گذشته انجامیده و بسیاری از رجال جهان سرمایه دار را به دستکشیدن از دگم‌های " جنگ سرد " و کوشش بران اتحاد شیوه‌ها در برخورد واقع بینانه به مسائل ناشی از تغییر اوضاع و احوال جهان واداشته است .

در بر توامگانان روزافزون سوسیالیسم در زمینه تعیین سیرتاریخ ، مبارزه در راه صلح اکنون به مرحله عالیترین با کیفیت نوین گام میبرد . تنه پیشگیری فلاکت‌هاست آن نیست که به هدف تحقق

پذیریدل میگردند . اکنون برای بهبود مجموعه اوضاع واحوال جهانی وسوق قطعی سیرسیاست جهانی به محران همکاران میان کشورهای وحل وفصل اختلافات آنها از طریق مذاکره ، شرایط لازم فراهم آمده است . پلنوم آوریل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به برون سیاسی هاموریت داد مساعی لازم بکاربرد تا تغییرات سودمند در اوضاع واحوال بین المللی خصلت مستمر وبارشفت نایذ بیکسب کند .

بیشرفتهان اقتصاد و فنی کشورهای سوسیالیستی موجب میشود که سیاست جهانی فنی تر گردد و بر بنیاد همکاری اقتصادی میان کشورهای دارای نظام اجتماعی گوناگون استوار شود . در اینجا سخن تنه ابر سرگسترش روابط بازرگانی جاری نیست . همکاری های دراز مدت کمبری چند دهه پیشینی میکرد و ورشته های گوناگون اقتصاد و علم و تکنیک را در بر میگرفت بقا قعیستی بدن میشود که قرارداد ها و توافقان عملی تحکیم بختر آنست . در عین حال جر ختر تاریخی که اکنون در مسایات بین المللی انجام میشود نباید از هشمارن مان رقبان ففده ها و مانورهای ارتجاع امپریالیستی بگاهد . محافل تعاون کارا امپریالیسم ارتجاعی های خود بران جلوگیری از جریان آغازنده تخفیف تشنج دست برتد اشته اند و دست بردار هم نخواهند بود . این محافل در اروپا هممنان براتونیکه دارند و میگویند ازیند ایتر میستم اثر بخش امنیت جمعی جلوگیری کنند . در خاور نزدیک نیز آنها تجاوز کراسرائیلی را مورد پشتیبانی و تشویق فرامید هند و میگویند اراد ه خود را به من عرب تحمیل کنند . در آسیا امپریالیسم امریکا میخواهد با شکست خود در ویتنام سازگار شود و ارتجاع محلی را بشدت تشنج میسازد و سرزمین هند و چین را همچنان آماج بمب های خود قرار مید هد . بداند نژاد پرستان استعمارگرد افریقا و عمان امپریالیسم در امریکای لاتین با اعمال تبعیض کارانه خود مواد منفجره ای بدید میآورند که خطر بر ور حریق های جنگ را در بر دارد .

مبارزه آزاد بختر و مبارزه در راه صلح ازینک بکرتفکیت نایذ بیرند . این مسئله به فم — موم مارکسیستی — لنینیستی آن نه با دعاون رویزونیستی و اپورتونیستی که بنام صلح جهانی دگماتید و ابرخواستار فنی انقلاب هستند ونه با پند ارهای عناصر جری روکه ایجاد محیط صلح را بران گسترتر فعالیت انقلابی مضرمی شمارند هیچگونه الفت ووجه مشترک ندارند . در واقع همانگونه که در " پیام صلح " کنفرانس جهانی سان ۱۹۶۹ ( احزاب کمونیست و کارکرن خا ارنشان شده است ) هم مبارزات طبقه کارگر علیه سیمپاره انحصارات ، هم مقاومت خلق های امریکای لاتین در برابر دیکتاتورن در اردو سته های نژاد میان ، هم جنبش های ضد استعماری کشورهای آسیا و افریقا و هم مبارزه سیاهپوستان ایالات متحده امریکا در راه احراز حقوق حقه خمیر " و خلاصه انواع گوناگون فعالیت انقلابی زحمتکشان و خلق های همه " به پیشرفت امر شنج نمیشکند " . بعضی ترینس گامایر هایی هم که ضمن سازد در راه تحکیم اقتصادی العلوی بدین مآ پیوستد به امرتوسازی اعه بو نمیشکند . این عناصر در ابرای گسترده مبارزه اقتصادی بر ویتاریا و کسب سه زحمتکشان برای اتحاد تمامیندهای ضد امپریالیستی میباشند و در صورت لزوم با این اتحاد مبارزه آزاد بختر مشی شرایط بسیار مساعد فراهم میسازد .

جامعه بشری اکنون بحد فنی تجربه انداخته است تا چنین پند اری بحد ارا شده که گویا صلح میان دون فروق مبارزه سیاسی را زین میآورند . در محیط صلح میانان ای نایذ میان کاروسرمایه و میان ستعرا و سبک ، سود اند دلوزی ها ، متناوب و مبارزه اقتصادی سیستم های اجتماعی متضاد نه تنها به خاموشی نمیکراید بلکه برعکس در سبب علت آنکه صله تاریخ معاصر در دوران تکامل همین تضاد ها تسریع مید برد . اهمیت جبر ازیند شفت شده و

احزاب کمونیست و کارگری گسترش و تقویت مبارزه در راه صلح را مهمترین وظیفه سیاسی خویش می‌شمارند و در این مبارزه برای تامین وحدت نیروهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی جهان میکوشند و تمام کسانی را که برای کمک به کاهش تشنج اوضاع جهان آمادگی دارند به اتحاد و وحدت عمل میخوانند . احزاب کمونیست و کارگری اکنون برای تدارک کنگره جهانی نیروهای صلحدوست مجدانه فعالیت میکنند . بطوریکه هم اکنون دیده میشود این کنگره مجمع وسیع بیسابقه ای از نمایندگان جنبشها و اجتماعی و احزاب سیاسی و سازمان های سندیکائی و زنان و جوانان و سازمان های مذهبی سراسر جهان خواهد بود .

تصمیم به برگزاری این مجمع عالی صلح در شهر مسکو یعنی در پایتخت کشور که شعار نخستین منشور انقلابی اش " صلح برای خلقها ! " بود - مفهوم مشخصی دارد . فعالیت شرکتکنندگان کنونی مبارزه در راه صلح و بهبود مناسبات بین المللی بسیار دامنه دار و وظائف و مسئولیت آنان در این زمینه بسیار خطیر است ، زیرا مبارزه در مرحله مهمترین مسئله یعنی تامین آینده جامعه بشری انجام میگردد .





# سهت عهده تکامل

## سیر تحکیم وحدت کشورهای سوسیالیستی و ضرورت عینی آن

گمنستانین کاتوشف

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست  
اتحاد شوروی

برای اندیشه مارکسیستی این حکم مسلم است که پیروزی انقلاب و درگونی سوسیالیستی جامعه بیزی نیست که بتوان آنرا از خارج وارد کرد، بلکه هوایه ایست که طبقه کارگر و زحمتکشان باید در داخل کشور خود وزیر رهبری پیشاهنگ مارکسیست - لنینیست خویش را انجام دهند. در عین حال همانگونه که بنیادگذاران مارکسیسم علمی خاطرنشان ساخته اند تجربه علمی صحت آنرا بسا روشنی کامل به ثبوت رسانده است همکاری انترناسیونالیستی واحدهای ملی طبقه کارگر و احزاب آنان برای گسترش کامیابانه فراگرد (پروسه) انقلاب اهمیت عظیم دارد. سراسر تاریخ جنبش کارگری بمفهوم معینی تاریخ کامل و تثبیت اصول انترناسیونالیسم پرولتری است. این اصول همراه با اصول دیگر مارکسیسم - لنینیسم که فعالیت احزاب کمونیست و کارگری بر بنیاد آنها استوار است در تکوین و تکامل سیستم جهانی سوسیالیستی نقش برجسته ایفا کرده اند. تمام تجربه ناشی از تکامل این سیستم که بدوران کامیابی ساله را در برمیگیرد ارزندگی و اهمیت زوال ناپذیره. معیار انترناسیونالیستی و اتحاد صفوف کشورهای سوسیالیستی و وحدت عمل آنان را در ساختن سوسیالیسم و کمونیسم و در مبارزه برای صلح باید ارواقیت بین الطلیقی ثابت میکند.

لئونید برژنف دبیرک کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ضمن تشریح چگونگی مرحله کنونی تکامل اجتماعی خاطرنشان ساخت که "در شرایط کنونی ضرورت اتحاد و همکاری نزدیک کشورهای سوسیالیستی نه تنها با کاهش نیافته بلکه افزایش پذیرفته است. اتحاد و همکاری و وحدت عمل اکنون بویژه از آنجهت برای مالا زمست که وظائف ناشی از رشد جامعه سوسیالیستی و ساختن کمونیسم را سریعتر و اثربخشتر انجام دهیم. وحدت، اتحاد و همکاری از آنجهت برای مالا زمست که از صلح مورد نیاز حیاتی تمام خلقها با کامیابی هرچه بیشتر در دفاع کنیم و ممانی آنرا تقویت بخشیم، جریان کاهش و حمایت اوضاع جهان را تسریع کنیم و کلیه اقدامات تجاوزکارانه امپریالیسم و هرتلاشی را که برای لطمه وارد کردن بمنافع سوسیالیسم بکار رود،

بنحواش بیشتر دایع کنیم \* ( ۱ ) .

تقویت بیشتر از پیش وحدت سمع عمده تکامل سیستم جهانی سوسیالیستی را تشکیل میدهد .  
ایرادیان از ضرورت همین همکاری انترناسیونالیستی که با نیازهای حیاتی رشد هریک از کشور  
های سوسیالیستی و مجموعه سیستم سوسیالیسم عطا بقوت دارد ، نانی میگرد .

### ۱

طی دوران اخیر در عرصه جهانی در زمینه کاهش و خاصیت اوضاع و تثبیت اصول همزیستی  
مسالمت آمیز کشورها ، دارای سیستم های اجتماعی گوناگون پیشرفت منسوسی صورت میگیرد و برای  
تامین حق خلق ها در تعیین آزادانه سرنوشت خویش شرایط مساعد تر فراهم میگردد .  
علاوه بر این در گوناگونیهای مهم تغییرات بهجت امپریالیسم و یا امتناع صاعقل تجار و کارآزان از هدف  
های ارتجاعی خویش نیست . این در گوناگونیها را آورد تناسب جدید نیروهاست که در هر توافقی  
قدرت اقتصاد ، سیاسی و نظامی کشورهای سوسیالیستی ، اعتلاء مبارزه آزاد پیختر خلفها  
و تقویت تشکک و نفوذ سیاسی جنبش جهانی کارگری و کمونیستی پدید آمده است .  
در میان عوامل عمده آن که در وضع بین المللی تغییر اساسی ایجاد کرده است سیاست  
خارجی هماهنگ کشورهای سوسیالیستی و برنامه صلح حیزه کمونیست اتحاد شوروی که با پیگیری  
تحقق میدهد و به یک سخن شعری صلح سوسیالیسم بیش از اهمیت عظیم دارد .  
این نکته را باید خاطر نشان ساخت که تکوین مشی واحد کشورهای براد در مراحل گوناگون را  
پیموده است . در نخستین سالهای پم از جنگ جهانی دوم که انقلاب سوسیالیستی در روسیه  
سلسله از کشورهای جهان به پیروزی انجامید نیاز زاین کشورها ، به کار سازدیت در زمینه سیاست  
خارجی کاملاً آشکار گردید . این همکاری در مراحل اولیه خود با وجود اهمیت فراوان عوامل  
اقتصادی و سیاسی شکل اتحاد تدافعی به کار خویش گرفت و این اتحاد موجبات دفاع از ستاور  
های سوسیالیستی را فراهم ساخت و تلاشهای امپریالیسم را برای ضد ورضد انقلاب عقیم گذاشت  
اتحاد کشورهای سوسیالیستی بتدریج بر پایه سیستم جامع و گامی از قرارداد های دو جانبه  
استوار شد و وقت امپریالیسم با تشکیل بلوک نانودست به تقویت دست مستقیم زد و ریاست آن پیمان  
ورشو منعقد گردید و سازمان تدافعی سیاسی و نظامی چند جانبه جامعه کشورهای سوسیالیستی  
بنیاد گذاری شد .

کشورهای سوسیالیستی از مرحله هج آهنگی اقدامات جداگانه خود در عرصه بین المللی  
بتدریج به مرحله تنظیم برنامه های مشترک سیاست خارجی گام نهادند . اسناد مشترک تنظیم  
شده در دوره های اجلاس کمیته سیاسی مشورتی کشورهای عضو پیمان ورشو سبزه دارای چنین  
خصیلتی هستند . اکنون با توجه کنه مسئله میتوان گفت که جامعه کشورهای سوسیالیستی  
در زمینه سیاست خارجی استراتژی واحدی دارد که هم وظائف عاجل مبارزه در راه صلح ، استقلال  
ملی و سوسیالیسم را در بر میگیرد و هم وظائف دراز مدت این مبارزه را .

میدانیم که دولت های امپریالیستی نیز سیستمی از قرارداد ها و موافقتنامه ها پدید آورده اند  
که علیرغم تضاد های درون امپریالیسم با آنها امکان میدهد در عین اساس مبارزه میان دو سیستم  
بطور متفق عمل کنند . امید ثلوه گهای بویژ و اوریژین نیست های راست و چپ با استناد به بر خ  
شیاست خارجی میکوشند اتحاد کشورهای سوسیالیستی و بلوک های امپریالیستی را یکسان جلوه

( ۱ ) - لغو نید برزنف " در باره پنجاهمین سالروز تاسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی "

دهند . ولی این احتجاجات شبه تئوریک هیچگونه پایه واقعی ندارد . یک مقایسه کلی میان خصلت اتحاد های دولتی سیستم های اجتماعی مختلف تمار اصولی فاحش میان آنها را آشکار میسازد .

این تمایز اولاً در هدفهای سیاستهای خارجی نمودار است . سیاست بین المللی جامعه کشورهای سوسیالیستی از منافع حیاتی زمینکشان این کشورها و از منافع طبقاتی جنبش کارگری جهان منشاء میگیرد . در این سیاست کمک به جنبش انقلابی آزاد بیخبر با مبارزه علیه خطر جنگ هسته ای و در راه تثبیت اصول همزیستی مسالمتآمیز کشورهای دارای رژیمهای اجتماعی مختلف پیوند ناگسستنی دارد . استراتژی سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی در هر دو این عرصه ها پاسخگوی نیازمند بهای حیاتی پیشرفت اجتماعی است و به همین جهت از پشتیبانی ملل سراسر جهان برخوردار است و تمام کامیابیهای آن نیز به میزان زیادی از همین امر ناشی میشود . ثانیاً سیاست خارجی هماهنگ کشورهای برادر مانند تمام سیستم همکاری همجانیه آنها بر بنیاد اصول انترناسیونالیسم پرولتری و سوسیالیستی ، برابری حقوق و حاکمیت استوار است . این سیاست هم منافع مجموع سیستم جهانی سوسیالیسم و هم منافع هر یک از کشورهای این سیستم را تامین میکند . در سیستم سرمایه داری پیمانها و اتحاد های میان کشورهای بدرجات گوناگون بر پایه نابرابری حقوق و تحکم استوار است ( در تاریخ بلوت بند بهای امپریالیستی نمونه های بیشماری از این ایده انگاشتن و حتی پایمال ساختن منافع گروهی از کشورهای سرمایه داری توسط گروههای نیرومند تر دیگر میتوان یافت ) . ولی کشورهای سوسیالیستی در حل مسائل سیاست خارجی و در انجام وظایف برنامه مشترک فعالیت در زمینه سیاست خارجی پیوسته بیکدیگر کمک میکنند .

اتحاد شوروی بعنوان بزرگترین کشور سوسیالیستی که بزرگترین قدرت اقتصادی ، سیاسی و دفاعی را داراست در این زمینه طبعاً مسئولیت خاصی بمعهد داشته است . حزب کمونیست اتحاد شوروی با درک مسئولیت انترناسیونالیستی خویش تا مین وحدت عمل با کشورهای سوسیالیستی برادر رویشتیانی مجدانه از آنها را همواره و وظیفه خود دانسته و میداند . نمودار بارز این مشی اصولی کمکهای عظیم اتحاد شوروی و سایر کشورهای برادر به خلق ویتنام و همبستگی آنان با مبارزه قهرمانانمان بود . پایداری و شجاعت مین پرستان ویتنام همراه با نیروی همبستگی کشورهای سوسیالیستی و تمام نیروهای ترقیخواه پایان دادن به تجاوز امپریالیستی و امکان احیای صلح را در هند و چین میسر ساخت . سیاست هماهنگ کشورهای عضو پیمان ورشود را رویا وجود پیوند ناگسستنی میان منافع جامعه کشورهای سوسیالیستی و منافع هر یک از کشورهای برادر و نیز منافع مشترک تمام خلق هارا بر روشنی نشان میدهد . قرارداد های اتحاد شوروی ، لهستان و جمهوری دموکراتیک آلمان با جمهوری فدرال آلمان و نیز موافقتنامه چهارد ولت در باره برلین غربی و فعالیت مجدانه و متکرانه کشورهای سوسیالیستی برای دعوت کثرترا امنیت و همکاری سراسر اروپا راه را برای برقراری وضع عادی در اروپا هموار ساخته است . وظایف مشخص هر یک از کشورهای سوسیالیستی نیز همگام با همین جریان عمومی انجام گرفته است .

کشورهای سوسیالیستی سالهای متوالی در تمام اسناد مشترک خود ضرورت برانداختن بازمانده های " جنگ سرد " و پایان دادن به محاصره دیپلماتیک جمهوری دموکراتیک آلمان را خاطر نشان میساختند . اکنون این مسئله بطور اساسی حل شده و نخستین دولت کارگران و دهقانان آلمان مورد شناسائی بین المللی وسیع قرار گرفته است . مرحله نهای این شناسائی پس از پیش

« میزبان جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری قدران آلمان در سازمان ملل متحد بود . به همین سان کشورهای سوسیالیستی به پیروی از روشی هماهنگ خود در زمینه کاهش و خاتم اوضاع در اروپا از خواسته‌ها معین چکوسلواکی در مورد بر اعتبار شناختن قرارداد مونیخ با پیگیری دفاع کردند . این مسئله نیز اکنون فصلی حل شده است .

تفاوت واقعیت بین الملی در آن کنونی گواه بر آنستکه اتحاد کشورهای سوسیالیستی و سیاست هماهنگ آنها عامل نیرومند پشت برای حل مسئله تحکیم صلح که برای تمام جامعه بشری اهمیت حیاتی دارد . ما ناظر جریان های مهم تازه آن در قاره های مختلف جهان هستیم . هم روند با استمرار دامنه صلح اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی جریان نوسازی مناسبات بین الملی رفته رفته منافع راهی که تا چندی پیش از مرحله دگرگونی های مثبت در حیات بین الملی دور بینداری می شدند در بر میگیرد .

یکی از نمونه‌ها آن تغییرات حاد در امریکای لاتین و از جمله تحکیم مواضع سیاسی کوبای سوسیالیستی است . گسست حلقه محاصره سیاسی کوبا پیر از هر چیزه آورده کامیابی های آن در ساختن جامعه نوین و شمره سیاست اصولی قاطع حزب کمونیست کوبا و دولت انقلاب آنست . شرکت نمودن در بزرگ مردم امریکای لاتین در مبارزه سیاسی فعال و تعالی بیعی آنان بصرقراری مناسبات با نخستین کشور سوسیالیستی قاره امریکا با این امر ارتباط ناگسستی دارد . در عین حال این جریان با سیاست کاهش و خاتم نیز پشت ارتباط معینی دارد زیرا کاهش و خاتم اوضاع امکان امریالیسم را برای مداخله در امور داخلی ملل متحد و میسازد و برای پیشروی نیروهای هواد ارتقی اجتماعی عرضه و پیچید می آورد .

اصل ضمنی همزیستی مصالحات میز که کشورهای سوسیالیستی مجدانه با آن تحقق می بخشند یکی سالهای اخیر در کشورهای سرمایه داری هواداران بسیاری پیدا کرده است . روابط مبتنی بر صرفه‌تقابل و همکاری اقتصاد در میان کشورهای پیروسیستم های اجتماعی گوناگون بتدریج دامنه بسیار وسیع بخود میگیرد . دیدارهای اخیر لئونید برژنف در بیرک کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از حضور قدران آلمان و ازیایالات متحده امریکا و فرانسه گام های بزرگی است که در این راه برداشته شده است .

مالیان دراز است که اتحاد شوروی د وثر بد وثر کشورهای برادر را برقراری صلح پایدار که نمیتوانست کنونی بلکه نسب های آینده نیز از ثمرات آن بهره مند خواهند شد به مبارزه پیگیر متغیر است . امر مذاکرات لئونید برژنف را درین وواشنگتن و پاریس از این نقطه نظر مورد ارزیابی قرار دادیم چون میتوانیم تصریح کنیم که در زمینه تحکیم امنیت بین الملی اقدامات بسیار مفیدی انجام گرفته است که منافع تمام جامعه بشری را برقرار میسازد و زمینه را برای نوسازی مناسبات بین الملی بر پایه همزیستی و اتفاق مصالحات میز هموار میسازد .

بدیهیست که با کامیابی امر صلح و تثبیت اصول همزیستی مصالحات میز تضاد های میان سوسیالیسم و سرمایه داران از میان ناپسود . پیدا پیش وضع تازه و مثبت در مناسبات میان کشورهای پیرو سیستم های اجتماعی - سیاسی گوناگون طبیعتاً تضاد های آنها را تغییر میدهد . این واقعیت را نمیتوان نادیده گرفت که هنوز از " جنگ سرد " که از تجاع امریالیستی آنها آغاز کرد عواقب بسیار بر جان مانده است . پیشروی در راهی که کشوده شده و حل تدریجی مسائل حاد بین الملی هنوز به سعای فراوان نیازمند است .

مبارزه طبقاتی در عرصه جهانی ادامه دارد و این مبارزه تمام سیاست در آن کنونی را در بر میگیرد .

این مبارزه در عرصه اقتصاد آشکار و در عرصه ایدئولوژی پنهان است. با اینهمه مبارزه هواداران سوسیالیسم و ترقی اجتماعی در راه تحقق هدفهای عادلانه آنان اکنون در شرایطی بمراتب مساعدتر از پیش انجام میگردد. جامعه کشورهای برادر همراه با مجموعه جنبش کمونیستی و کارگری و تمام جنبش انقلابی جهان برای نایل به تغییرات بیشتر در تناسب نیروهای جهانی و احساراز کامیابی های جدید در مبارزه برای صلح و دگرگونی های اجتماعی از امکانات واقعی برخوردارند.

## I

جریان تحکیم اتحاد کشورهای سوسیالیستی با توضیح خاصی در دگرگونی حل مسائل ناشی از رشد درونی آنان مشاهده میشود. در تمام مشئون حیات اجتماعی روابط میان کشورهای سوسیالیستی گسترش مییابد و تبادل تجربه پیرامون مسائل ساختن سوسیالیسم پیوسته بسر پایه عمیقتری استوار میگردد و شرارت بیشتری بیار میآورد. بدیهیست که این امرینداز زمین است که از دگرگونی ماهیت خود سوسیالیستی و یگانگی آرمانها و شباهت وظایفی که کشورهای برادر با انجام آنها مشغولند ناشی میشود.

معنادار این سخن البته آن نیست که در حل مسائل و انجام وظایف شیوهها و الگوهای یکمان بکار میروند. تجربه نشان داده است که برای حل مسائل و انجام وظایف ناشی از دگرگونی سوسیالیستی جامعه میتواند اشکال و شیوههای متنوع بکار بست. سنن تاریخی، ویژگیهای ملی، سطح رشد اقتصادی، نسبت طبقه کارگر در جامعه و دگرگونی تجارب آن برای پیشروی کشورهای مختلف در راه سوسیالیسم اشکال گوناگون پدید میآورد. توجه به ویژگیهای مشخص تاریخی نعتها در راستگویی جامعه نوین مانعی ایجاد نمیکند بلکه برعکس همیشه بر آن تأمین پیشرفت موفقیتآمیز سوسیالیسم ضرورتی داشته و دارد.

ولی هنگام انتخاب شیوهها و ساختن سوسیالیسم در عین توجه به ویژگیهای ملی با اهمیت قانونمندی های این ساختمان نیز باید در نظر گرفته شود. جلسه مشاوره با نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سوسیالیستی در سال ۱۹۵۲ به نتیجهگیری اصولی زیرین رسید: "تجربیات اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی عوید صحت کامل این حکم تئوری مارکسیستی لنینیستی است که سیر انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم بر پایه یکسلسله قانونمندی های اساسی انجام میگردد که برای تمام کشورهای آن که برای سوسیالیسم گام می نهند عمومیت دارد. این قانونمندی ها با وجود تنوع فراوان ویژگیها و سنن ملی ناشی از عوامل تاریخی که حتما باید در نظر گرفته میشوند همه جا تاثیر خود را اعمال میکنند".

این نتیجهگیری از مجموعه تجارب جامعه در زمینه تکامل کشورهای سوسیالیستی یعنی تثبیت رهبری دولتی طبقه کارگر و پیشاهنگ مارکسیست - لنینیست آن، برقرار مالکیت اجتماعی بسر و مسائل اساسی تولید، صنعتی کردن و دگرگونی سوسیالیستی کشاورزی، پیدایش فرهنگ نوین سوسیالیستی و بیست سخن از مجموعه تحولاتی ناشی میشد که جریان زندگی مبارزه در راه ساختمان سوسیالیسم واقعی را تشکیل میداد.

اکنون این سوسیالیسم واقعی در گروه بزرگی از کشورهای پدید آمده است. بسیاری از کشورهای همانگونه که در رکنهای اخیر احزاب کمونیست و کارگری آنان خاطر نشان گردیده است به ساختمان جامعه سوسیالیستی رشد یافته پرداخته اند. در این مرحله جریان نزدیک شدن کشورهای سوسیالیستی بیکدیگر سرعت بیشتری کسب میکند. هم روند پارشد نظام اجتماعی نوین خصائص مشترک آن با توضیح و کمالی پیش از پیش متجلی میگردد، دافع منافع مشترک کشورهای سوسیالیستی

گسترش میپذیرد و خصلت جهانشمول مراحل اساسی و اسلوب های اساسی ساختن سوسیالیسم  
بیش از پیش تقویت میشود .

در عرصه سیاسی تقویت نفوذ رهبری حزب کمونیست ، گسترش و تکمیل دموکراسی سوسیالیستی  
و تأمین شرکت هرچه کاملتر و مجدداً زحمتکشان در اداره امور کشور در مرکز توجه قرار دارد .

در عرصه اقتصادی بهبود مستمر وضع مادی زحمتکشان از طریق افزایش اثر بخشی تولید  
اجتماعی و ترفیع سطح بازده کار و فعالیت تمام احزاب برادران تشکیل میدهد .

در عرصه ایدئولوژیک و وظائف همگونی آنجا میگیرد که بارست از ترویج پیگیری اصول جهان معنی  
مارکسیسم - لنینیسم ، تربیت توده ها با روح میهن پرستی و انترناسیونالیسم سوسیالیستی ،  
ارتقاء سطح فرهنگ سوسیالیستی و مبارزه علیه نفوذ و رخنه ایدئولوژی بورژوازی .

از اینجاست تعادل طبیعی با بررسی تجارب یکدیگر بمنظور فراگیری کلیه دستاوردهای ارزنده  
ای که این یا آن کشور آن رسیده است ، این تبادل تجربه گروه بسیار بزرگی از مسائل را در برسر  
میگیرد . مسائلی از قبیل چگونگی تشکیلات حزبی ، گسترش دامنه دموکراسی سوسیالیستی ،  
تکمیل مابقی برنامه ریزی و رهبری امور تولید ، بهترین اشکال در آمیزی دستاوردهای انقلاب  
علمی و فنی با برتری های سیستم اقتصاد سوسیالیستی و مسائل ناشی از تربیت کمونیستی زحمتکشان  
نه تنها توجه احزاب مختلف را بخود معطوف میدارد بلکه پیوسته مورد مقایسه و بررسی متقابل قرار  
میگیرد .

حزب کمونیست اتحاد شوروی در این کار بطور فعال شرکت میبرد ، تجارب خویش را به طبع  
خاطریاد وستان در میان میگذارد و خود نیز از دستاوردهای آنان در فعالیت خویش بهره خلاق  
استفاده میکند . این همکاری در رسانهای اخیر بر اساس برنامه های مشخص انجام میگیرد و پیش از  
پیش نتایج شریک بشمار میآورد .

تقویت مستمر جریان نزدیکی کشورهای سوسیالیستی بیکدیگر پیگیری پایگی کامل تئوری " مدل  
های " گوناگون سوسیالیسم را که هدف آن توجیه انحرافات عناصر روهیونیسمت بر است و " چپ "  
و عدول آنان از مواضع سوسیالیسم علمی است آشکار میسازد . تجربه تاریخی ساختمان جامعه  
نوین خصلت واحد و جهانشمول قانونمندی ها و تکامل سوسیالیسم را با روشنی کامل نشان داده  
است . راست است که نضج نظام اجتماعی نوین مراحل گوناگونی می پیماید و پایه گذاری این  
نظام بسبب ویژگی های ملی ، سنن تاریخی ، خصوصیات وضع بین المللی و عوامل دیگر با اشکال  
و اسالیب گوناگون انجام میپذیرد و نیز راست است که مسائل مشخص بشیوه های گوناگون مطرح  
میگردد و ترتیب و تقدم و تاخر مراحل آنها یکسان نیست و شدت و سرعت دگرگونی های انقلابی در کشورهای  
مختلف متفاوت است . ولی با اعتقاد ما سوسیالیسم - " مدل " های گوناگون که غرض از آن در آخرین  
تحلیل تئوری های گوناگون است ، ندارد و نمیتواند داشته باشد . سوسیالیسم تنها یک تئوری  
علمی دارد که آنهم بر پایه اصول مارکسیسم - لنینیسم استوار است ، البته بر آن گمانیکه مبارز واقعی  
راه سوسیالیسم هستند .

### ۳

قانونمندی های عینی که رهگشان اتحاد کشورهای سوسیالیستی هستند با تمام شدت و  
قوت خود در عرصه تولید مادی تجلی مییابند . لنین در تالیفات خود بارها از جریان بین المللی  
شدن حیات اقتصادی ، سیاسی و معنوی جامعه در همان دوران سرمایه داری تکامل آن سخن  
گفته و در عین حال خاطرنشان ساخته است که با پیروزی سوسیالیسم این جریان ناگزیر تشمسید  
میگردد .

در محیط انقلاب علمی و فنی معاصر اهمیت تقسیم کار بین المللی بسی افزایش میابد . این تقسیم کار بر سران هریک از کشورها این امکان عینی را پدید میآورد که نیروی خود را در اثر بخشش ترین عرصه های تولید اجتماعی متمرکز سازد و بهترین راه را برای رشد اقتصادی ملی برگزیند و از طریق ویژه کار، ( اسپهالیزاسیون ) همکاری تولیدی سطح بازده کار را بالا ببرد . شگفت آور نیست که چرا طی سالهای اخیر میزان مبادلات بازرگانی جهانی با چنین سرعتی افزایش میابد و تعداد ارگان ها و سازمانهای بین المللی مخصوص همکاری های اقتصادی و علمی و فنی پیوسته زیاده تر میشود و هم پیوندی های اقتصادی بیشتر از پیش تقویت میپذیرد .

گسترش دامنه تقسیم کار بین المللی کشورهای سوسیالیستی نیز تحت تاثیر همین شرایط گسترش عمومی انجام میگردد . این تقسیم کار ویژگی های اساسی و برتری هایی دارد که آنرا از تقسیم کار سرمایه داری متمایز میسازد . این برتری ها از ماهیت نظام اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جامعه نوین ناشی میشود . سخن بر سر همکاری میان کشورهای است که وسایل تولید و قدرت سیاسی آنها در دست زحمتکشان است و باید بولژی اترنا سوسیالیستی طبقه کارگر در آنها حاکم است . از اینجاست همت فارغ بودن این کشورها از تضاد های آنتاگونیستی که شیرازه جهان سرمایه داری را از هم میپاشد ، خصیلت روابط اقتصادی آنها نیز بر بنیاد همیاری برادرانه استوار است و در پرتو آن هریک از کشورها میکوشد تا از این روابط نفعها بسود کشور خویش استفاده نکند بلکه به طرف مقابل نیز حداکثر کمک را میدولد و در مواقع مشترک جامعه کشورهای سوسیالیستی را در نظر گیرد . وجود این پایه عینی موجب میشود که گسترش همکاری اقتصادی در جهان سوسیالیستی با تکمیل و تحول دائمی اسلوب ها و اشکال گذار از مراحل پائین به مراحل عالیتر همراه باشد . مشخصا در مرحله آغازین این سیستم جهانی سوسیالیستی مبادلات کالائی ساده میان کشورهای سوسیالیستی تفوق داشت ولی سپس این مبادلات با اشکال عالیتری از همیاری در زمینه های مالی و اعتباراتی علمی و فنی تکمیل شد و از اواسط سالهای پنجاه نخستین عناصر هماهنگی برنامه های اقتصادی ملی کشورهای سوسیالیستی و ویژه کاری و همکاری تولیدی و ساختمان های مشترک آماج های مختلف و غیره پدید آمد .

این نکته را بویژه باید خاطر نشان ساخت که هماهنگی برنامه های اقتصادی ملی یکی از اسلوب های همکاری و اقتصاد سوسیالیستی است که تلفیق منافع اقتصادی و فعالیت هدفمند هریک از کشور ها را در مهمترین عرصه های عینی تولید اجتماعی تامین میکند . برابری حقوق ، علاقمندی متقابل ، مراعات دقیق منافع یکدیگر و منافع تمام کسانی که در همکاری شرکت دارند از خصایص ذاتی فعالیت مشترک کشورهای برادر در عرصه اقتصادی است . با آنکه در محیط سرمایه داری انحصاری دولتی نیز میان کشورها قرارداد هایی بر پایه برنامه ریزی رشته های مختلف اقتصاد ( وسط و عمدتاً در رشته های مالی ، تولید و مسائل جنگی و عرصه های علمی و فنی ) منعقد میشوند امکان هماهنگی رشته های اقتصادی و برنامه ریزی محفوم و واقعی در محیط سرمایه داری همیشه بسیار محدود بوده و همت . اکنون که در پرتو مساعی جمعی کشورهای سوسیالیستی برنامه جمعی برای هم پیوندی اقتصاد ملی تنظیم شده و در دست اجرا است گسترش تقسیم کار بین المللی سوسیالیستی به مرحله نوینی گام می نهد . در جریان اجرای این برنامه با استفاده از اشکالی که در گذشته وجود داشته است ، مترقی ترین شیوه های همکاری که در شرایط کنونی امکان دارد بکار میروند و برای پیشرفت سریع کشورهای برادر در رونمای گسترده ای پدید میآید .

کار بیست و هفتمین اجلاس شورای تعاون اقتصادی که در آغاز ماه ژوئن سال جاری در پراگ تشکیل شد در این زمینه نتایج مهمی به بار آورد . شرکت کنندگان در این اجلاس بر این تصریح کردند

نکته که تحقق برنامه جامع همپیوندی اقتصادی محتوی عمده همکاری میان آنها را تشکیل میدهد گامهای مشخص را که باید برای تسریع و تعمیق هم پیوندی و از جمله برای تکمیل برنامه ریزی مشترک اقدامات مربوط به همپیوندی برداشته شود معین کردند .

دامنه مسائلی که با مساعی مشترک حل میشوند بسط مییابد و موعد سررسید قرارداد های همکاری طولانی تر میشوند . برنامه های تنظیمی میگردد تا دامنه ساختمان موسسات بزرگ مشترک و ایجاد سازمانهای متحد علمی و فنی مبتنی بر عالیترین سطح تکنولوژیک با نیروی مشترک در مقیاس وسیع گسترش یابد . از جمله در نظر است که برای همکاری در رشته تولید وسائل و تجهیزات نیروگاه های اتمی وینت سلسله ارزشته های مهم دیگر سازمان مشترکی ایجاد گردد . دامنه همکاری مستقیم در عرصه تولیدی بیشتر از پیش توسعه مییابد . تولید سنجنر گرهای الکترونیک که تابع برنامه واحد انجام میگردد بیشتر گامیابی بزرگی است .

بدیهی است که تنظیم جریان یغرنجی چون هم پیوندی اقتصادی کشورهای سوسیالیستی کار ساده ای نیست . سترش دامنه برنامه ها مشترک و در آمیختن آن با برنامه ریزی ملی و نیروی قرارداری ارتباط جامع و همه جانبه میان مسائل تولیدی ، اقتصادی و حقوقی همراه با ویژه کار و همکاری تولیدی و تامین اثربخشی مشترک آن و کار انداختن موسسات مشترک و غیر مستلزم مساعی فراوان و تفحصات خلاق است . حزب کمونیست اتحاد شوروی با تفاق سایر کشورهای برادرنسبت به حل صحیح این مسائل و مسائل دیگر توجه مداوم معظوف میدارد . دانشمندان کشورهای برادر با طرح ریزی مشترک چگونه مسائل ناشی از تقویت بیشتر از پیش همکاری اقتصادی که بنیاد مادی جامعه کشورهای سوسیالیستی را تشکیل میدهد در این زمینه به ارگانهای حزبی دولتی کمک مؤثر میسرانند .

احزاب مارکسیست - لنینیست هم پیوندی اقتصادی سوسیالیستی را وسیله اساسی تقویت روابط اقتصادی ، تصرف سنگرهای مقدم علم و تکنیک و تحقق و صیای لنین در مورد رسیدن به عالیترین سطح بازده کار میدانند . ولی اجرای برنامه جامع هم پیوندی اقتصادی مساعی پیگیری برادران حل یکی از مهمترین مسائل همکاری اقتصادی کشورهای برادر یعنی هم ترازوی سطوح رشد اقتصادی آنان ایجاب میکند . در این راه هم اکنون گامیابیهای مهم بدست آمده است . در دوران پیدایش سیستم جهانی سوسیالیستی - کشورهای سوسیالیستی اروپا به صنعتی - کشاورزی ، کشاورزی - صنعتی و صرفاً کشاورزی تقسیم میشدند ( ضمناً در گروه اخیر تفوق داشتند ) . ولی اکنون در کلیه کشورهای اروپائی عضو شورائی تعاون اقتصادی بخت اساسی در آمد ملی در صنایع ایجاد میشود . سطوح زندگی خلقهای این کشورها نیز یکدیگر نزدیک میگردد . در حال حاضر اقداماتی بعمل میآید تا اقتصاد جمهوری توده ای مغولستان و نیز اقتصاد جمهوری کوبا که سال گذشته به عضویت شورای تعاون اقتصاد پذیرفته شده است بنبجوی اثربخش تر در تقسیم کار بین الطلی سوسیالیستی شرکت ورزند .

باید خاطر نشان ساخت که هم پیوندی اقتصادی همه چوچه کشورهای سوسیالیستی را از جریان جهانی گسترش همکاری اقتصادی و علمی و فنی جدا نمیسازد بلکه برعکس به آنها امکان میدهد تا بطور فعال تر و بویژه با شایستگی کامل به این جریان بپیوندند . بین الطلی شدن حیات اقتصادی پدیدهای است که همیشه خصیلت مترقی دارد ولی در شرایط کنونی که امپریالیسم همچنان به میزان زیاد در گسترش روابط اقتصادی بین الطلی اعمال نفوذ میکند شرکت بسیاری از کشورهای بویژه کشورهای در حال رشد در تقسیم کار بین الطلی با فشار سیاسی و نابرابری حقوق اقتصادی همراه است . کشورهای سوسیالیستی و بویژه کشورهای کم رشد تر آنها نیز اگر بطور جد اجد اوارد عرصه



جهانی می‌شدند از این سرنوشت مصون نمی‌مانند. حتی کشورهای سوسیالیستی بالنسبه کوچک باتکيه برکامیابیهای ساختمان سوسیالیسم و در پرتو تکمیل اقتصادی - سیاسی مشترک جامعه کشورهای سوسیالیستی میتوانند روابط اقتصادی خصوصاً کشورهای سرمایه داران برپایه صحیح و تأمین صرفه‌متقابل توسعه دهند.

#### ۴

در عرصه فرهنگ و ایدئولوژی نیز کشورهای سوسیالیستی با همان آهنگی که در عرصه اقتصاد مشاهده می‌شود بهتر از بقیه یگرنزدیک میگردند. حیات معنوی و فرهنگ این کشورها در عین حفظ غنا و ویژگی‌ها و شکفتگی شکل ملی خود همروند با تکامل نظام نوین بیشتر از پیشمضمون سوسیالیستی مشترک کسب میکنند. این جریان بر بنیاد ایدئولوژی واحد مارکسیستی - لنینیستی و تحکیم مناسبات اجتماعی نوین استوار است و همکاری رفیقانه زحمتکشان آزاد از بند استثمار و برابری حقوق افراد و ملل خصائص عمده آنرا تشکیل میدهد. سوسیالیسم برای هر انسان حق کار و تحصیل را تضمین کرده، در عرصه فرهنگ انقلاب واقعی انجام داده و راه زندگی مرفه و شایسته مقام انسانی را بروی توده‌های مردم گشوده است. مجموعه این عوامل بنیاد استواری برای نزدیکی و پیوند معنوی میان خلق‌ها پدید آورده است.

جریان نزدیکی این خلق‌ها بسبب وجود پیوندهای مشترک و اهمیت واحد پیوندهای اساسی تکامل سوسیالیسم پیوسته تقویت میگردد. لنین میگوید: "فقط از سوسیالیسم است که پیشروی سریع، حقیقی و واقعاتوده‌ای با شرکت اکثریت مردم و سپس تمام مردم در تمام شؤون زندگی اجتماعی و شخصی آغاز خواهد شد" (۱).

هدف کمونیسم پی‌ریزی چنان جامعه ایست که در آن اصول طبقات از بین میروند. در همان جریه ساختمان سوسیالیسم طبقه‌کا رگرو د هفنانان عضو شرکتهای تعاونی و روشنفکران توده‌ای با سرعتی روزافزون بیکدیگر نزدیک میشوند و وحدت اجتماعی - سیاسی و ایدئولوژیک جامعه کمونیست میپذیرد. راه رشد سوسیالیستی برابری ملل را تأمین و دوستی خلق ناپذیر آنرا تثبیت میکند. بر همین بنیاد بود که در اتحاد شوروی پیوند تاریخی نوین میان انسان‌ها برقرار گردید و خلق شوروی راه پدید آورد. تجربه شوروی همانگونه که رهبران احزاب مارکسیست لنینیست در روزهای پنجاهمین سالگرد تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی خاطرفشان ساختند اعتبار و اهمیت بین المللی دارد.

ما اکنون خود می‌بینیم که چگونه در کشورهای برادر طبقات و گروه‌ها با اجتماعی در پرتو تکامل مناسبات تولیدی نوین و ترفیع سطح خودآگاهی سیاسی توده‌ها و رشد فرهنگ عمومی آنان و تحت تاثیر شیوه زندگی سوسیالیستی و از میان رفتن تفاوت‌های اساسی میان شهر و روستا، میان کارگری و دینی بیشتر از پیش بیکدیگر نزدیک میگردند و وحدت اجتماعی - سیاسی و ایدئولوژیک خلق تقویت میشود. این جریان با آهنگ‌های گوناگون صورت میگیرد و در هر کشور مبرو نشان ویژه خود را دارد ولی سمتعمومی آن یکی است.

پیشرفت فرهنگ سوسیالیستی در نزدیکی معنوی ملل جهان سوسیالیسم نقش مهمی ایفا میکند. میان مسائلی که در جریان پیشرفت فرهنگ این ملل حل میشود با وجود ویژگی‌های ملی آن

(۱) - لنین، مجموعه کارمل آثار، جلد ۳۳، ص ۹۹ - ۱۰۰ (رجوع شود به ترجمه فارسی آثار

شبهات عمیق وجود دارد . ادبا و هنرمندان هر يك از کشورهای برادریا اتکا به جهان بیسی مارکسیسم — لنینیم مهمترین مسائل ساختن جهان نوین و تربیت انسان نوین را مورد توجه خود قرار میدهند . طبیعت هنر سوسیالیستی بخودی خود وظایفی چون انعکاس سیما ی قهرمان دوران ما یعنی انسان زحمتکش ، ترویج موازین اخلاق کمونیستی ، اسناد وستی انقلاب و تشریح و تعبیر خوشبینانه پدیده های حیاتی واقعی را با توجه بتمام بفرنجی ها و جنبه های متضاد آنها در برادریا و هنرمندان مطرح میماید . حزیمت ، سرشت توده ای و حقیقتگویی از صفات جلیلی ادبیات و هنر سوسیالیستی است ، تثبیت اسلوب رآلیسم سوسیالیستی مسیر اصلی تکامل فرهنگ جهانی سوسیالیستی را تشکیل میدهد . این فرهنگ که وارث قانونی و ادامه گ فرهنگ مشرقی انساند وستانه دوران پیشین است با بهره گیری از ارزش های واقعی آفریده ملل برادر سراسر جامعه بشری غنا محتوی خود را پیوسته فزونی می بخشد .

توسعه روز افزون روابط فرهنگی در جهان سوسیالیسم نیز بهتکون این فرهنگ سوسیالیستی کمک میکند . مثلا در سالهای ۱۹۷۱ — ۱۹۷۲ گروه های تأثرال و سایر گروه های هنری شوروی ۱۸۵ سفر به کشورهای سوسیالیستی انجام دادند و طی این مدت ۱۵۴ گروه هنری از کشورهای برادریا اتحاد شوروی آمدند . میان دهها هزارتن از کارکنان فرهنگی از طریق نمایشگاه ها ، فستیوال ها ، فعالیت های مشترک ادبی و هنری و بیامستقیما از طریق تأثرها ، موزه ها و کتابخانه ها تماس زنده برقرار است .

ولی البته این فقط روابط فرهنگی مستقیم نیست که به نزدیک معنوی ملل کشورهای سوسیالیستی و برانداختن موانع و خرافات میراث گذشته کمک میکند . هر سال هیئت های نمایندگی گوناگونی که قریب ۱۰۰ هزار عضو دارند از اتحاد شوروی به کشورهای برادر میروند و از آن کشورهایابه اتحاد شوروی میآیند . این هیئتها رسالتتأمین همکاری در زمینه های حزبی ، دولتی ، اقتصادی فرهنگی ، علمی و ورزشی را بعهده دارند . و این امر بروشنی نشان میدهد که جریان طبیعی غنا متقابل حیاتی معنوی ملل کشورهای سوسیالیستی در ایامها با چندین روش پیش میرود .

همکاری ایدئولوژیک که از اشتراك هدف های فعالیت احزاب برادر یعنی تربیت افراد با روح برخورد کمونیستی به کار ، انضباط اجتماعی آگاهانه ، صیقل پرستی و انترناسیونالیسم سوسیالیستی و مبارزه مشترک علیه فئودالیسم و بورژوازی ناشی میشود عامل مهمی است برای تحکیم وحدت کشورهای سوسیالیستی . این همکاری اشکال متنوعی دارد که از آن جمله است :

ملاقات دانشمندان برای بررسی مسائل مبرم رشد تئوری مارکسیستی — لنینیستی ، کنفرانس هایی که در آنها مسائل مختلف ساختمان سوسیالیسم بررسی میگردد ، تماس های دائمی میان ارگان های مطبوعات ، برقراری هماهنگی میان برنامه های فعالیت نشریاتی و بسیاری اشکال دیگر . قبلا یاد آور شدیم که با گذار سوسیالیسم به مراحل عالیتر رشد نیاز به تبادل تجربه افزایش مییابد . کاملا روشن است که تحلیل جمعی و فراگیر تجارت حاصله ، تشریح مساعی دانشمندان کشورهای سوسیالیستی و هماهنگی بهتر از پیش کار ایدئولوژیک اهمیت فراوان دارد .

پویای رشد سوسیالیسم ، انقلاب علمی و فنی و تسریع ترقی اجتماعی در جهان کنونی از کارکنان جنبه ایدئولوژیک طلب میکند که در تکمیل مستمر سر راهی سیستم آموزش و پرورش ، تبلیغات و تربیت ایدئولوژیک و سیاسی توده ها کوشا باشند . این وظایف را از طریق همکاری با اشخاصی بر بیشتری میتوان انجام داد .

در شرایط کاهش و خاست ارض جهان اهمیت هماهنگی کار ایدئولوژیک احزاب برادر را فزونتر میگردد . محاف امریالیستی اکنون برای مبارزه علیه سوسیالیسم و برای آنتی کمونیسم و تبلیغ

ناسیونالیسم اهمیت خاصی قائلند و حماسه‌پشان هم اینست که بدینوسیله از سیر عینی اتحاد کشورهای سوسیالیستی جلوگیری کنند . ناسیونالیسم معاصر ترکیب با آنتی کمونیسم پایه ایدئولوژیک مشترکی را برای جریان‌های ایدئولوژیک بکلی ناهمگون تشکیل میدهد بدینمعنی که محافظه کاران بورژوا و مترجمین افراطی و آنتی کمونیست‌ها که در آتش و روپزیونیسم‌های راست و " چپ " رازیر یک بام گرد می‌آورد .

لنین خاطر نشان میساخت که ناسیونالیسم همیشه با اپورتونیسم و مظاهر گوناگون آن در آمیختگی کامل دارد . بارزترین نمودار این پیوند عینی ضد مارکسیستی و ضد لنینی رهبری چین است . افشای این مشی و مغایرت آن با اصول سوسیالیسم علمی یکی از مهمترین وظائف مبارزه جمعی مارکسیست - لنینیست هاست . دانشمندان کشورهای برادرانه بهیت ارتجاعی خرده بورژوازی و خصلت عظمت طلبانه مائوئیسم و مشی سیاسی آنرا بنحوتکذیب ناپذیر ثابت کرده اند . حزب کمونیست اتحاد شوروی مبارزه قاطع علیه فعالیت مائوئیست‌ها را که در جهت خلاف منافع حیاتی سوسیالیسم جهانی و مبارزه آزادی بختر ملک و صلح و امنیت بین المللی سپر میکنند و تطبیق آنترناسیونالیستی خود میداند .

### ۵

بالا بردن نقش فعالیت‌آگاهانه طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش تحت رهبری احزاب کمونیست قانونمندی رشد سوسیالیسم در هر کشور و در مجموعه سیستم جهانی آنست . تجربه نشان میدهد که با وجود نیرومندی گرایش‌عینی کشورهای سوسیالیستی بسوی اتحاد و همکاری، عوامل ذهنی ممکنست در پیشرفت این جریان موانع جدی ایجاد کنند و آنرا از مسیر خود منحرف سازند . احزاب کمونیست و کارگری که پرچم ایدئولوژی آنترناسیونالیستی مارکسیستی - لنینیستی را بدوش می‌کشند وظیفه دارند سیر تکامل مناسبات کشورهای سوسیالیستی را بهمسیر مشترک سوق دهند و هر مانعی را که بنحوی از آنجا در این راه بوجود آید برطرف سازند .

لازمه این کار سطح عالی درک قانونمندی‌های رشد جامعه سوسیالیستی ، توانایی در آمیزی صحیح وظایف آنترناسیونالیستی و وظائف ملی سوسیالیسم و تشخیص هدف‌ها و ورنامای مشترک در جریان فعالیت‌های روزمره است . حزب کمونیست اتحاد شوروی نسبت به مسائل رشد سیستم جهانی سوسیالیسم پیوسته چنین برخوردی دارد و در کشورهای سوسیالیستی نیز احزاب برادر نسبت باین مسائل همین شیوه برخورد را بکار می‌برند . همکاری بین المللی کمونیست‌ها بر پایه اشتراک و وحدت فمیق و اصولی منافع انقلابی و جهان بینی مارکسیستی - لنینیستی و آرمان عالیه آنان یعنی ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم استوار است .

همکاری مجدانه و همه جانبه احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی مهمترین عامل گسترش مناسبات دولتی طراز سوسیالیستی است . این همکاری همانگونه که در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به‌کنگره ۲۴ خاطر نشان شده است به کشورهای برادر امکان میدهد تا " ضمن برخورداری از تجارب یکدیگر مسائل اصولی ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم را مشترکاً طرح‌ریزی کنند ، در روابط اقتصادی بهترین اشکال را بکار ببرند ، در امور سیاست خارجی بسا مساعی جمعی مشی مشترک اتخاذ کنند و در مسائل ناشی از فعالیت در رشته ایدئولوژی و فرهنگ با یکدیگر بهتر تبادل نظر بپردازند .

اکنون مجموعه کاملی از اشکال و اسلوب‌های مشخص روابط میان احزاب وجود دارد که تحکیم وحدت کشورهای سوسیالیستی را تأمین میکند . این روابط در تمام سطوح جنبه منظم و مستمر

دارد. دیدارها را با همسر و چند خانیه میان نمایندگان احزاب کمونیست که هر چند در یکبار اتحاد میگیرند، مسافران هر یکشان نمایندگی حزبی برای بررسی تجربه ساختن سوسیالیسم را در بررسی مشترک مسائل علمی و تئوریک و مادی و دانشجویان مدارس حزبی به دست استوار بدست میآید.

دیدار رهبران احزاب برادر را با همکاران از اهمیت خاص است. در جریان این دیدارها مهمترین مسائل ناشی از آخرین همکاری اقتصادی و هماهنگی سیاست خارجی حل و فصل میگردد و مشق سیاسی مشترک معین میشود. طی سالهای اخیر علاوه بر جلسات مشاوره کمیته سیاسی مشترک میان ورش و موزامبیک (دبیران کب) و دبیران اول) کمیته های مرکزی احزاب کمونیست و کارکنان جامعه کشورهای سوسیالیستی نیز معین گردیده است.

حزب کمونیست آلمان نیز همانگونه که در کنفرانس های ۲۳ و ۲۴ و تمام پلنوم های کمیته مرکزی و از جمله پلنوم چندین بار (ماه آوریل) هنگام بررسی مسائل فعالیت بین المللی خاطر نشان شده است، تعمیم و وحدت و همپیوستگی سیستم جهانی سوسیالیستی را مهمترین سمت فعالیت خود در عرصه سیاست خارجی میداند. حزب ما وفادار به سنن و شعار لنینی فعالیت عام با رمان های دولتی و اجتماعی شوروی را در این سمت سون میدهد و زحمتکشان را با روح انترناسیونالیسم و دوستی با ملت کشورهای دیگر سیستم سوسیالیستی تربیت میکند.

سیستم جهانی سوسیالیسم کمی پیش از پنج قرن پدید آمد. این دوران کوتاه برای نصیح و کشف گام مناسب میان کشورهای سوسیالیستی و تقویت گام پیوند های اتحاد و همکاری اقتصادی و سیاسی و ایجاد و تقویت آنان کافی نبوده است. برای تکمیل مجموعه سیستم مناسبات جهانی سوسیالیسم هنوز بیشتر کار زیادی در پیش است و هنوز زیادی بسیار اشکال تازه کشف شود. حزب کمونیست اتحاد شوروی نسبت باین مسائل توجه فراوان معطوف میدارد. احزاب کشورهای سوسیالیستی برادر نیز این مسائل را پیوسته مورد بررسی مشترک قرار میدهند. اگر نخواهیم مطالب پیش گفته را از دید تاریخ ارزیابی کنیم با اینها کامل میتوانیم بگوئیم که جریان تقویت همپیوستگی و وحدت عمل کشورهای سوسیالیستی پیوسته راه خود را هموار می سازد و بدینسان در سوسیالیسم جهانی و نیروی تاثیر آنرا در مجموعه اوضاع بین المللی فزونی میبخشد.



# راه رشد سوسیالیستی سریع لهستان

ادوارد گرنک

دبیر اول کمیته مرکزی حزب کارگر  
متحد لهستان

در سال ۱۹۷۴ جمهوری توده ای ما سی امین سال تأسیس خود را جشن خواهد گرفت . مردم لهستان طی دوران کمتر از سی سال کاری مترگ انجام دادند بدین معنی که کشور را از زیر ویرانه های بیسابقه جنگ بیرون کشیدند ، عقب ماندگی دیرین را برانداختند ، صنایع سوسیالیستی احداث کردند و مفاسد اجتماعی مشرقی برقرار ساختند . اکنون برای رشد سریع ، هماهنگ و همه جانبه لهستان سوسیالیستی شالوده استوار ریخته شده است .

مبهن ما در تمام شئون درگون شده و وضع آن در صحنه جهانی از بیخ و بن تغییر کرده است . اتحاد لهستان با کشورهای شور و عضویت آن در جامعه کشورهای سوسیالیستی و سیاست خارجی فعال آن برای استقلال و امنیت و شرکت اثربخش در زندگی بین المللی پایه های استوار پدید آورده است .

کنگره چهارم حزب کارگر متحد لهستان که در دسامبر سال ۱۹۶۱ تشکیل شد صحت رشد کنونی کشور را تعیین کرد و مرحله نوینی بر پایه کیفی عالیتر در راه ساختمان سوسیالیستی لهستان آغاز نهاد . برنامه مصوبه کنگره بر اساس مشاوریات وسیع با طبقه کارگر و نمایندگان زحمتکشانش تنظیم گردید . ما در جلوسات تحزبی ، سازمانهای اجتماعی ، در چارچوب جنبه واحد خلق ، در جریان گفتگو با کارکنان موسسات صنعتی بزرگ و از طریق مطبوعات و راه بیوتلوویزیون با نظر عموم در باره تزه های برنامه پیشنهادی کمیته مرکزی آشنا شدیم و پیشنهادهای مطروحه را مورد توجه قرار دادیم و تجربه لازم اندوختیم . حزب ما با هزاران کارشناس برجسته ، با کارگران و دهقانان ، رجال اجتماعی و سیاسی ، دانشمندان و هنرمندان و مهندسان و معلمان و پزشکان و اقتصاد دانان ، با اعضای حزب و افراد غیر حزبی تماس مستقیم گرفت و از آنها خواهرش کرد تا ملاحظاتی و پیشنهادهای خود را در باره برنامه ارسال نمایند . بهمین جهت برنامه کنگره ششم را بدون مبالغه میتوان برنامه تمام مردم و بازتابی از خواستها و آرمانهای آنان نامید .

این برنامه بزبانه اصول استراتژی مارکسیستی - لنینیستی رشد سوسیالیسم یعنی بر پایه وحدت اقتصاد ، سیاست و ایدئولوژی و پیوند ناگسستنی میان رشد عمومی اقتصاد و ترفیع سطح زندگی زحمتکشانش استوار است . حزب ما هنگام تدوین برنامه رشد سوسیالیستی لهستان از تجارب سرشار اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی در زمینه ساختمان سوسیالیسم که

احزاب کمونیست براد را آنرا مورد ارزیابی شوریک قرار داده اند استفاده کرد . تجربه‌گرانه‌های کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی که قانونمندی های عمده مرحله کنونی رشد سوسیالیسم را مشخص ساخت برای ما اهمیت خاص دارد .

### ۱

ماهیت وظایف مطروحه در کنگره ششم حزب مابارتمت از کوشش برای تسریع رشد اجتماعی اقتصادی لهستان سوسیالیستی . برای حصول این مقصود باید هم سرعت رشد تولید صنعتی و کشاورزی را افزایش داد و هم سطح زندگی مردم را بالا برد . ماهیت این برنامه در عین حال عبارتست از تقویت نقش رهبری حزب ، تحکیم دولت سوسیالیستی و ارگانهای آن ، ترفیع سطح آگاهی سوسیالیستی زحمتکشان شهر و ده و تکامل بیشتر از پیش مناسبات اجتماعی و دموکراسی سوسیالیستی بر پایه ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی .

مادر جریان اجرای قرارهای کنگره ششم برای کار ایدئولوژیک و سیاسی باتوجه هائوسبج طبقه کارگر و تمام مردم ، برای انجام وظایف اقتصادی و اجتماعی اهمیت درجه اول قائل هستیم . جامعه ما وجود پیوند محکم میان کار از روی وجدان و پربازده و بهبود شرایط معیشتی و تامین زندگی بهتر برای هر فرد را در روز بروز عمیقتر درک میکند . این زندگی از هر جهت بهتر ، مرفه‌تر و با فرهنگ تسر از پیش خواهد بود و با اصول سوسیالیستی تطابق خواهد داشت . مردم روز بروز عمیقتر بایستن حقیقت پی میبرند که چنین پیوندی فقط در محیط سوسیالیسم منافع حیاتی زحمتکشان را تامین میکند . ماکار از روی وجدان را در هر مقامی عالیترین معیار ارزش انسان و در عین حال مهمترین عامل تامین زندگی شایسته و تمام عیار می‌شماریم . این امر موجبات فعالیت خلاق را برای هر انسان جامعه سوسیالیستی فراهم میسازد . ما برای کار مفهوم واقعی و نقش شایسته قائل هستیم .

هر اندازه که کار بهتر سازمان یافته و بهره دهی آن بیشتر باشد نتایج نیکوتر به بار می‌آورد . تسریع رشد اقتصادی کشور در این زمینه جای اول را دارد . صنایع ، کشاورزی و بازرگانی خارجی و تمام رشته‌های اقتصاد ملی ما هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی به شاخص‌هایی بهتر از سالهای پیشین دست یافته اند . در نتیجه این امر طی دو سال اخیر درآمد ملی بیش از ۱۷٪ افزایش یافته است . در زیرتوان افزایش سریع تولید - درآمد واقعی گروه‌های بسیاری از زحمتکشان بومی بیشتر شده است . مادر عین حال به حل یکسلسله از مسائل مهم اجتماعی و ویژه حل معضل مسکن پرداخته ایم . در نتیجه پیشرفت سریع اقتصاد و ترفیع سطح زندگی پیوند میان حزب و طبقه کارگر که ضمیمه عمده نیرومندی حزب است تقویت پذیرفته است . این پیوند محکم که در کارواندیشه باتوجه های زحمتکتر برقرار است اکنون موجبات تقویت وحدت ایدئولوژیک و سیاسی مردم را در ساختن سوسیالیسم فراهم میسازد و بنیاد دولت ما را بیشتر از پیش استوار میکند و سطح شعور اجتماعی سوسیالیستی را بالا میبرد .

بنیاد پیشرفت سریع اجتماعی - اقتصادی لهستان توده ای را در عامل تشکیل میدهند که بایکدیگر پیوند متقابل دارند . عامل اول عبارتست از سیاست اجتماعی - اقتصادی متهورانه و در عین حال واقع بینانه ای که حزب ریخته و با پیگیری آن تحقق می بخشد و در آن افزایش سرمایه‌گذاری و استفاده بهتر از دستاوردهای علم و ماهر و همکاری و سپهتر با کشورهای سوسیالیستی براد رهبر بینی میشود . عامل دوم عبارتست از فعالیت طبقه کارگر و تمام زحمتکشان که حزب محرک و مشوق آنانست و نیز ابتکار روز افزون آنها در کار و فعالیت اجتماعی و وظیفه شناسی در کار و کوشش روز افزون تمام زحمتکشان برای بالا بردن سطح مهارت فنی و سرانجام توسعه دانه دموکراسی

سوسیالیستی . این عوامل آهنگ سریع افزایش درآمد ملی و ارتقاء سطح زندگی مردم را تأمین میکند . در برتو این عوامل کیفی برتریهای نظام سوسیالیستی و امکانات خلاقه آن کاملاً برتر از پیشتر نمودار میگردد و اثر بخش اجتماعی آن بیشتر میشود .

شاخصهای اساسی رشد اجتماعی و اقتصادی کنونی لهستان بر شاخصهایی که قبلاً مقدر شده بود پیشی میگیرد . اجراء قرارهای کنگره ششم برای انجام وظائف تازه و مشهورانه تر شرایط مساعد فراهم میسازد . هم حزب مصروف بر آنست که میان رشد اقتصاد ملی و ترقی سطح زندگی زحمتکشان تناسب صحیح برقرار باشد و بخش اقتصاد ملی و اجتماعی برنامه مصوبه کنگره بطور کامل و هم آهنگ تحقق پذیرد . طبقه کارگر و سایر گروههای زحمتکشان همه جا برای تسریع پیشرفت کشور فعلاً نه مبارزه میکنند و کمونیست ها در این مبارزه جای اول را دارند .

ما باین حقیقت کاملاً واقفیم که مقیاس عظیم وظائفی که اکنون انجام میدهد مستلزم برنامه ریزی ماهرانه تر برای هدفهای اقتصاد ملی و ایجاد سازمان بهتر برای کار میلیونها نفر است . دشواری مسائلی که ما اکنون بحل آنها مشغولیم بویژه از آنجهت است که صنایع سوسیالیستی لهستان در مرحله نوسازی سریع فنی است . اکنون یکسلسله کارخانه های جدید احداث میشود و ماشینهای بسیاری از موسسات قدیمی تجدید میگردد . تکنیک و تکنولوژی نوین بکار برده میشود . برای انجام این اقدامات شیوه متفکر نوین و سطح عالی مهارت فنی ، سازمانی دقیق و انضباط محکم لازم است . حزب ما برای پیشرفت ده اهمیت فراوان قائل است . محتوی عمده قرارهای کنگره ششم در زمینه سیاست ارضی عبارتست از انجام دو وظیفه وابسته بیکدیگر : افزایش منظم تولید کشاورزی کلاً افزایش نیازمندیهای کشور را در زمینه محصولات غذایی مطابقت داشته باشد و تجدید سریع سازمان سوسیالیستی ده بنحوی که با قانونمندی های عام سوسیالیسم و اصول نهی تطبیق کند . حزب دولت ما اکنون در سیاست خود پیگیرانه از این منشی پیروی میکنند ، ما برای تحکیم مناسبات سوسیالیستی در عرصه کشاورزی و بران تأمین نقش پیشرو مزارع دولتی و شرکتها و تعاونی تولیدی مساعی همجانیه بکار میبریم . در عین حال هدف سیاست دولت ما تحکیم داعی پیوند های تعاونی اقتصاد دهقانی در عرصه تولید و فرور با مزارع سوسیالیستی است . هدف این سیاست استفاده از امکانات تولیدی بالقوه اقتصاد دهقانی و تسریع دگرگونیهای سوسیالیستی این اقتصاد است . برای ایجاد بنیاد مادی مدرن و در درجه اول بنیاد ماشینی در کشاورزی بزرگ سوسیالیستی اقدامات لازم انجام میگردد . حزب ما در فعالیت خود میکوشد تا افراد ضرورت پیشرفت چنین اقتصاد را بیشتر از پیش درک کنند . حزب کارگر متحد لهستان برای تحکیم اتحاد کارگران و دهقانان و تأمین نقش رهبری طبقه کارگر در آن مساعی دائم بکار میبرد .

حزب ما تکمیل برنامه ریزی و مدیریت را وثیقه ایجاد امکانات فراوان برای تسریع رشد کشور و استفاده کامل از برتریهای نظام سوسیالیستی میدانند . تسریع رشد اقتصاد از طریق استفاده کامل تراز عوامل کیفی بمیزان زیادی وابسته بنا استفاده از این امکانات است . ما تکمیل سیستم برنامه ریزی و مدیریت را انجام مجموعه اقداماتی تلقی میکنیم که حل مسائل ساده ای چون برقراری نظم بهتر در موسسات و داشتن ورزیدگی در کار اقتصادی و مواظبت از اموال عمومی را نیز در بر میگیرد . ما این اقدامات را شامل نوسازی داعی شیوه های برنامه ریزی و مدیریت ، سازمان گیری تولید و اندازه اثر بخش امور اقتصاد رشته های مختلف تولید و مجموعه اقتصاد ملی نیز تلقی می کنیم . ما تجربه و دستاوردهای کشورهای سوسیالیستی برادر و بویژه کشور شوراهارا با دقت بررسی میکنیم .

ملاک حزب مابو رزمینه برخوردار بمسائل برنامه ریزی ومدیریت همان اصول آزمایش شدند و مارکسیسم - لنینیسم وپیش از هر چیز اصل اولویت منافع عمومی خلق و دولت بر منافع گروهی ومحلی و نیز اصل برنامه ریزی متمرکز است . ما این تلقی سطحی را که اصول متمرکز و متمرکز را در نقطه مقابل هم قرار میدهند مردود میشماریم . پیشرفت اجتماعی - اقتصادی ایجاب میکند که همراه با تکمیل سیستم برنامه ریزی متمرکز و رهبری متمرکز تمام امور اجتماعی تعیین کنند سمت رشد کشور برای استفاده از ابتکار سازمان های محلی جهت حل مسائل محدودترین بهترین شرایط محلی فراهم گردد .

اکنون ما بمنظیم برنامه جدید پنجساله برای سالهای ۱۹۷۶ - ۱۹۸۰ و همزمان با آن به تنظیم برنامه عمومی دراز مدت رشد لهستان تا سال ۱۹۹۰ مشغولیم . کارهایی که ما برای تقسیم بندی کشور بمناطق اقتصادی و نیز برای نوسازی شبکه های ارتباطی ومحلی ونقل و اتخاذا تدابیر جامع برای حفظ محیط زیست انسان و بهبود موثر آن انجام میدهم وهم اکنون به پیشرفت بسیار رسیده است با همین امر ارتباط دارد .

در برنامه های پنجساله پیشین و کنونی برای هماهنگ ساختن برنامه های رشد اقتصادی ما با برنامه های کشورهای سوسیالیستی برادری و پیونده اتحاد شوروی کارفرایان انجام گرفت است . ما میخواهیم در این راه باز هم پیش تر رویم . رشد عمقی اقتصاد ومدیریت کردن آن در تمام کشورهای عضو پیمان تعاون اقتصادی برای ویژه کاری ( اسپسیالیزاسیون ) وهیئاری وهمکاری علمی وفنسی بتقویت هم پیوندی ( انترگراسیون ) اقتصادی سوسیالیستی امکانات تازه پدید میآورد . ما ضمن هماهنگ ساختن برنامه های پنجساله و برنامه های دراز مدت خود باید برای تسریع اجرای برنامه جامع مصوبه سال ۱۹۷۱ شورای تعاون اقتصادی نیز بکوشیم . لهستان در راه هم پیوندی اقتصادی سوسیالیستی که در عین حال اهمیت سیاسی بسیار مهم نیز دارد وعامل مهم تقویت پیش از پیش وحدت جامعه کشورهای سوسیالیستی محسوب میگردد پیش میرود . توسعه این همکاری وسط روابط اقتصادی با کشورهای دیگر و از جمله روابط مبتنی بر برابری و صرف مقابل با کشورهای سرمایه داری وشرکت وسیعتر در تقسیم کار بین المللی از جمله شرایط بسیار مهمی هستند که پیشرفت لهستان را تا مین میکنند . ما چندین پیش برای توسعه پیش از پیش روابط اقتصادی خود با کشورهای در حال رشد نیز برنامه ای تنظیم کردیم . ما قصد داریم طی سالهای دهه جاری میزان مبادلات کالائی خود را با این کشورها دست کم سه برابر کنیم .

## ۲

لنین در رتبهائی که برای نخستین کنگره انترناسیونال کمونیستی تدوین کرده بود نوشت :  
 " اشتباه عظیمی است اگر تصور شود که عمیقترین انقلاب تاریخ جامعه بشری که در آن برای نخستین بار در جهان زمام حکومت از دست اقلیت استعمارگر بدست اکثریت استعمار شوند افتاده است .  
 میتوان در رجا راجوب کهنه دموکراسی کهنه یعنی دموکراسی پارلمانی بورژوازی صورت گیرد و کار آن بدون دگرگونی های بنیادی وبدون ایجاد اشکال نوین دموکراسی ونهاد های نوینی که بازتاب شرایط نوین تحقق آن هستند وغیره از پیشتر برود " ( ۱ ) . تجربه اتحاد شوروی وتمام کشورهای سوسیالیستی واز جمله لهستان صحت کامل این سخنان لنین را به ثبوت رسانده است .  
 نیروی دموکراسی سوسیالیستی و برتری آن بر دموکراسی بورژوازی در آنستکه زحمتکشان



راهبرمون برنامه رشد سوسیالیستی متحد میسازد و شرکت روزافزون آنها را در اداره امور کشور تأمین میکند . برتری دیگر آن اینست که دشمنان سوسیالیسم را که فعالیتشان مفایر با منافع زحمتکشانست از امکان فعالیت محروم میسازد و نظریه کدائتی " بازی آزاد نیروهای سیاسی " و " پلورالیسم سیاسی " را رد میکند . اصول دموکراسی سوسیالیستی ، هم از طریق بحث و شناسایی پیرامون انتخاب چگونگی طرق رشد کشور و منطقه و موسسه مربوطه و هم از طریق موظفبودن ارگان های مربوطه به جوابگویی در قبال تصمیمات متحدان تحقق میپذیرد . حزب ما طی سالهای اخیر برای بسط و تحکیم دموکراسی با چنین مفهومی کارفرایان انجام داده است . ما سیستم اطلاعات عمومی و مشاورات همگانی را پیوسته تکمیل میکنیم ، دامنه گفتگوهای روزمره با طبقه کارگر را بسط میدهیم ، نقش ارگانهای انتخابی یعنی شوراهای خلق و مجلس ملی ( سیم ) را تقویت میبخشیم اسلوب کار را بهبود میدهیم و در تحکیم بیشتر از پیش اعتبار جبهه وحدت خلق میکوشیم . احزاب عضو جبهه وحدت خلق یعنی حزب متحد هقانان ، حزب دموکرات سازمانها و گروههای اجتماعی عدیده بر پایه پلاتفرم این جبهه در اجرای برنامه ای که حزب ما برای ساختمان سوسیالیسم طرح ریخته است با ما همکاری میکنند .

نقش روزافزون عامل ذهنی در جریان ساختمان سوسیالیسم طبعاً باید با تقویت نقش رهبری ایدئولوژیک و سیاسی حزب که پیشاهنگ را مترقی سوسیالیستی و کمونیستی است توأم باشد . نقش رهبری حزب جزو اصول لنینی و بنیادی ساختمان سوسیالیسم است ، تمام تجربه جامعه کشورهای سوسیالیستی موجد صحت این اصل است . بهمین جهت ما برای تحکیم سیاسی و سازمانی حزب ، برای تقویت هسته کارگری و تکمیل کلیه اشکال کار آن ، برای تأمین نقش پیشتاز سازمان های حزبی هر محله و هر موسسه صنعتی و هر حوزه حزبی مساعی فراوان بکار میبریم . حزب کارگر متحد لهستان در جریان اجرای برنامه کنگره ششم برای تحکیم ارگان های دولت دیکتاتوری پرولتاریا اهمیت خاص قائل است . کمیته مرکزی حزب و پروری سیاسی آن سلسله تصمیماتی برای تقویت نقش ارگان های اداری و اقتصادی اتخاذ کرده است . حزب دستگاه دولتی را تکمیل میکند ، سطح کارآزمودگی فنی و سیاسی آنرا بیشتر از پیش بالا میبرد و پیوند آنرا با توده ها تقویت میبخشد . اصول انضباط اجتماعی و احترام به قانون و نظام اجتماعی همه جا رسوخ مییابد .

بعوجب رهنمود های کنگره ششم ما از خاثر کار اداری و مجموعه سیاست خود را در باره کارها مورد تحلیل همه جانبه قرار دادیم . پروری سیاسی کمیته مرکزی در این زمینه قراری صادر کرد و ضمن طرح توقعات عالییه خویش در برابر کارادرها سنگینی اساسی کار تحقق سیاست حزب را بدوش آنها نهاد . بدینسان حزب بر کمونیستهای با استعداد و پرکار و وفادار به راه حزب و مبین ، بر بنیان آگاه و با انضباط ترقی کشور تکیه دارد که بکار خود برخوردار نقد و برای انجام وظائف نوین و دیدم مشهورانه تر آماجگی کامل دارند .

حزب ما برای کار ایدئولوژیک چه در صفوف خود و چه در سراسر جامعه اهمیت بسیار قائل است . ما ترفیع سطح فعالیت ایدئولوژیک و تربیتی را شرط اساسی پیشروی سیاسی خود حزب و نیز تحکیم سوسیالیسم از طریق تحکیم و تقویت شعور اجتماعی سوسیالیستی میشماریم . فعالیت ایدئولوژیک با تمام سیاست حزب و با انجام وظائف اجتماعی - اقتصادی و فعالیت بین المللی آن پیوند استوار دارد .

لنین ضرورت درآمیزی کامل فعالیت ایدئولوژیک و اقتصادی را پیوسته خاطر نشان میساخت و آنرا شرط لازم ساختمان موفقیت آمیز سوسیالیسم میدانست . پرورش شخصیت سوسیالیستی

وتقویت پیوند های اجتماعی سوسیالیستی از فعالیت مداوم و مستمر برای ارضای بیشتر نیاز مادی های مادی و فرهنگی زحمتکشان تفکیک ناپذیر است . ما باید به بود وضع مادی و فرهنگی زحمتکشان مدل جدید یعنی مدل سوسیالیستی جامعه دارای سطح عالی رشد را پدید می آوریم . چنین مدلی از نظر اهمیت طبقاتی و محتوی انساندوستانه آن با واقعیت جهان سرمایه داری تفاوت بنیادی و اصولی دارد . در جامعه ما مسیر روشن پیشرفت اقتصادی و انقلاب علمی و فنی بارگاه اجتماعی ، باطمینان به فردا و با استقرار مناسبات اجتماعی عالی و طراز نوین که تضاد ذاتی جامعه سرمایه داری یعنی وابستگی انسان به اشیا و نابرابری اجتماعی انسان ها را از میان میبرد ، همراه است .

ما ضمن گسترش دامنه تعرض ایدئولوژیک در جامعه خویش برای آن عوامل ایدئولوژیک و اجتماعی که تا میسر کنند ه مطابقت ضروری گفتار با کردار اجتماعی بر اهتمام با انسان زحمتکش و ایمان به نیروی سازندگی مردم است نقش مهم قائلیم .

ما به کار تثبیت اصول اساسی سوسیالیسم در شعور اجتماعی که کار از روی وجدان و مراعات موازین حکومت سوسیالیستی و تحکیم مستمر وحدت سیاسی خلق و رسخ مارکسیسم لنینیسم و انترناسیونالیسم در میان توده های مردم از جلوه های آنست اهمیت بسیار میدیم . فعالیت ایدئولوژیک ما بیشتر از همه در میان کارگران صنایع بزرگ انجام میگیرد . ما سازمانهای حزبی موسسات بزرگ را تقویت میبخشیم و بهترین تجارب آنان را تجزیه و تحلیل میکنیم و در موسسات دیگر اشاعه میدیم . کمیته مرکزی تقریباً ۲۰۰ مؤسسه بزرگ کشور را زیر نظر مستقیم خود دارد .

۳۰ ماه پیش پلنوم هفتم کمیته مرکزی حزب ما برنامه وسیع درازمدتی برای پرورش ایدئولوژیک جوانان تنظیم کرد . نسل جوان کشور ما بسیار کثیرالمده است . تنها در همین برنامه پنجساله جاری ۳۵ میلیون جوان دوران کار را در زندگی خود آغاز میکنند . ۶۰٪ جمعیت لهستان را کودکان و جوانانی که در لهستان توده ای متولد شده اند و حد اکثر سن آنها به ۳۰ سال نمیرسد تشکیل میدهند . پلنوم هفتم انجام یکسلسله وظایف را بپوشه در زمینه آموزش و پرورش در برابری کشور قرار داده است . هدف رهنمود های پلنوم توسازی و تحکیم مدارس لهستان چه در رشته آموزش حرفه ای جوانان و چه در رشته ایدئولوژیک و تربیت اهالی کشور سوسیالیستی است . ما قرارهای کمیته مرکزی را درباره تربیت جوانان بطور بیکیفر عین میسازیم . در آوریل سال ۱۹۷۳ سازمانها و جوانان باید یکدیگر متحد شدند و در اسیون اتحادیه های سوسیالیستی جوانان لهستان را بر اساس برنامه ایدئولوژیک واحد تشکیل دادند .

حزب در فعالیت ایدئولوژیک خود به تربیت انترناسیونالیستی توجه خاص معطوف میدارد . ما دور کترین مبالغه نمیتوانیم بگوئیم که اکنون دوستی یا اتحاد شوروی و احساس برادری با مردم شوروی جزء لاینفک شعور مردم ما و مبهم پرستی نوین سوسیالیستی لهستان است . این دوستی و برادری در ذهن زحمتکشان لهستان ریشه عمیق دارد و مانده است و ما میکوشیم تا آنرا بیشتر از پیش تعدیت کنیم . گواهیها نشان شرکت وسیع محافل اجتماعی در برگزاری جشن پنجاهمین سالروز تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود . روابط انترناسیونالیستی برادرانه مردم ما با سایر ملل ها در جامعه کشورهای سوسیالیستی نیز پیوسته تحکیم میپذیرد و خلق ما بیشتر از پیش با اهمیت پیوند های ایدئولوژیک خود با تمام نیروهای هوادار سوسیالیسم ، آزادی ، ترقی و صلح در سراسر جهان پیوسته است .

جریان پرورش شعور سوسیالیستی بدون برخورد و تصادم از پیش نمیرود . این جریان پیش

از هر جریان اجتماعی دیگر تحت تاثیر مبارزه طبقاتی جهانی و درون کشور قرار میگیرد . ضمناً این دو جنبه مبارزه طبقاتی یعنی جنبه جهانی و جنبه درونی - باید یکدیگر را میآمیزند .  
 حزب ما تماماً عقب و نتایج مبارزه ایدئولوژیک را بدرستی ارزیابی میکند و اعضای خود را با روح پیکارجویی و هشیاری سیاسی میپرورد . مادرین جان باین نکته نیز توجه داریم که در پرتو کامیابی سیاست همزیستی مسالمت آمیز اهمیت مبارزه ایدئولوژیک سوسیالیسم با سرمایه داری افزایش مییابد و سطح توقعات ایدئولوژیک بالا تر میرود .

فعالیت حزب ما در زمینه ایدئولوژیک و تقویت شعور سوسیالیستی جنبه وسیعی را تشکیل میدهد که تمام شئون زندگی را از دانش سیاسی گرفته تا اخلاقیات و سبک زندگی اجتماعی در بر دارد . در این زمینه هنوز کارهای بسیار در پیش است و ما باید پربازمانده ها ن عقاید و نظریات کهنه فائق آئیم و برای تقویت ایمان سوسیالیستی و شیوه برخورد سوسیالیستی به واقعیت - مجدداً تمرکز عمل کنیم .

حزب شیوهها و کار خود را در زمینه رهبری دستگاه اطلاعات و تبلیغات عمومی بمنظور بهبود کار آن پیوسته تکمیل میکند ، دامنه آموزش سیاسی عمومی و آموزش حزبی را گسترش میدهد و اشکال جدیدی برای کار با جو اتان معمول میدارد . ما میکوشیم علوم اجتماعی را بر بنیاد استوار مارکسیسم - لنینیسم در کلیه جوانب پیشرفت دهیم . چندین پیتر جلسه مشاوره مهمی بشرکت نمایندگان علوم اجتماعی برگزار شد . این جلسه را که در تاریخ لهستان توده ان سابقه نداشت کمیته مرکزی حزب ما تشکیل داد . کار آن نمایشگر اتحاد صغوف کارکنان رشته های علوم اجتماعی پیرامون حزب و سیاست آن بود و نشان داد که اکثریت قریب بتمام آنان وظائف علمی خود را در زمینه مبارزه ایدئولوژیک عمیقاً در میکنند .

هدف حزب ما تأمین تسلط ایدئولوژی سوسیالیستی بر شعور جامعه لهستان و اشاعه مارکسیسم - لنینیسم در زندگی معنوی مردم است . ما با اطمینان کامل میتوانیم بگوئیم که این هدف با کامیابی های مهم و مستمر تحقق میپذیرد .

### ۳

لهستان در پرتو سوسیالیسم در میان کشورهای دیگر مقامی احراز کرده است که شرایط لازم را برای رشد مسالمت آمیز آن در تمام جهات فراهم سازد و استقلال و امنیت آنرا تضمین میکند . قرار دادهائی که ما با متحدین خود منعقد ساخته ایم ، رشته های استوار و ناگسستنی دوستی و همکاری با جامعه کشورهای سوسیالیستی و همبستگی با جنبش جهانی کمونیستی و انقلابی پایه های خلك ناپذیر سیاست فراجی ما را تشکیل میدهند . ما با تحکیم کشور سوسیالیستی خود و با تسریع رشد آن به سهم خود به مبارزه در راه استقرار سوسیالیسم در مقیاس جهانی و در راه آزادی مطلق و تأمین صلح پایدار کفایت میکنیم .

مناسبات برادرانه با اتحاد شوروی در سیاست خارجی لهستان نقش عمده دارد و ما برای تقویت این اتحاد اهمیت فوق العاده قائلیم . طی دو سال اخیر همکاری لهستان و اتحاد شوروی بهتر از پیش بر پایه برادری و دوستی میان ملل ما استوار شده است .

دیدار دوستانه لئونید برژنف در بیرگن کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از لهستان که در روزهای ۱۱ - ۱۲ مه سال ۱۹۷۳ انجام گرفت نمایش باشکوهی از وجود پیوندهای برادرانه میان لهستان و اتحاد شوروی بود . این دیدار و مذاکراتی که در جریان آن صورت

گرفت وحدت نظر هر دو حزب را در کلیه مسائل مربوط به تکامل سوسیالیسم و مطابقت کامل نظریات هر دو حزب و هر دو دولت را در زمینه تمام مسائل جاری و آتی جهانی و تعامل مشترک آنها را به همکاری وسیعتر و همه جانبه تر میان جمهوری توده ای لهستان و اتحاد شوروی نشان داد .

این دیدار ویژه با توجه به لحاظ آن اهمیت عظیم داشت ، زیرا همزمان با این دیدار برنامه باعتماد صلح که در گزارشی رفیق برژنف به کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی تشریح شده و اقدامات مربوط به انجام آن در پلنوم آوریل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی مورد تأیید قرار گرفته بود - با فعالیت خاصی تحقق میپذیرفت . لهستان نیز با فعالیت خود در صحنه اروپا و در عرصه جهانی به اجرای این برنامه و به تحقق مضمون واحد جامعه کشورهای سوسیالیستی در زمینه تحکیم همزیستی مسالمت آمیز کشورهای پیرو رژیم های اجتماعی گوناگون کمک میکند . این برنامه منافع طبقه کارگر جهان و تمام نیروهای هوادار ترقی و صلح را در سراسر جهان بخوبی تأمین میکند .

حزب ما در سیاست خود مساعی اساسی خویش را در جهت توسعه روابط دو جانبه و چند جانبه با تمام کشورهای سوسیالیستی میذول میدارد . در این زمینه همکاری بین الملی و از آنجمله همکاری ما در امر ایجاد پولوژیت و برقراری روابط اقتصادی استوار تر پیوسته کاملتر میشود و دامنه وسعتش بخود میگردد . جمهوری توده ای لهستان برنامه های مشترک مربوط به ویژه کاری و همکاری در زمینه تولید صنعتی راه ملی میسازد و نیز در رشته های معین سرمایه گذاری های مشترک میکند . ما میکوشیم اشکال نوین همکاری های علمی - فنی و اجتماعی - فرهنگی را گسترش دهیم و ملل کشورهای سوسیالیستی را از طریق بسط تمام های اجتماعی و مبادلات فرهنگی و گسترش توریسم بیشتر از پیش بیکدیگر نزدیک سازیم . این نزدیکی موجب آشنائی بیشتر ملل کشورهای برادر را با ارزش های عظیم فرهنگی و تاریخی و دستاوردهای تمدن یکدیگر خواهد شد . اکنون در سطوح عالی حزبی و دولتی بیشتر از گذشته دیدار انجام میگردد و این دیدارها بطوریکه تجربه مان نشان میدهد شگن بسیار ارزنده و شرمناک برای همکاری است . در این زمینه دیدارهای کریمه در سال های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ و نیز اجلاس های کمیته سیاسی مشورتی سازمان پیمان ورشو اهمیت خاص داشتند . حزب ما برای این مشاورات ارزش فراوان قائل است و در آنها شرکت فعال میبرد . ما تصمیمات مشترک را با پیگیری کامل اجرا میکنیم و میدانیم که این امر شرط لازم کامیابی فعالیت جامعه کشورهای ما در صحنه بین الملی است .

ما در سیاست خود با کشورهای سوسیالیستی اروپا و آسیا و امریکای لاتین میکوشیم همکاری فیما بین را تحکیم بخشیم و آنرا با محتوی جدید و اشکال جدید تکمیل کنیم تا این همکاری با حد اعلای اثربخشی به پیشرفت ساختمان سوسیالیسم در هر یک از کشورهای و در سراسر جهان سوسیالیسم کمک کند و وحدت کشورهای سیستم ما بر پایه ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری تقویت گردد . ما میدانیم که احزاب برادر فعالیت ما را در این عرصه تأیید میکنند . حزب کارگر متحد لهستان این فعالیت را وظیفه انترناسیونالیستی خود می شمارد .

حزب ما علیه ایدئولوژی و سیاست انشعابگرانه و ضد مارکسیستی رهبری حزب کمونیست چین بشد تمسار می کند . ماهیت ماوئیسم شوینیسم عظمت طلبانه است . ماوئیسم علیه منافع حیاتی تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی و طبقه کارگر جهانی و جنبش ضد امپریالیستی عمل میکند . سیاست ماوئیست ها که عاری از هر نسیب است و بنا بر آن بر شمشه بازی با ایدئولوژی قرار ارد با منافع صلح و سوسیالیسم و نیز با منافع خود مردم چین در تضاد فاحش است . ما در ارزیابی سیاست رهبران چینی با موضوع گیری حزب کمونیست اتحاد شوروی و اکثریت احزاب کمونیست و کارگری سراسر جهان

موافقت کامل داریم . واگتنن ناطع در برابر این شیئی اکنون یکی از مهمترین شرایط کامیابی در مبارزه برای پیروزی سوسیالیسم و آزادی خلق ها و تامين صلح جهانی است .

پیشرفت وضع بین المللی در گرو تحکیم وحدت ما است . ما فعالیت متحد و هماهنگ دول جامعه کشورهای سوسیالیستی و مجموعه جنبش جهانی راه مال بسیار مهم نیرومندی سوسیالیسم در مبارزه علیه امپریالیسم و شرط قاطع امنیت تحریک از کشورهای سوسیالیستی میدانیم .

کمونست ها در تحلیل وضع بین المللی همیشه باید بر مواضع طبقاتی متکی باشند . ما باید هشیار باشیم . امپریالیسم همچنان یک سیستم جنگ آفرین استوار و اهمیت آن تضییعی روی نداده است . گوازه آن موارد عدیده نجا و زور سرکوب جنبش های انقلابی و آزاد بیخش ملی و فعالیت تخریبی ضد کشورهای سوسیالیستی است .

ما ضمن انجام وظیفه انترناسیونالیستی خویش در آینده نیز از ملک مبارز ضد امپریالیسم و مدافع استقلال ملی مجدانه پشتیبانی خواهیم کرد . ما به خلق قهرمان ویتنام در تحقیق پیگیر تمام مواد موافقتنامه پاریس و احیای مسالمت آمیز کشور کمک میکنیم و در آینده نیز این کمک را ادامه خواهیم داد .

ما از مبارزه عادلانه خلقهای عرب برای برانداختن عواقب تجاوز احرار قریل و در راه صلح و امنیت در خاور نزدیک و تامين حقوق ملی آنان پشتیبانی میکنیم .

ما میکوشیم سهم خود را در مبارز نیروهای ترقیخواه و انقلابی کشورهای آسیا ، آفریقا و امریکا لاتین ادا کنیم و از این مبارزه پشتیبانی نمائیم .

ما میکوشیم روابط خود را با تمام کشورهایی که سیاست ضد امپریالیستی تعقیب میکنند بر پایه ای استوار سازیم که خصیصه اساسی این روابط یعنی همبستگی متقابل در مبارزه علیه امپریالیسم و کمک و پشتیبانی برادرانه تقویت گردد .

مناسبات با کشورهای سرمایه داری بر وفق اصول ثنینی ضمنیستی مسالمت آمیز کشورهای پیرو سیستم های اجتماعی - سیاسی مختلف برقرار میگردد و ما بر آنیم که همزیستی و همکاری طلب در آینده بهتر از پیش بر پایه این اصول استوار خواهد شد . جامعه کشورهای سوسیالیستی در بر تو وحدت عمل خود در راضیل با این هدف بنکامیابیهای جدی رسیده اند . برای نمونه میتوان از قرار داد های منعقد شده میان اتحاد شوروی و جمهوری فدرال آلمان ، میان لهستان و جمهوری فدرال آلمان و نیز میان جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان نام برد . این قرارداد ها به جنگ سرد در این منطقه پایان داده و شرایط لازم را برای هادی کردن مناسبات بر پایه قبول خدشه ناپذیر بودن مرزهای موجود و اقصیت سیاسی موجود در اروپا فراهم ساخته اند . دیدار تاریخی رفیق برژنف از جمهوری فدرال آلمان بهیزانی عظیم به توسعه این مناسبات سه تحکیم صلح در اروپا کمک کرد .

لهستان نیز مانند اتحاد شوروی سالهاست که با فرانسه و سایر کشورهای سرمایه داری همکاری مبتنی بر مناسبات صلح و دوستی دارد . موافقتنامه های اتحاد شوروی و ایالات متحد آمریکا در سال ۱۹۷۲ پیشرفت بزرگی بود که در امر تقویت اصول همزیستی مسالمت آمیز در سراسر جهان حاصل شد . سیاست کشورهای سوسیالیستی زمینه را برای دعوت کنفرانس امنیت و همکاری سراسر اروپا هموار ساخت و لهستان نیز در تدارک این کنفرانس بر وفق تصمیم کنگره ششم حزب مسک شرکت فعال داشت .

تمام فوالب لهستان در صحنه بین المللی بر پایه این اطمنان راسخ استوار است که چگونه محتوی اجتماعی در این راه را که ما در آن بسر میبریم مبارزه طبقاتی جهانی و داخلی در راه

ساختمان جامعه نوین سوسیالیستی یعنی جامعه مبتنی بر عدالت اجتماعی، آزادی خلیق‌ها، امنیت عمومی، صلح، دوستی و همکاری — مشخص میسازد. ما باید طوری عمل کنیم که این مبارزه در بهترین شرایط گسترش یابد. مللی که به ساخطان سوسیالیسم مشغولند در این زمینه مسئولیت خاص بعهده دارند. سیاست آنها بخش مهمی از مبارزه جهانی سوسیالیسم علیه امپریالیسم است. مهمی که ما در پیروزی صلح و سوسیالیسم ادامیکیم پیش از هر چیز عبارتست از تحکیم همجانبه قدرت اقتصادی و سیاسی جامعه کشورهای سوسیالیستی و نیز قدرت دفاعی آن در چارچوب پیمان ورشو. وحدت عمل احزاب کمونیست عامل تعیین کننده نیروی تاثیر آنها در هر کشور و در سراسر جهان و شرط لازم پیروزی نهائی سوسیالیسم بر سرمایه داری است.

حزب کارگر متحد لهستان بدون تزلزل از برنامه مشترک مصوبه کنفرانس جهانی سال ۱۹۶۹ احزاب کمونیست و کارگری در مسکو پیروی میکند. ما میخواهیم به تحکیم وحدت جنبش جهانی کمونیستی و کارگری که در سراسر تاریخ جامعه بشری نخستین جنبش سیاسی وسیعی است کسه تا ملل را در بر میگیرد، بنحوی هر چه کاترک کنیم، توسعه دامنه تماس های حزب کارگر متحد لهستان با احزاب برادر، در ایدارهای متقابل هیئت های نمایندگی و شرکت در کنگره های احزاب و اقدامات مشترک جنبش جهانی کمونیستی به تحقق این هدف به توسعه قابل ملاحظه همکاری های دو جانبه کمک میکند.

حزب ما برآنستکه ما برای پیروزی در مبارزه با سرمایه داری در کلیه شئون ایدئولوژیک، سیاسی و اجتماعی — اقتصادی تمام شرایط لازم را فراهم داریم. نظام سوسیالیسم اگر چه هنوز جوان و در حال رشد است ولی بیگانه نظامی است که حل بهترین مسائل دوران کنونی را میسر میسازد. عدالت اجتماعی و پیشرفت همجانبه را برای ملل همراه با صلح جهانی تا همیشه میگذرد، هدف های عالی در برابر انسان قرار میدهد و برای زندگی خلاق کلیه امکانات را فراهم میآورد.

جنبش جهانی کمونیستی با وظایف عظیم دوران ساز و روبروست. حزب کارگر متحد لهستان به پیروی از قرارهای کنگره ششم خود تمام مساعی لازم را بکار میبرد تا سهم آن در رهکار جهانی در راه پیروزی سوسیالیسم و صلح هر چه بیشتر و با بهترین سنتهای مردم لهستان و جنبش انقلابی آنها هدف ها و منویات طبقه کارگر لهستان و تمام زحمتکشان کشورها مطابقت داشته باشد.



# افزار عهده ساختمان سوسیالیسم در چکسلواکی

لیو میرا شتر و گال

عضو هیئت رئیسه کمیته مرکزی حزب  
کمونیست و نخست وزیر جمجمه‌وری  
سوسیالیستی چکوسلواکی

ما به دوران ساختمان سوسیالیسم رشد یافته گام نهاده ایم . انجام وظائف این دوران مستلزم تکمیل مکانیسم رهبری جامعه ، تکمیل فعالیت دستگاه دولتی ، تقویت دموکراسی سوسیالیستی و اثر بخشش بیش از پیش آنست .

مسائل دولت ، دموکراسی و مجموعه سازمان سیاسی جامعه در زمره آن مسائل کلیدی هستند که حزب کمونیست چکوسلواکی توجه دائمی آنها معطوف میدارد . سطح کنونی رشد اقتصادی و آگاهی سوسیالیستی مردم و افزایش اهمیت جوانب بین المللی بهسرفتن نظام نوین - تقویت نقش دولت سوسیالیستی را ایجاد میکند . یکی از علل توجه ما بین امر مبارزه ایدئولوژیک حاد بر سر چگونگی نقش دولت است .

ما در فعالیت خود برای بهبود سیستم رهبری امور دولتی و افزایش اثر بخش آن به بنیاد استوار مند ولوژیک یعنی به ارزشه مارکس ، انگلس و لینن متکی هستیم و همانگونه که در استناد کنگره چهارم هم حزب کمونیست چکوسلواکی خاطر نشان شده است میکوشیم " از تمام تجارب مثبت دوران گذشته که صحت آن به ثبوت رسیده است و نیز از تجارب فنی کشورهای برادر و پیوسته اتحاد شوروی استفاده کنیم " . ضمناً هر اندازه که تجربه بین المللی مورد استفاده ما فنی تر و معتبر تر باشد بهمان اندازه ما کمتر حرق داریم در حل این مسائل مرتکب اشتباه گردیم و بهمان اندازه مسئولیت بیشتری در زمینه حکیم و توسعه مواضع تصرف شده بعهده خواهیم داشت .

## ۱

پس از آزادی کشور ما بدست ارتش شوروی که در ماه مه ۱۹۴۵ انجام گرفت و پس از سه روزی انقلاب ملی و دموکراتیک در چکوسلواکی دولت دموکراسی توده ای پدید آمد . این دولت از نظر محتوی طبقاتی خود منظر برد یککاتوری انقلابی دموکراتیک خلق و مرحله گذار به دیکتاتوری پرولتاریا بود . در فوریه سال ۱۹۴۸ قدرت سیاسی تمام و کمال بدست طبقه کارگر افتاد و بدین سان در محتوی و ماهیت قدرت حاکمه تغییر کیفی روی داد و به بیان دیگر دولت دموکراسی توده ای بتدریج به انجام وظائف دیکتاتوری پرولتاریا پرداخت . مهمترین این وظائف دفاع

از دستاوردهای انقلابی در قبال دشمنان داخلی و خارجی بود که بتعداد زیاد در برابر نظام نوین قرار داشتند ، زیرا پرورشی چکوسلواکی پس از برکناری از حکومت نیز از نفوذ فوق العاده برخوردار بود و با امپریالیسم جهانی پیوند های محکم داشت .

هم روند با گسترش دامنه دگرگونی های سوسیالیستی اهمیت فعالیت اقتصادی و سازمان گری افزایش می یافت و نقش اقتصادی دولت در زمینه برنامه ریزی اقتصادی ملی و اداره امور آن و نیز کنترل میزان کار و مصرف بالا میرفت . وظیفه فرهنگی و تربیتی نیز روز بروز اهمیت بیشتری کسب میکرد . فعالیت برای برانداختن تدریجی با زمانده ها و ادوار پیشین از لوح ضمیر و روان افراد و تربیت آنان با روح برخوردار آگاهانه به کار و وفاداری به امر سوسیالیسم و همبستگی انترناسیونالیستی بسا مبارزه آزاد بیخشن زحمتکشان سراسر جهان به بخش ناگسستن فعالیت ارگان های دولتی بدل شد .

خصیلت نویسن قدرت حاکمه که کیفیت آن در قیاس با دوران سرمایه داری از بیخ و بن متفاوت بود و نیز وظائف و دامنه روز افزون تاثیر آن در جامعه موجب پیدایش یکسلسله ارگان ها و موسسات نوین مجزیه کار و سیاسی و حرفه ای کارآموزده گردید . هزاران کارگر و هفتان آگاه و روشنفکر مترقی به خدمت در دستگاه دولتی فراخوانده شدند . بدینسان دستگاه دولتی خصیلت عمیقاً توده ای کسب کرد .

حزب کمونیست چکوسلواکی این حکم را کسب میسختی - لنینیشی را که دولت سوسیالیستی در سراسر دوران گذار سرمایه داری به سوسیالیسم جز در یکتا توری پرولتاریا نمیتواند چیز دیگری باشد بطور خلاق بکار بست . طبقه کارگری دوران بیست و پنجساله نوسازی انقلابی جامعه چکوسلواکی تحت رهبری حزب کمونیست " بنحوصت ثابت کرد که سوسیالیسم در قیاس با هر نظام اجتماعی دیگر به مراتب عدالت پرورتر ، دموکراتیک تر و مترقی تر است و زندگی سعادت مندانه تر و رفاهتری را برای انسان زحمتکش تامین میکند . " ( از اسناد کنگره چهارم هم حزب کمونیست چکوسلواکی ) .

ولی در سالهای پنجاه اندک اندک در حل مسائل مهم ساختمان سوسیالیسم نقائص پدید آمد . ذهنیگری در تحلیل درجه رشد مناسبات اجتماعی نیز نتایج منفی به بار آورد و تضاد میان سطح واقعی رشد دولت سوسیالیستی و دریافت چگونگی وظائف آن شدت یافت . دعوی میشد که گویا در کشور ما تمام مسائل اساسی گذار سرمایه داری به سوسیالیسم حل شده و مابینجهت دیکتاتوری پرولتاریا ضرورت خود را از دست داده است .

این ارزیابی ها نتیجه برخورد سطحی و ساده شده به مسئله تعیین چگونگی مراحل ساختمان سوسیالیسم و ملامت های رشد آن بود . ساختمان جامعه سوسیالیستی بشیوه عامیانه فقط تغییر شکل مالکیت و برافتادن پایه اقتصادی تضاد طبقاتی تلقی میگردد و چون این وظائف انجام یافته بود از آن چنین نتیجه گیری میشد که چکوسلواکی در آستان سالهای ۶۰ به مرحله جامعه سوسیالیستی رشد یافته رسیده و شرایط لازم برای دولت همگانی خلق در آن فراهم آمده است . مبالغه در ارزیابی چگونگی سطح رشد جامعه سوسیالیستی در چکوسلواکی ( چه در مورد زهرنا وجه در مورد رومنا ) به پیدایش و رواج نظریات و جریان های رویزونیستی کمک کرد و از این آن در سالهای ۱۹۶۸ - ۱۹۶۹ امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی بمنظور متزلزل ساختن ارگان سوسیالیسم در کشور ما و سرانجام برانداختن آن این جریان ها را مورد استفاده قرار دادند . این تلاش ها جزء مهمی از نقشه کودتای ضد انقلابی بود که در پرتو مبارزه قاطع نیروهای سالم مارکسیستی - لنینیشی درون حزب و مردم علیه ارتجاع و پررتونیسم و کمک انترناسیونالیستی کشورهای سوسیالیستی برادر به شکست انجامید . حزب کمونیست چکوسلواکی از عناصر



اپورتونیست راست و روبرویونیست تصفیه شد . رهبری جدید آن برپاست رفیق هوساک نیروها را برای برانداختن عواقب دوران بحران بسیج کرد .  
 نخستین وظیفه ای که بانجام آن همگماشته شد تقویت اعتبار دولت و تثبیت نقش آن بعنوان ارگان قدرت طبقاتی بود . نقش رهبری حزب در تمام حلقات دستگاه دولتی کاملاً احیاء و این دستگاه بطور پیگیرانه صرمد سوسیالیستی تصفیه گردید . رهبران واحد امور جامعه برپایه مرکزیت و موکراتیک و برنامه ریزی دولتی بتدریج تحکیم پذیرفت .

بخش ناگسختنی تمام این جریان عبارت بود از مراعات قوانین - هم از نقطه نظر تضمین حقوق افراد و هم از نقطه نظر دفاع از منافع تمام جامعه و اصول سوسیالیستی رشد آن . این جریان که با تشکیل کنگره چهارم هم حزب کمونیست چکوسلواکی بنیایان رسید موجباً تحکیم وضع و اعتبار بین المللی چکوسلواکی را فراهم ساخت . یکی از اقدامات مهم در این زمینه عقد قرارداد جدید دولتی و کمک متقابل و همکاری با اتحاد شوروی است که همین مآرا درقبال هرخطری ازخارج تمام وکمال مصون میدارد و ضامن حاکمیت و رشد آن در راه سوسیالیسم است .

اکنون که پایه های نظام نوین تحکیم پذیرفته است ما توجه خود را به انجام وظائف ساختار سوسیالیسم رشد یافته معطوف میداریم و در این زمینه باید نیروهای مولده را به سطح عالیتری با کیفیت جدید ارتقا دهیم تا بتوانیم از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی بطور وسیع استفاده کنیم . تکمیل اجتماعی کردن کار و تکامل مناسباً تولیدی سوسیالیستی که طبقه کارگر و هقانان عضو کوپرانو و سایر قشرها و گروههای مردم ما را بیکدیگر نزدیک میسازد اهمیت فراوان کسب میکند . مرحله کنونی رشد کشور ارتقا بیشتر سطح زندگی و فرهنگ مردم و آموزش عمومی و حرفه ای زحمتکشان و رسوخ جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم را در میان آنان به ضرورت مبرم بدل ساخته است .

در مرحله کنونی ساختار سوسیالیسم وابستگی مسائل داخلی و جهانی بیکدیگر کاملاً روشن است و عوامل برونئی نقش روزافزون کسب میکنند . مثلاً تشدید گرایش بین المللی شدن نیروهای مولده موجب میگردد که ارگان های حزبی و دولتی چکوسلواکی مسئله تقویت هم پیوندی اقتصادی سوسیالیستی را مورد توجه قرار دهند . در نتیجه هم پیوندی اقتصادی دامنه وظائف داخلی و خارجی دولت وسعت بیشتری بخود میگیرد . برنامه جامعی که بصورت نخستین سند همکاری دراز مدت چند جانبه کشورهای برادر تنظیم گردیده اصل مرکزیت سوسیالیستی را بمنوا پایه معنوی - سیاسی و حقوقی مناسبات میان دول کشورهای برادر تثبیت میکند .

وقتی ما از تقویت هم پیوندی سخن میگوئیم منظورمان این نیست که میتوان فقط به تقویت بین المللی کردن نیروهای مولده بسنده کرد ، زیرا نیروها مولده در نتیجه همکاری کشورهای سوسیالیستی در عرصه های دیگر نیز ناگزیر بین المللی میشوند . هم آهنگی سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی و دفاع مشترک از دستاوردهای انقلابی و مبارزه علیه دشمنان تجاوزکارانه امپریالیسم وایدنولوژی آنتی کمونیستی آن در فعالیت بین المللی کشورهای سوسیالیستی جای مهمی را حراز میکند .

دولت سوسیالیستی در حل تمام این مسائل متنوع و بفرنج همچنان نقش مهمی ایفا میکند . حزب کمونیست چکوسلواکی برای تکمیل کار دستگاه اداری نیز اهمیت فراوان قائل است . همانگونه که در قطعنامه کنگره چهارم هم حزب کمونیست چکوسلواکی خاطر نشان شده است در کارهای این دستگاه " باید شیوهها و سبک کارلنینی بطور پیگیرانه مراعات شود و سطح معلومات سیاسی و حرفه ای کارکنان آن بالا رود و پروراکراسیم و لاتییدی به نیازمند یهای افراد ریشه کن گردد " . ما تمام مساعی

خود را بکار صبریم تا کارا را رگانهای مرکزی دستگاه دولتی بیشتر از پیش بر پایه بیشتر واحد استوار گردد و از دستاوردهای علم و تجربه انترناسیونالیستی کاتر استفاده شود .  
 طبیعتی است که حزب کمونیست چکوسلواکی دستگاه دولتی را یک چیز متحجر و تغییرناپذیر تلقی نمیکند . ما ماهیت تغییرات حاصله در سازمان سیاسی جمهوری را که همروند با پیشرفت کشور صورت میگیرد بدقت مورد تحلیل قرار میدهم و باین نکته توجه داریم که در کشور ما برای ایجاد دولت همگانی خلق بتدریج شرایط لازم فراهم میآید . البته این مطلب مربوط به آینده است و در حال حاضر دولت چکوسلواکی همچنان خصلت دیکتاتوری پرولتاریا دارد .

## I

در دوران ساختمان سوسیالیسم رشد یافته دموکراسی سوسیالیستی که در قیاس با جوامع طبقاتی مرحله عالیتری از دموکراسی است تقویت میشود . این دموکراسی مقدمات لازم را برای کلیه حقوق و آزادیهای مصرحه در قانون اساسی و نیز برای انجام وظائف افراد کشور فراهم آورد و به تحقق کامل حاکمیت خلق زحمتکش کمک میکند .  
 دموکراسی . بمشابه رونمای سیاسی جامعه بهزیربنای اقتصادی بستگی دارد و بازتاب سیاست و موازین حقوقی آنست . دموکراسی در محیطی که مناسبات تولیدی سوسیالیستی حکمفرماست حکم قانونمندی سازمان جامعه نوین را دارد و این یکی از تمایزات بنیادی نظام سوسیالیستی با نظام بورژوازی است که در آن از دموکراسی فقط بمشابه یکی از اشکال رونمای مکی از مهضرتین شیوه های تامین منافع طبقه حاکمه استفاده میشود . مالکیت اجتماعی بروساکن تولید و قدرت سیاسی طبقه کارگر متحد تمام زحمتکشان شرکت فعال و خلاق و سیمتترین قشرهای زحمتکشان را در ساختمان سوسیالیسم میسر میسازد . چنین شرکتی گسترش دموکراسی و همزمان با آن انضباط عالی و آگاهانه زحمتکشان را به ضرورت عینی بدل میکند . کنگره چهارم هم حزب کمونیست چکوسلواکی باین مسائل توجه فراوان معطوف داشت .

سمت گیرناصولی و روشن حزب کمونیست چکوسلواکی در جهت تقویت دموکراسی سوسیالیستی البته جنبه ذهنی ندارد . حزب میکوشد در جهت کامل زیربنای مادی و فنی و رشد وحدت ایدئولوژیک - سیاسی مردم و غیره را در نظر گیرد . هر مرحله جدید ساختمان سوسیالیسم وظائف و معضلات خود را پیش میآورد و در هر یک از این مراحل کمونیست ها باید تکمیل اشکال سیاسی سازمان جامعه را بر بنیاد تحلیل علمی انجام دهند و در بهبود هر چه بیشتر ارگان های قضائی دولت در مجموع و عناصر جداگانه آن و تطبیق چگونگی مناسبات اجتماعی سوسیالیستی با سطح موجود رشد جامعه بکوشند . در جریان تقویت دموکراسی جایی برای " رفم های " تصادفی و عجولانهی محل پیشرفت مستمر جامعه نوین نمیتواند وجود داشته باشد . در مورد " مدل های " نافی اصول مارکسیستی - لنینیستی دستگاه دولت سوسیالیستی نیز وضع بر همین منوال است .

هدف عمده رشد جامعه سوسیالیستی ارضای نیازمندیها و منافع همه جانبه انسان است . فقط دموکراسی سوسیالیستی است که انسان دوستی واقعی را تامین میکند و محیطی پدید میآورد که دیگر اشکال سیاسی رهبرک جامعه با منافع آزاد انسانها تعارضی نخواهد داشت .  
 شرکت وسیع زحمتکشان در اداره امور جامعه و در حل مسائل ساختمان سوسیالیسم با نقش پیشناز طبقه کارگر و حزب کمونیست آن در میآمیزد زیرا طبقه کارگر یگانه طبقه ایست که قصد ندارد به حکومت خودالی الا بد ادامه دهد . در آمیزی این دواصل اساسی ضامن ادامه پیشروی جامعهما در راه سوسیالیسم است .

در جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی شرکت افراد در اداره امور جامعه از طریق ارگان های انتخابی و ارگان های دولتی و سازمان های توده ای و احزاب سیاسی متحد در جنبه ملی تحقق میپذیرد . استفاده از اشکال اثر بخش این در موکراسی و گمترش آن وظیفه مستمر تمام سیستم سیاسی ما و خود زحمتکشانست .

انتخابات ارگانهای نمایندگان بران تکمیل دستگاه در موکراسی سوسیالیستی و گمترش پیش از پیش آن نقش مهم دارد و بخش ناگسسته حاکمیت خلق را تشکیل میدهد . مفهوم ، محتسوی و هدف این انتخابات اتحاد صفوف زحمتکشان و انتخاب بهترین نمایندگان آنانست . انتخابات در محیط سوسیالیسم نقش پیوند دهند و در بدین معنی که منافع محلی و گروهی را بطور هم آهنگ با منافع سراسر جامعه در میان میزد . سیستم انتخاباتی در موکراتیک مانیز با این اصول مطابقت دارد زیرا شرکت وسیع زحمتکشان را در تصمیم نامزد های جنبه ملی و معرفی آنها برای انتخاب در ارگانهای نمایندگان میسر میسازد . حق افراد در ارزیابی نامزدها و انتخابی عدم انتخاب آنها از طریق رای گیری مستقیم و سپس حق مطالبه گزارش چگونگی کار و فعالیت از نمایندگان تمام ارگان های انتخابی از جمله حقوق مسلم و کاملاً تضمین شده است . رای دهندگان از حق دیگری نیز برخوردارند که بهمن اندازه اهمیت دارد و آن حق برکناری نماینده ای است که وظائف خود را برفوق منافع جامعه انجام نداده باشد .

در سال ۱۹۶۸ نیروهای راست ضد سوسیالیستی در جریان جنبش با اصطلاح "رستاخیز" کوشیدند تا این اصول را نقض کنند و سیستم انتخاباتی را طوری تغییر دهند که منظور اساسی آنها یعنی تضعیف و سپس برانداختن نقش رهبری طبقه کارگر و پیشاهنگ آن حزب کمونیست چکوسلواکی را تامین کند . "سیاستمداران" و "ثوریتمین ها" ی راست از "کمال" در موکراسی بپرزوایی در میزدند و میکوشیدند چنان سیستمی برای انتخابات پدید آورند که با سازمان پلورالیستی جامعه بپرزوایی مطابقت داشته باشد . ضمناً آنها بعلل معلوم این واقیعت را مسکوت می گذاشتند که "کمال" در موکراسی بپرزوایی چیزی نیست جز کمال بی اعتنائی بمنافع واقیعی زحمتکشان و رجحان قائل شدن برای منافع طبقه حاکم . آنها این حقیقت را نیز مسکوت میگذاشتند که پلورالیسم سیاسی در کشورهای سرمایه داری نتیجه طبیعی قشر بندی حقیقی درونی بپرزوایی حاکم و ناتوانی آن برای برقراری وحدت در میان آحاد طبقه است . کسانی که میخواهند سیستم "پلورالیسم سیاسی" را در کشور ما معمول دارند نخست کوشیدند تا در کنار حزب کمونیست حزب "کارگری" دیگری نظیر حزب سوسیال در موکرات پدید آورند . ایجاد چنین حزبی در حکم تفرقه مصنوعی در میان طبقه کارگر بود و که با خلعت عینی این طبقه اجتماعی متشکل و مجهزه ایدئولوژی واحد علمی انقلاب مارکسیسم - لنینیسم تعارض داشت .

نتایج انتخابات ارگانهای نمایندگان در سال ۱۹۷۱ پاسخ صریحی بود که به نقشه های ضد کمونیستی داده شد . پیروزی مسلم سیاست حزب و جنبه ملی در انتخابات موافقت مردم را با مشور رهبری جدید حزب کمونیست چکوسلواکی نشان داد . این سیاست بیانگر وحدت منافع بنیادی طبقاتی و ملی انترناسیونالیستی کارگران و تمام زحمتکشان بود . این پیروزی عامل مهمی بود که نتایج وحدت را در حزب و جامعه منعکس ساخت .

پلنوم فوریه ۱۹۷۳ کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی ضمن ارزیابی وضع و نقش ارگان های انتخاباتی بار دیگر خاطرنشان ساخت که "حزب پیگیرانه میکوشد تا تمام ارگانهای قدرت حاکمه و دستگاه اداری آنها در خدمت طبقه کارگر و تمام زحمتکشان باشند . حزب بطور مستمر میکوشد تا ترکیب طبقاتی این ارگانها و سطح معلومات حرفه ای ، ایدئولوژیک و سیاسی دستگاه

در ارجح لازم و پاسداری وظایف و هدف دولت سوسیالیستی باشد .  
 این اصل تمام وکفالت در عمل اجرا میشود . در مجلس فدراتی که ارگان عالی قدرت حاکمه است ۱۴۱ کرسی از ۳۵۰ کرسی به کارگزاران و دهقانان عضو کجوریا توتعلق دارد و سایر قشرها اهالی و از جمله روشنفکران نیز به تناسب وضع خود در آن نمایندگی دارند . حق مطبوعات قسوام جداگانه نیز بطور مابعد و شاید محفوظ است بدین معنی که در کنار نمایندگان ملت چک ۲۳ نماینده از ملت اسلواکی ۲۴ نماینده از طبیعت های مجار ، اوکرائینی ، لهستانی و آلمانی انتخاب شده اند . در ارگانهای عالی حکومت جمهوریهای ما نیز وضع بر همین ضوال است : از ۲۰۰ نماینده شورای ملی چک ۹۴ نماینده کارگرو دهقان عضو کجوریا توتوها ، ۵۸ نماینده از روشنفکران و ۴۸ نماینده از قشرهای اجتماعی دیگر هستند . در شورای ملی اسلواکی از ۱۵۰ نماینده ۶۶ تن کارگرو دهقان کجوریا توتوی و ۸۴ تن از نمایندگان سایر قشرهای جامعه هستند .

ترکیب ارگانهای نمایندگی بازتابی است از وضع احزاب سیاسی در جامعه . این احزاب عبارتند از : حزب کمونیست چکوسلواکی که سازمان سیاسی رهبری کننده جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی است ، حزب سوسیالیست چکوسلواکی ، حزب خلق چکوسلواکی ، حزب رستاخیز اسلواکی و حزب آزادی اسلواکی . علاوه بر این در مجلس فدرال ۶۱ نماینده غیر حزبی و در شورای ملی هرد و جمهوری ۲۸ نماینده غیر حزبی انتخاب شده اند .

کمیته های ملی که ارگان های حاکمه شهرستان ها و استان ها هستند در گسترش و موکراسی سوسیالیستی نقش مهمی ایفا میکنند . در این کمیته ها جمعا بیش از ۲۰۴ هزار نماینده شرکت دارند که ۴۲ درصد آنها غیر حزبی هستند . ترکیب اجتماعی کمیته های ملی با قانون اساسی کفدر آن گنتمشود " تمام قدرتها که جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی ناشی از خلق زحمتکش است " مطابقت کامل دارد . از کل تعداد نمایندگان ۴۱ درصد کارگر ، ۱۹٫۴ درصد عضو شرکت های تعاونی کشاورزی و زارعین کوچک ، ۲۳٫۹ درصد نمایندگان روشنفکران و بیش از ۱۵ درصد نماینده گروههای دیگر اهالی هستند .

سن قریب یک سوم نمایندگان کمتر از ۳۵ سال است . زنان در کار کمیته های ملی شرکت وسیع دارند و تقریبا ۳۴ درصد کل نمایندگان را تشکیل میدهند . زهر پنج نفر آنها یک تن عضو شورای کمیته ملی است و جمعا ۱۳۴۲ زن ریاست کمیته های ملی را برعهده دارند و یاد پیر این کمیته ها هستند .

ایروا قمیت موبد خصلت و موکراتیک ارگان های مهم دولت سوسیالیستی است . ملی دامنه شرکت اهالی در فعالیت ارگان های موزور بس و وسیعتر از اینست . در جنب کمیته های ملی ۳۵ هزار کمیسون دائراست که قریب ۲۴۰ هزار عضو دارند . علاوه بر این ۹۵۴۶ کمیته کشوری با قسریب ۱۰۰ هزار عضو با آنها کمک میکند که بنوبه خود به دهها هزار کمیسون خانه ها متکی هستند . کمیته های ملی در کار خود از برنامه های انتخاباتی جبهه ملی که بر پایه قرارهای کنگره چهاردهم حزب تنظیم شده اند ، پیروی میکنند . وظایف بطوروجه در این برنامه ها فعالیت عمرائی مناطق مختلف کشور را در بر میگیرند و به رفع نیازمندیهای اساسی و تامین ضایع اهالی شهر ها و روستا ها کمک میکنند . در تنظیم این برنامه ها گروههای بزرگی از زحمتکشان و سازمانهای جبهه ملی و ارگان های دولتی و اقتصادی شرکت داشتند . مثلا در جلسات و مجامعی که پیش از انتخابات تشکیل شد اهالی علاوه بر اظهار نظر در بار ضامزد های خود نظر خود را در باره برنامه ها و انتخاباتی نیز بیان داشتند و با این عمل محتوی فعالیت ارگان های انتخاباتی جدید را معین کردند ، زیرا برنامه های انتخاباتی محور برنامه های این ارگانها را برای تمام دوران پنج

ساله فعالیت‌آنان تشکیل داد . کمیته های ملی در هر سطح موظفند محافظ اجتماعی را بطور منظم از چگونگی اجرای برنامه های مصوبه آگاسازند . بدینسان اهالی امکان دارند حق خود را در زمینه کنترل امور محلی سازند . اجرای برنامه های انتخاباتی از طریق فعالیت روزمره مجدانه سازمانهای حزبی و سازمانهای جبهه ملی و کمیته های ملی نتایج مطلوب بهار می آورد .

فعالیت کمیته های ملی دائره وسیعی از مسائل را در بر میگیرد . این کمیته ها در منطقه عمل خود امور دولتی را رهبری میکنند و وظائف مربوط به آموزش و پرورش ، فرهنگ ، بهداشت ، تامین اجتماعی ، خدمات ، حمل و نقل ، ساختمان ، بازرگانی ، حفاظت محیط زیست و غیره را انجام میدهند . سازمانهای تحت رهبری آنها نیز از مندیهای گوناگون اهالی را برایگان یا در برابر پرداخت وجه برطرف میسازند . فعالیت عالی کمیته های ملی که قریب نیمی از کل وجوه بودجه های جمهوریهای کشور را در بر میگیرد نمایشگر اهمیت اقتصادی فعالیت آنهاست . کمیته های ملی یکسلسله از اموارگان ها و سازمانهای دیگر را نیز در منطقه عمل خود کنترل میکنند و عملاً هیچ عرصه ای از حیطه فعالیت مجدانه آنها خارج نمیباشد .

اهمیت روزافزون ارتقاء سطح مصرف عمومی و آموزش و پرورش انسان جامعه سوسیالیستی بهبود مستمر کیفیت تمام کار ارگان های محلی و یکایک اعضای جامعه و تحکیم موقعیت کمیته های ملی را که حلقه مهمی از دستگاره رهبرانه مور کشور را تشکیل میدهد ایجاد میکند .

مساعی مستمر حزب و تمام جامعه در راه ارتقاء سطح کار و فعالیت ارگان های نمایندگی هم وظائف ناشی از فعالیت آنها را در بر میگیرد و هم مسائل سازمانی و مطلوب ها و اشکال کارونیز تامین کار و ایجاد بنیاد مادی لازم برای فعالیت آنها را .

### ۲

ایجاد سازمان فدراتیو جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی بر پایه اتحاد خلق های چک و اسلواکی گام مهمی بود که در روانکامل نظام دولتی جمهوری برداشته شد . نقش رهبری طبقه کارگر در انقلاب ملی و دموکراتیک و پیروزی قطعی آن در فروردیه ۱۹۴۸ راه را برای خلق دموکراسی — لنینیستی مسئله ملی در چکوسلواکی هموار ساخت . حزب کمونیست در جریان ساختمان سوسیالیسم برای تسریع رشد اقتصادی و فرهنگی اسلواکی و برانداختن عقب ماندگی آن که از دوران سرمایه داری بارش رسیده بود مساعی فراوان بکار برد . ۲۵ سال ساختمان سوسیالیسم نتایج درخشان به بار آورده است . طی سالهای ۱۹۴۸ — ۱۹۷۲ تولید صنعتی جمهوری ۱۴ برابر شد و ضمن سهم ماشین سازی در آن در قیاس با ۱۲ درصد سال ۱۹۴۸ اکنون ۲۶ درصد است . حاصل فلات و برابر شده است . تعداد دانش آموزان دبیرستانها بیش از چهار برابر تعداد دانشجویان تقریباً ۵ برابر شده است . اسلواکی در فاصله زمانی کوتاه بین کشور صنعتی با کشاورزی پیشرفته و سطح عالی آموزش و فرهنگ بدل گردیده است .

کار تنظیم حقوقی — دولتی مناسبات ملی در بر زمان از سطح رشد اقتصادی و اجتماعی در چکوسلواکی عقبمانده بود . میبایست نقائص این بخش از حل مسئله ملی از طریق برانداختن مظاهر دهنگیری برطرف گردد . بنا به تکرار حزب کمونیست چکوسلواکی سازمان دولتی جمهوری ما از سازمان واحد به سازمان فدراتیو و خلق اسلاو ؛ خلق چک و خلق اسلواکی بدل گردید . ایجاد سازمان دولتی فدراتیو بر وفق اصول لنینی و از روی نمونه فدراسیون شوروی انجام گرفت و این سازمان همانگونه که تجربه تاریخی چندین ساله نشان میدهد شکل حقوقی — دولتی اثر بخش تنظیم مناسبات ملی کشور کثیرالملله بر پایه اصول دموکراتیک پیگیر است .

سازمان فدراتیو جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی از روز اول ژانویه سال ۱۹۶۹ وارد عمل شد . فدراسیون چکوسلواکی اتحاد دواطلبانه د و جمهوری ملی یعنی جمهوری سوسیالیستی چک و جمهوری سوسیالیستی اسلواکی است . این فدراسیون حق تعیین سرنوشت را برای هر دو ملت و حق موجودیت د ولتی مستقل آنها را برپایه مراعات کامل اصل همبستگی طبقاتی انترناسیونالیستی تأمین میکند . این امر برای ملت اسلواکی که از عقب ماندگی اقتصادی و نا برابری حقوقی در دوران تسلط بورژوازی پرچکوسلواکی زیان فراوان دیده بود اهمیت خاص داشت .

برابری حقوق خلقهای چک و اسلواکی اکنون ، هم از طریق برابری واقعی جمهوریهای ملی در چا رچوب فدراسیون و هم از طریق شرکت یکسان هر دو ملت در ارگان های د ولتی مشترک و در طرح و تصویب تصمیمات تأمین میگردد . وجود د و مجلس در پارلمان فدراسیون یعنی مجلس خلق و مجلس ملیت ها و نیز تضمین های مصرحه در قانون اساسی باین امر کمک میکند . تضمین های سیاسی برای تأمین برابری حقوقی بر وفق اصول لنینی بوسیله تضمین های اقتصادی که فقط در محیط سوسیالیسم امکان پذیر است تقویت میشود . برای حصول این مقصود ارگان های فدراتیو موظفند در زمینه برانداختن تمایزات اجتماعی - اقتصادی د و جمهوری و بویژه تأمین شرایط و امکانات یکسان برای ایجاد و استفاده از درآمد ملی مساعی لازم بکوبند .

سازمان فدراتیو جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی با اصول اساسی سوسیالیسم یعنی حاکمیت سیاسی طبقه کارگر متحد با تمام زحمتکشان ، نقش رهبری حزب کمونیست چکوسلواکی در سیستم سیاسی سوسیالیستی که هم در چا رچوب فدراسیون و هم در اجزا " متشکله آن یکپارچه است ، با اقتصاد سوسیالیستی مبتنی بر برنامه و مالکیت اجتماعی - پیوند ناگسستنی دارد . خصوصیات مهم فدراسیون چکوسلواکی که از ویژگی اتحاد د ولتی د ولت ناشی میشود به پیچوجه در ماهیت سوسیالیستی آن تغییری نمیدهد . فدراسیون چکوسلواکی از همان نوع فدراسیون شوروی است .

طبیعت سوسیالیستی فدراسیون چکوسلواکی ، همانگونه که تجربه بیش از چهار ساله آن نشان میدهد عامل مهم اتحاد د ولت ما است . ولی چون سازمان فدراتیو د و رانی پایه گذاری شده که ماعواقب ناشی از وضع بحرانی سالهای ۱۹۶۸ - ۱۹۶۹ را بر طرف میساختیم و در نخستین سالهای پهنای بحران میبایست این سازمان را بر وفق وظائف ناشی از تحکیم سیاسی و اقتصادی کشور تکمیل کنیم - وظائفی که در درجه اول بانجام آنها پرداخته شهبارت بود از تقویت نقش د ولت سوسیالیستی و تحکیم اعتبار و قدرت عمل ارگان های آن .

حزب کمونیست چکوسلواکی پس از تحلیل تجربه عملی سازمان فدراتیو برای تکمیل و افزایش اثر بخشی فعالیت ارگان های کشور و جمهوری های متشکله آن تدابیری اتخاذ کرد که هدف آنها بویژه در زمینه های برنامه ریزی و بودجه بندی دقیق اختیارات ارگان های فدراسیون و جمهوری ها تقویت نقش رهبری ارگان های فدراتیو راداره امور اقتصاد ملی و منظور کلی در رشته های اساسی تولید بود . این اقدامات با اصل لنینی مرکزیت د و کراتیک مطابقت داشت و در انجام آنها تجربه موفقیت آمیز فدراسیون شوروی در نظر گرفته میشود .

در حال حاضر ارگان های د ولتی و در درجه اول د ولت فدراتیو بطور پیگیر به انجام وظایف خود در زمینه برقراری پیوند و هماهنگی در کارها مشغولند . هماهنگی فعالیت کلیه ارگان های د ولتی که تحت رهبری عمومی حزب کمونیست چکوسلواکی عمل میکنند از طریق تقسیم صحیح کار و وظائف میان فدراسیون و جمهوری ها تأمین میگردد . در کار عملی ارگان های فدراسیون و جمهوری های ملی روز بروز پیوند و هماهنگی بیشتری برقرار میشود .

نتایج مثبتی که طی سالهای اخیر در تمام شئون حیات جامعه ما بدست آمده است ضرورت  
نقش پیوند دهنده فد راسیون را بویژه در عرصه اقتصاد ملی به ثبوت میرساند و گواه آن استفاده اثر  
بخش از کلیه امکانات برنامه ریزی اقتصاد در رهبریک از جمهوری ها و در سراسر فد راسیون است .  
حزب کمونیست چکوسلواکی فد راسیون سوسیالیستی را وسیله موثری برای تقویت رشته های  
پیوند میان جمهوری های ملی و هماهنگی منافع خلقهای ما و نزدیک کردن آنها بیکدیگر در جریان  
ساختن جامعه سوسیالیستی رشد یافته میدانند . تجربه حاصله گواه بر آنستکه در پرتو  
سیستم دولتی - حقوقی فد راتو جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی میتوان در عین تامین منافع  
اساسی مشترک - منافع ملی را نیز به بهترین نحو با موضوعگیری انترناسیونالیستی مشترک هماهنگ  
ساخت .

تجربه ما موید اهمیت ها و وجهان شمول اصول مارکسیستی - لنینیستی حل مسئله ملی و اهمیت  
جهانی آن اصول بنیادی فد راسیون سوسیالیستی است که در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی  
تحقق پذیرفته است . این تجربه نشان میدهد که حل پیگیری این مسئله عامل صهی است برای  
پیشرفت روزافزون جامعه .

دولت سوسیالیستی در سنگا بفرنچ و هم پیچیده ایست از ارگان ها و موسسات پیوسته  
بیکدیگر . بهمین جهت برای پژوهش فعالیت این دولت باید مجموعه حلقه های سیستم دولتی و  
حقوقی آنها یکجا در نظر گرفت . ما به پیروی از احکام کنگره چهارم هم حزب کمونیست چکوسلواکی  
در تکمیل تدوین و اصلاح اساس و اصول سازمان دولت سوسیالیستی و تقویت خصلت دموکراتیک آن همگام  
بانیل به نتایج حاصله در زمینه ساختن سوسیالیسم میکوشیم . دولت سوسیالیستی در سنگا هم  
است بسیار پویا که حتی تغییرات جزئی در ساختمان نهاد های جداگانه آن نیز در درون این  
نهاد ها محدود نمینماید بلکه در سایر نهاد ها و در ساختمان آنها تاثیر میبخشد . ضرورت برخورد  
جامع به مسائل مربوط به تکمیل سازمان دولت سوسیالیستی ايجاب میکند که هنگام اتخاذ تصمیم  
برای تکمیل آن کلیه عوامل و مطالب و نیازمندی های تغییراتی که باید انجام گیرد در نظر گرفته شود . در  
این زمینه علم مارکسیستی - لنینیستی " دولت و حقوق " عرصه به نواوری برای کار خلاق در برابر  
خود دارد که میتواند نتایج بسیار صهی برای جامعه به آراورد . آینده نگری ارگان های حزبی  
و دولتی و البته موسسات علمی در این عرصه حیات اجتماعی بهمان اندازه اهمیت دارد که در عرصه  
اقتصاد ملی . مسائل رشد دولت ما باید پیوسته در مرکز توجه قرار داشته باشد تا این دولت بتواند  
به نایب زندی های ساختمان جامعه سوسیالیستی مطابق با توقعات زمان پاسخ گوید و برای انجام  
وظائف مرحله بعدی از هر جهت آماده باشد .

نقش رهبری حزب کمونیست کشور سوسیالیستی کھیگا ناخبروی جامعه است که میتواند برای  
رشد جامعه و دولت سوسیالیستی برنامه صحیحی بر بنیاد اصول سوسیالیسم علمی تنظیم کند  
و زحمتکشان را برای تحقق آن مشکل سازد - عامل قاطع تامین پیشرفت دولت سوسیالیستی  
است .

## پژوهش جمعی اثر نامی لنین « دولت و انقلاب »

در این کتاب احکام بنیادی کمونیسم علمی در باره دولت و بیژروائی و دولت سوسیالیستی مورد تحلیل جامع قرار گرفته و بشیوه ای هلاقی گسترش یافته و تکمیل شده است. این اثر در دوران ماکه مبارزه طبقاتی پیرامون مسائل دولت بعلمت نقش روزافزون آن در مسیر تکامل جامعه باشدتی پیش از پیش را من گرفته است اهمیت عظیم دارد.

گروهی از نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری در یک سمینار کار خود را به بررسی اهمیت کنونی این اثر کلاسیک لنین اختصاص دادند. اعضا گروه عبارتند از:

بانچرو عضو مشاور کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی، ورمیباک عضو کمیسیون مرکزی تفتیش حزب کارگر متحد لهستان، کریموف عضو وابسته آکادمی علوم اتحاد شوروی و رئیس شعبه نظری دولت و حقوق در آکادمی علوم اجتماعی وابسته به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، کوکس نماینده حزب کمونیست بریتانیا، کبیرد مجله، ناگ نماینده حزب سوسیالیست کارگری مجارستان در مجله، هارمل عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست افریقای جنوبی.

هیئت تحریریه مجله با درج فشرده ای از بررسی های گروه پژوهشی کار تشریح و تحلیل محتوی آثار و اندیشه های بنیادی لنین را ادامه میدهد.

## مسئله اساسی انقلاب

لنین کتاب « دولت و انقلاب » را بیش از پنجاه سال پیش در آستان انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر پرشت متحرک بر آورد. از آن زمان تا کنون سیمای جهان از میخ وین دگرگون شده است. این اتحاد شوروی کشورهای سوسیالیستی دیگری پدید آمدند. از میان ویرانه های صیستم استعماری امپریالیسم کشورهای نواستقلال بها خاستند. مبارزه زحمتکشان در راه دموکراسی پیشرفته و تحقق دگرگونی های اجتماعی در جهان سرمایه داری گسترش میزند.

در این اوضاع و احوال جدید آموزش لنین و متد و لویزی او مانند گذشته هم کلیدی است برای دریافت صحیح ماهیت و نقش دولت و هم وسیله نیرومندیمت برای جبهه زماختن طبقه کارگر



استراتژی و تاکتیک انقلابی در مبارزه برای استقرار و گسترش دموکراسی اصل .

### دولت بورژوازی و طبقه کارگر

سرمایه داری بطور اعم و امپریالیسم بطور اخص دموکراسی را به پنداری واهی بدل میسازد - ولی در عین حال سرمایه داری در میان توده ها تمایلات دموکراتیک پدید میآورد ، بنیادهای دموکراتیک ایجاد میکند و تضاد آشتی ناپذیر میان امپریالیسم را که نافی دموکراسی است و توده ها را مردم راکه شائق دموکراسی هستند حد تمیذ دهد .

#### لنین

تجربه تاریخی صحت احکام لنین را در باره تحول تدریجی ( اولوسپون ) دولت بورژوازی به ثبوت رسانده است . پایه اجتماعی این دولت محدود میشود ، موسسات و بنیادها ( انستیتوها ) سیاسی بورژوازی در جهت ضد دموکراتیک استحاله میپذیرد و سیستم قانونیت بورژوازی از هم فرومیپاشد . در کشورهای سرمایه داری پیشرفته ساختار ( استروکتور ) انحصاری دولتی پدید آمده است .

کامیاب های کشورهای سوسیالیستی ، مبارزات انقلابی زحمتکشان کشورهای سرمایه داری ، جنبش آزاد بیختر طی و مبارزه در راه صلح بورژوازی انحصارگر را امیدوارتاد دولت خود را با اوضاع احوال جدید ساز کند . این دم سازی از در راه صورت میگیرد : ۱ - تا آنجا که ممکن باشد از راه تشدید تعدی و اجحاف و دیگر گرایشهای ارتجاعی در داخل و تجاوز و زیاده طلبی در خارج ، ۲ - از راه مانورهای داخلی و عقب نشینی های اجتماعی و سیاسی و غیره در برابر زحمتکشان و مانور در عرصه بین المللی که یکی از آنها شناسایی بیشتر از پیش اصول همزیستی و مسالمت آمیز است .

کسریم اوف - امروز باری دیگر صحت این حکم لنین بر ما ثابت میشود که معرف سیاسی واقعی دولت بورژوازی نمای ظاهری دموکراتیک آن نیست بلکه دستگاه بوروکراتیک آنست که تمام رشته های رهبری امور دولت را در خود متمرکز دارد . کاهش اعتبار و نقش موسسات انتخابی ، افزایش نفوذ کارگزاران سیاسی و کارشناسان تکنوکرات در دستگاه دولت و تعرض به آزادیهای دموکراتیک - از جمله مظاهر بحران دموکراسی بورژوازی هستند .

تلاش عمده دولت امپریالیستی متوجه حفظ شیوه کهنه تولید ، تخفیف هواقبح ناشی از عیوب و فاسد ذاتی نظام سرمایه داری و بهره گیری از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی بصورت انحصارات است . انحصارات بکمک دولت برای سرکوب مبارزه زحمتکشان علیه فعال مایشائی الیگارش مالی ، برای تضعیف سیستم جهانی سوسیالیستی و جلوگیری از پیشروی کشورهای آزاد شده از بنسب استعمار در راه سرمایه داری و برای متوقف ساختن جریان سیل آسای جنبش انقلابی جهان تلاش فراوان بکار میبرند . در این زمینه از سیستم تنظیم امورات اقتصاد بکمک دستگاه انحصاری دولتی استفاده وسیع بعمل میآید ، مکانیسم رهبری دولتی گسترش مییابد و نوسازی میشود و برای اعمال تاثیرات تئوریک و تربیتی در توده ها از دستگاه نیرومندی استفاده بعمل میآید .

**کوکس** - دولت بورژوازی اکنون بیشتر از هر زمان به دست‌افزارانحصارات غول‌آسا برای مبارزه علیه طبقه‌کارگر و نیز علیه بورژوازی کوچک و اتحاد وی بورژوازی متوسط بدل گردیده است . دولت انگلستان که دست‌افزار انحصارات است در زمانی بر بسیاری از مناطق جهان مسلط بود و بر یک چهارم جمعیت جهان ستم روا میداشت . با تلاشی سیستم استعمارگرفته مواضع امپریالیسم انگلیس سخت ضعیف شد . خصیصه عمده دولت کنونی انگلستان دفاع از منافع انحصارات است که بسیاری از آنها از حدود کشور فراتر رفته و بانکسرن ها ی بین المللی در آمیخته اند . قدرت واقعی کشور در دست گروه محدودی از سیاستمداران است که با محافل فوقانی انحصارگران پیوند محکم دارند . از دستگاه عریض و طویل دولت برای نوسازی صنایع خصوصی ، تسریع اقدام و تحکیم شرکتها و واگذاری اعتبارات مالی برای تولید سرمایه داری استفاده میشود . مجموعه ایمن اقدامات سودهای کلان برای انحصارات تأمین میکند . بدینسان دولت یکی از عوامل عمده حیات اقتصادی انگلستان است .

دولت کنونی انگلستان با بی پروائی روزافزونی شیوه های خشن بکار میبرد و میکوشد حقوق دموکراتیک مردم را که ره آورد مبارزات دشوار چندین نسل طبقه کارگر است پایمال سازد . خشن ترین اقدام دولت تصویب قانون مربوط به " مناسبات در رشته صنایع " است . این قانون اعمالیات را منع میکند و هدف آن فلج ساختن فعالیت سندیکاها است . ولی انحصارات با گسترش دامنه جنبش اعتصابی روپرو میشود و این جنبش خصلت مبارزه سیاسی علیه دولت محافظه کاران و سرپای دولت سرمایه داری را کسب میکند .

**سراپل** - امروزه برخی از کشورهای سرمایه داری عناصری از دموکراسی بورژوازی و در برخی دیگر رژیم های فاشیستی وجود دارد .

من میخواهم درباره جمهوری آفریقای جنوبی که یکی از آفریده های کره امپریالیسم است سخن گویم . دولت این جمهوری دست‌افزار الیگارشی مالی و دارای خصلت امپریالیستی است . این دولت در همین حال نژاد پرست است و مهور نشان نوع خاصی از استعمار را بر ناصیه خود دارد یک اقلیت سفید پوست بر آن حاکم است که فقط قریب یک پنجم از اهالی کشور را تشکیل میدهد و از کلیه حقوق اجتماعی برخوردار است . ولی حقوق سکنه اصلی آن بسیار محدود است و در معرض انواع تعدیات و اجحافات قرار دارد . هر سال قریب یک میلیون نفر در زندانها بسر میبرند . نیمی از کل احکام اعدام در سراسر جهان در جمهوری آفریقای جنوبی که ۲۲ میلیون جمعیت دارد ، بموقع اجرا گذارده میشود . این دولت سیاست امپریالیستی و توسعه طلبانه بکار میبرد ، کشور ناصهار تحت اشغال خود دارد و از استعمارگران پرتغالی رژیم نژاد پرست زیمبابوآ پشتیبانی میکند .

چنین کشوری فقط بر پایه سیاست استعماری امپریالیسم میتواندست پدید آید . میدانیم که استعمارگران ضمن استقرار تسلط خود بر متصرفات خویش سازمان های حکومتی آنها ( سرده داری یا فئودالی ) و قدرت حاکمه اجتماعی آنان را ( که در دوران نظام کمون اولیه پدید آمده بود ) برانداختند و برخی از آنها را به دنباله ماشین استعماری خود بدل ساختند . با احراز استقلال سیاسی در کشورهای آفریقای تشکیل دولت های ملی آغاز شد . تکوین و تکامل این دولتها جریان بخرنجی دارد . برخی از آنها با درهم شکستن مقاومت ارتجاع داخلی و خارجی راه سوسیالیستی را برگزیدند . ولی بسیاری از آنان در برابر فشار امپریالیسم نتواند تیاروند و راه سرمایه داری در پیش گرفتند . مثلا در کنیا وضع بر این منوال است . در این کشور

نیروهای هوادار ترقی اجتماعی از صحنه سیاسی برکنار شدند و دولت‌نویس‌ها برای ثروت‌اندوزی بورژوازی بوروکراتیک نوپای آن مورد استفاده قرار گرفت .  
 امپریالیسم برای حفظ کشورهای نواستقلال آفریقائی در محیط نفوذ خود کوشید تا اشکال کهنه دموکراسی بورژوازی " فریب " را در آنها بگیرد و برای این منظور کارمندان را که در مکتب اداری استعمار پرورش یافته بودند بکار گرفت . به کشورهای نواستقلالی چون نیجریه که قانون اساسی آن در سال ۱۹۶۳ تصویب رسید ، دموکراسی پارلمانی طبقه الگوی انگلیسی — فرانسیسی و سیستم های حزبی خاصی تحمیل شد که فقط پوششی بر روی همان گروه بندی های طایفه ای و تجزیه طلب هستند . کار این سیستم های تحمیلی معمولاً خیلی زود به استبداد و سوء استفاده از قدرت و فساد خاص پارلمان تاریم بورژوازی کشید می شد . چنین فسادى البته برای دولت ثروتمند امپریالیستی " قابل تحمل " است ولی برای کشورهای در حال رشد تحمل پذیر نیست .

گروه پژوهشی خاطرنشان ساخت که از یکسو امپریالیسم ما شین جنگی بوروکراتیک را تقویت میکند و این امر وظایف مبارزه آزاد بخش را بویژه در کشورهای که رژیم های ارتجاعی و استبداد بر آنها حاکم است دشوار می سازد و از سوی دیگر در حیات اجتماعی یکسلسله از کشورهای سرمایه داری تحولات و تطوراتی صورت میگیرد که برای تبدیل برخی از حلقه های دستگاه دولت بورژوازی به صرف مبارزه طبقاتی پیش از آنکه طبقه کارگر بحکومت برسد ، امکان بوجود میآورد . دولت بورژوازی معاصر در جریان انقلاب علمی و فنی و تحت فشار مبارزه دامن گستر نیروهای دموکراتیک مجبور است در حیات اقتصادی و اجتماعی بطور فعال تر شرکت ورزد و برای برقراری " آراش " در جامعه امپری اتخاذ کند . گسترش دستگاه رهبری اقتصاد جامعه تنها از طریق تکمیل کار کارکنان این دستگاه بکمک افراد متعلق به قشرهای " فوقانی " جامعه انجام میگیرد . نیروهای چپ نیز در فرانسه ، ایتالیا ، ژاپن و برخی کشورهای دیگر مواضع خود را در موضوعات انتخابی و از جمله در ارگان های محلی خود گردانی تحکیم میکنند و در امور شهرداری تاثیر قابل ملاحظه دارند .  
 پیشاهنگ مبارزه در راه دموکراسی در کشورهای سرمایه داری طبقه کارگراست که میکوشند تاثیر خود را در سیاست دولت اعمال کند . این طبقه خواستار دموکراتیزه کردن حیات اجتماعی سیاسی و انجام اصلاحات بنیادی غیره است . اتحاد قشرهای وسیعی که از سمت انحصارات رنج میبرند اکنون بر پایه مبارزه در راه دموکراسی انجام میگیرد . کمونیست ها این مبارزه را بخشی از مبارزه در راه سوسیالیسم میدانند و حتی معتقدند که پرولتاریا در شرایط معین میتواند در پرتو این مبارزه از طریق فیصله حاکمانه زمام حکومت را بدست گیرد . اسناد برنامه ای و فعالیت همگلی احزاب کمونیست در یکسلسله از کشورهای سرمایه داری پیشرفته متوجه این هدف است .

**کوکسی** — استراتژی دراز مدت حزب کمونیست بریتانیای کبیر بر پایه این حکم لنین استوار است که : " گسترش دموکراسی تا مرحله بنیادی آن ، تفحص اشکال لازم برای این گسترش و آزمایش این اشکال در عمل و غیره ، یکی از وظایف اساسی مبارزه در راه انقلاب اجتماعی است " ( ۱ ) . هدف این استراتژی ایجاد جنبش واحد تمام نیروهای چپ است که جنبش کارگری هسته آنرا تشکیل میدهد . این جنبش هم از طریق پارلمان و هم در خارج از آن خواهد کوشید تا حکومت محافظه

کاران را ساقط سازد و دولت لیبرویست جدیدی روی کار آورد که سیاست سوسیالیستی بگیرد جزا کند . ما میکوشیم گروهی از کمونیست ها به نمایندگی پارلمان انتخاب شوند تا در حصول این مقصود با جناح ترقیخواه لیبرویست ها همکاری کنند .

در انگلستان به علت وجود یکسلسله سنن تاریخی و ترکیب خاص جنبش کارگری وحدت عمل نیروها در مبارزه اشکالی بخود میگیرد که با چگونگی آنها در فرانسه و ایتالیا تفاوت دارد . حزب لیبرویست بریتانیای کبیر توسط اتحادیه های کارگری پدید آمد . این اتحادیه ها میتوانند در سیاست رسمی حزب و رهبری لیبرویست تاثیر قاطع اعمال کنند . اکنون حزب کمونیست مواضع خود را در اتحادیه های کارگری توسعه میدهد و این امر نیز بنوبه خود در چگونگی فعالیت حزب لیبرویست تاثیر خواهد داشت . ما میکوشیم سطح آگاهی سیاستدوهارا بالا ببریم و تحقیق در گرونی های مثبت را در درون جنبش کارگری وسند یکاثر تسریع کنیم .

در انگلستان غالباً ( بطور عمده عناصر ما را ) میپرسند که آیا ما میتوانیم بدون مبارزه مسلحانه یا جنگ داخلی به هدف خود دست یابیم ؟ هیچکس نمیتواند از پیش تضمین کند که چنین مبارزه ای صورت نگیرد ولی بنظر ما با توجه به تغییر تناسب نیروهای جهانی و تضعیف مواضع طبقه حاکمه انگلستان اگر در این کشور یک دولت دموکراتیک روی کار آید احتمال اینکه طبقه حاکمه بغیروی مسلح توسل جوید ضعیف خواهد بود و اگر هم توسل جوید ما مطمئن داریم که جنبش کارگری متشکل قادر است هر تلاشی را در این زمینه عقیم گذارد .

پانچرو - صفت مشخصه فراگرد انقلاب شیلی آنستکه این انقلاب در چارچوب قوانین بورژوازی میراث او وارگذاشته آغازگردید موادمه دارد . ما توانستیم جنبه وحدت خلق را بشرکت احزاب کمونیست ، سوسیالیست و رادیکال و جنبش وحدت عمل توده ها و سایر نیروها در جنب تشکیل دهیم . نفوذ و اعتبار طبقه کارگر ، وحدت نیروهای دموکراتیک ، شکست دولت های بورژوازی رفهریست و تشدید تضاد های درونی جامعه شیلی شرایط لازم را برای آنکه مردم در انتخابات ریاست جمهوری سپتامبر سال ۱۹۷۰ حکومت را بدست گیرند فراهم ساخت . جنبه وحدت خلق بدون داشتن قدرت تامه سیاسی تشکیل دولت داد ( در ارگان های مقننه و قضائی کشور هنوز نیروهای ارتجاع بورژوازی نفوذ دارند ) . در نتیجه این امر وضعی پدید آمد که با استناد به گفته انگلس میتوان آنرا چنین توصیف کرد : " . . . طبقه مستمیده نخست برای تصرف بخشی از این قدرت وسیع تمامی آن مبارزه میکند تا با تکیه بر آن بتواند قوانین موجود را برفوق مناسع و نیازمندی های خویش تغییر دهد " ( ۱ ) .

دولت خلق بید رنگ بکار تحقق برنامه دموکراتیک پرداخت . صنایع استخراج مس که در تعلق انحصار اتا پالا متحده امریکا بود ملی شد و بانک ها و مهمترین موسسات صنعتی بتمتک دولت درآمد و اکنون اصلاحات ارضی انجام میگیرد . مجموعه این اقدامات مواضع سرمایه خارجی و داخلی را ضعیف میسازد و برای درگرونی های بنیادی دیگر راه میگشاید . دولت سیاست خارجی مستقل اجرا میکند و به پیروی از این سیاست با کوبا و سایر کشورهای سوسیالیستی مناسبات دافه در برقرار گردیده است .

گروه پژوهشی تصریح کرد که چگونگی طرق و اشکال تصرف قدرت حاکمه توسط طبقه کارگر به شرایط مشخص درون هرکشور به چگونگی تناسب نیروها در فراگرد انقلاب وابسته است . در شرایط

کنونی نیز برای مبارزه انقلابی دررا متصرف قدرت و راه وجود دارد : مسالمت آمیز و مسلحانه . هر دو راه مستلزم وحدت و بقه کارگر و اتحاد تمام نیروهای دموکراتیک است و باره نمودن این دو راه ضرورت استفاده از تمام اشکال مبارزه انقلابی برای استقرار سوسیالیسم مطابقت دارد .

### از دولت بورژوازی به دولت سوسیالیستی

... وقتی دموکراسی درچنین حد اعلای کمال و بایگیری شگرفی که اصولاً ثابت تصور است تحقق میهد برآورد دموکراسی بورژوازی به دموکراسی پرولتری بدل میگردد .

#### لنین

سیرعینی تعویض نظام اجتماعی کهنه بانظام نوین خود بخود انجام نمیگیرد . مارکسیست - لنینیست ها پندار اپورتونیست های کنونی را درباره " استحالته " تدریجی سرمایه داری و تبدیل آن به سوسیالیسم مردود می شمارند . گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم مستلزم مبارزه طبقاتی سرسختی است که در مرحله معینی از گسترش خود به انقلاب سوسیالیستی بدل میگردد . این انقلاب به هر شکلی از اشکالی که انجام گیرد باید مسئله اساسی را باید حل کند و آنهم انتقال قدرت سیاسی از دست بورژوازی بدست بقه کارگراست . در گذرگاه انقلاب دستگاه دولتی کهنه به دستگاه قدرشنوینی بدل میگردد که میتواند وظائف بفرنج نوسازی انقلابی جامعه را بانجمام رساند .

کریم اوف - لنین ضمن تشریح ضرورت درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی و تصریح آن بعنوان " ننگه عمده و اساسی آموزش مارکسیسم درباره دولت " ( ۱ ) خاطر نشان میساخت که درهم شکستن این ماشین قانون عینی پیدا یخرد دولت سوسیالیستی در تمام کشورها بدون هیچ استثنائی است . لنین در عین حال چگونگی راهها و شیوه ها و نیل باین هدف را نیز مورد تحلیل جامع قرار داد و ضمن تاکید ضرورت بی چون و چرای برانداختن ارگان های استعگری مستقیم پسر زحمتکشان و برجیدن بساط احزاب ارتجاعی و حذف جوانب منفی پارلمان تاریمم بورژوازی ( گسست میان قومقننه و قوممجریه ، جدائی نمایندگان پارلمان از رای دهندگان و غیره ) خاطر نشان میساخت که دولت بورژوازی معاصر علاوه بر دستگاهی که بخود عمده خصلت " استعگری " دارد به دستگاه " حساب و ضبط و ثبت " نیز مجهز است ( بانتهای ، پست و موسسات دیگر ) و این دستگاه را باید حفظ کرد ولی باید " هر آنچه را که باین دستگاه عالی شک کریه سرمایه داری میدهد از آن نقطه کرد و آنرا به دستگاهی بزرگتر ، دموکراتیکتر و فراگیرتر از آنچه که اکنون هست بسدل ساخت " ( ۲ ) .

شرکت کنندگان در بحث در این نظرمتمغن بودند که تجربه تاریخی نشان میدهد که برانداختن دستگاه دولتی کهنه و ایجاد دستگاه نوین در فراگرد انقلاب سوسیالیستی باشکال گوناگون و با آنتها متفاوت انجام میگردد . این امر اولاً از چگونگی گسترش انقلاب ( راه مسالمت آمیز یا مسلحانه ) و ثانیاً از ویژگی های ماشین دولتی پیشین ناشی میگردد . در روسیه انقلاب در

( ۱ ) - لنین ، جلد ۳۳ ، ص ۲۸ ، ترجمه فارسی : آثار منتخبه ، جلد ۲ ، قسمت ۲ ، ص ۲۵۳ .

( ۲ ) - لنین ، جلد ۳۴ ، ص ۳۰۷ .

راه غیرمسالمت‌آمیز سیر کرد و در هم شکستن دستگاه دولتی کهنه‌و ایجاد دستگاه نوین بالنسبه سریع انجام گرفت و ضمناً بخش بزرگی از ماشین دولتی پیشین درهم شکسته شد . در کوبا انقلاب از طریق مبارزه مسلحانه صورت گرفت و برانداختن دستگاه دولتی کهنه‌وارتجاعی در زمانی کوتاه و عملاً بطور تمام و کمال بانجام رسید . در کشورهای اروپای مرکزی و جنوب شرقی تمام دستگاه دولت فاشیستی و از آن جمله دستگاه اداری رژیم‌های اشغالی و دست‌نشانده در جریان انقلاب بعد رنگ درهم شکسته شد . در کشورهای که دستگاه دولتی بورژوازی برجای ماند تمویض آن به دستگاه نوین تدریجی و از طریق تجدید سازمان و اصلاحات و با استفاده از اشکال دولتی پیشین که محتوی طبقاتی نوین کسب کرده بودند صورت گرفت . علت این امر گذارتدریجی از مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک به مرحله انقلاب سوسیالیستی و آزمایشی اشکال پارلمانی و غیر پارلمانی در مبارزه انقلابی بود .

هر اندازه که اشکال مبارزه انقلابی حاد تر و ماشین دولتی پیشین ارتجاعی تر باشد جریان تمویض آن به دستگاه دولتی نوین سریع‌تر و گسترده تر میشود . برعکس گسترش انقلاب از راه بالنسبه مسالمت آمیز بالا بودن سطح رشد دموکراسی بورژوازی این امکان را پدید می‌آورد که تمویض دستگاه دولتی بورژوازی با دستگاه دولت سوسیالیستی "آهسته‌تر و نرم‌تر" و با استفاده کم و بیش وسیع از اشکال و موسسات دولتی پیشین انجام گیرد . البته در چنین حالتی نیز باید حلقاتی از دستگاه دولتی که برای سرکوب مستقیم زحمتکشان پدید آمده بود بسرعت درهم شکسته شود .

روسیا - درهم شکستن دستگاه قدرت بورژوازی و با مفهوم وسیع‌تر آن ، جریان انقلابی گذار از سیستم بورژوازی قدرت سیاسی به سیستم پرولتری در لهستان در خطوط اساسی خود ادامه تجربه انقلاب اکبر بود . ولی در همین حال این جریان ویژگی‌ها و عناصر تازه‌ای نیز در برداشت .

در رساله‌های مبارزه ضد فاشیستی وظیفه عمدتاً عبارت بود از تاز و مار ساختن قاصبان هیتلری و نابودی دستگاه اداری رژیم اشغالی . ولی در جنبش آزاد بیخش ملی لهستان در جریان اساسی وجود داشت : جریان پرولتری و جریان بورژوازی ، هر یک از این دو جریان مجموعه‌ای از شیوه‌ها و وسایل را برای مبارزه در راه تصرف قدرت سیاسی بکار می‌برد . در چنین اوضاع و احوالی حزب کارگری لهستان مبارزه در راه آزادی ملی و اجتماعی را به مجرای واحدی سوق میدهد .

ایجاد دستگاه قدرت خلق زمان زیاد یرا در بر گرفت که بانبره‌های طبقاتی علیه بورژوازی علیه بورژوازی ملی و ضد ملی همراه بود . هزاران تن از مبارزان دموکرات یا در نبردهای مستقیم علیه واحد های مسلح ارتجاع و با از طریق ترور و هلاکت رسیدند .

دستگاه قدرت خلقی از نمایندگان طبقه کارگر و سایر قشرهای زحمتکش ترکیب شد . ولی ما با کارشناسانی که از میان قشرهای غیر زحمتکش برخاسته بودند تصادمات جدی پدیدانگردیم بلکه توانستیم از دانش و تجارب آنان بسود دولت زحمتکشان در مقیاس وسیع استفاده کنیم . ما برخی از اشکال پیشین سازمان دولتی را که محتوی طبقاتی نوین کسب کرده بود بکار بستیم . بعضی از این اشکال در مراحل بعدی ساختن جامعه نوین با اشکال دیگری تمویض شد و برخی دیگر ( مثلاً مجلس ملی ) به بنیادهای دموکراسی سوسیالیستی بدل گردید .

یانچرو - انقلاب شهری خصلت دموکراتیک توده‌ای ضد امپریالیستی ، ضد انحصاری و ضد فئودالی دارد و با نخبهت دستگاه دولتی پیشین در بنیاد خود دستنخورده ماند طاقت . در ارگان های حکومتی بطور عمده همان کارمندان پیشین بکار مشغولند . البته کارمندان جدید

منسوب دولت خلق نیز در آنها کار میکنند . ایجاد چنین دولتی بزرگترین دستاورد تاریخی طبقه کارگر و مردم شیلی است . دستگاه اداری کشور تحت رهبری و نظارت دولت خلق است و تعداد روزافزونی از نمایندگان طبقه کارگر و قشرهای دیگر زحمتکشان به کار اداره امور دولت و جامعه جلیب میشوند . اشکال سنتی فعالیت اجتماعی زحمتکشان ( اعتصابات و غیره ) بتدریج جای خود را به اشکال جدیدی میسپارند . از آنجمله است ؛ جنبش کمک به پیشرفت تولید ، مسابقه در عرضه کار ، شرکت در اداره امور موسسات ، مبارزه علیه خرابکاری و فساد با بازی بوروکراتیک و احتکار و فساد ، کنترل قیمت ها و نظارت بر چگونگی توزیع خواربار و سازمان بهداشت و غیره .

در انقلاب شیلی همان نیروهای مسلح پیشین وجود دارند و این نیروها در چارچوب یک ارگان حرفه ای عمل میکنند که در جدال های سیاسی شرکت ندارند و تابع دستگاه حکومت قانونی کشور است . میان نیروهای مسلح و طبقه کارگر پیوند های استوار همکاری و احترام متقابل مبتنی بر درک وظیفه مبین پرستانه شدید شیلی به کشور آزاد ، آباد و دموکراتیک برقرار است .

عناصر ماورا " چپ خواستار " استقرار " استقرار " به رنگ سوسیالیسم در شیلی هستند . ما بر آنیم که در اوضاع و احوال کشور ما طبقه کارگر فقط بتدریج میتواند قدرت تام و تمام بدست آورد . ما هر چند باتسلط تدریجی بر دستگاه دولتی این دستگاه را در گرو خواهم ساخت و برای گسترش بعدی انقلاب آماده خواهیم کرد .

کوکسی - در برنامه حزب کمونیست بریتانیا میگوید که تحت عنوان " راه بریتانیا بسوی سوسیالیسم " تنظیم شده است خاطر نشان میگردد که در جریان مبارزه در راه تصرف قدرت سیاسی باید پارلمان را در گرو ساخت و آنرا به افراد اراده مردم بدل کرد . یکی از نخستین گامهای کوه پارلمان جدید باید بردارد عبارتست از تمویض عناصر ارتجاعی در دستگاه پلیس و نیروهای مسلح و تقویت روابط پارلمان با سندیکا ها و سایر جنبش های دموکراتیک و ... ای . برنامه خواستار انحلال مجلر لرد ها ، برانداختن سلطنت ، دموکراتیزه کردن ارگان های خودگردانی محلی ، واگذاری خود مختاری به اسکاتلند و آستان و ولز و تامین حق تعیین آرا دانه سر نوشت برای ایرلند شمالی است .

در مورد دستگاه دولتی باید خاطر نشان ساخت که گسترش آن در انگلستان تا حدود زیادی از طریق گسترش موسسات تنظیم امور اقتصادی انجام میگردد . بخش از کارکنان این موسسات در زمینه حقوق ماهانه و شرایط کار با دولت تصادم پیدا میکنند . اعتصاب آخرین هفته فوریه سال ۱۹۷۳ قریب ۳۰۰ هزار تن از کارمندان دولتی را که در گذشته هیچگاه در اعتصابات شرکت نمیکردند ، در بر گرفت ؛ این یک پدیده تازه و بسیار جالب است که در عرصه مبارزه طبقاتی بروز کرده است . من میخواهم در اهمیت این پدیده مبالغه کنم ولی باید خاطر نشان سازم که بعنّت شیوه های خشنی که رهبری دستگاه دولتی به کار میبرد ناراضی در میان کارمندان دولتی تشدید میگردد . البته خصلت این دستگاه ناشی از خصلت کارمندان غالبی است که با طبقه حاکمه پیوند های محکم دارند ، ضمناً در این زمینه نیز جریان قشر بندی اجتماعی این کارمندان را نباید از نظر دور داشت .

هاول - چگونگی مبارزه آزاد پیختر در کشورهای افریقا نشان میدهد که پیروزی قطعی انقلاب آزاد پیختر علی در این کشورها فقط از طریق درهم شکستن کامل ماشین استعماری کهنه و نیز دستگاه گوش فرمان استعمار نو که خود را به جامه دولت " ملی " آراسته است میسر خواهد بود . در برنامه حزب کمونیست افریقای جنوبی که برای مرحله انقلاب دموکراتیک ملی تنظیم گردیده ،

گفته شده است : " حزب اعلام میدارد که خلق انقلابی افریقای جنوبی نمیتواند تنها به تصحیرف  
موسسات دولتی موجود که برای حفظ استعمار ایجاد گردیده است بسنده کند . باید این موسسات  
را درهم کوبید و موسسات نوین توده ای جایگزین آنها ساخت . این حکم اصولی از تحلیل واقعیت  
عینی و وظایف مبارزه در راه رهائی خلق افریقای جنوبی از بند رژیم نژاد پرست  
ناشی میگردد .

ایجاد دولت دموکراتیک ملی که جایگزین دستگاه تسلط استعماری گردیده عامل مهم  
پیشرفت رژیم های ترقی خواهی است که در برخی از کشورهای افریقا پدید آمده اند . مثلا در تانزانیا  
سیاست ضد سرمایه داری تقوی یافت و دولت ملی آن اکنون تکیه گاه جنبش آزاد پیختر است .  
طبعی است که اثر بخشی این دولت به تقویت روابط آن با مردم بستگی دارد . سرنگونی دولت  
کوا مانکرومه در غنا ( سال ۱۹۶۶ ) نشان داد که تقویت این روابط شرط قاطع ترقی کشور است .

گروه پژوهشی خاطر نشان ساخت که درهم شکستن ماشین دولتی کهنه بورژوازی به روشکل  
وشیوهوا زهرراه و با هر آهنگی انجام گیرد ، تعویص آن با دستگاه دولتی سوسیالیستی شرط ضروری  
استفرا حکومت اصل خلق خواهد بود . در شرایط مشخص مبارزه آزاد پیختر ممکنست اشکال  
گونگونگی از دستگاه دولتی خاص دوران گذار به سوسیالیسم پدید آید . تعویص دستگاه دولتی  
پیشین به دستگاه نوین مستلزم سازندگی و خلاقیت انقلابی و همراه با آن استفاده از تمام اشکال  
متمت ایجاد شده در مراحل پیشین و گسترش دامنه دستاوردهای دموکراتیک است .

#### دموکراسی طراز نوین

در دوران سوسیالیسم . . . برای نخستین بار در تاریخ  
جوامع تمدن قاطبه اهالی به مدارجی ارتقا خواهند یافت  
که نه تنها در رای گیری ها و انتخابات بلکه در اداره امور  
روزمه نیز شرکت مستقل خواهند ورزید .

#### لنهن

با پیروزی انقلاب سوسیالیستی سازمان سیاسی طراز عالی و نوین جامعه پدید میگردد .  
بنیاد این سازمان را دولت سوسیالیستی که سلاح عمده ساختمان سوسیالیسم و سپس کمونیسم  
است تشکیل میدهد . این دولت بیانگر منافع مشترک قشرهای زحمتکش تحت رهبری طبقه کارگر  
و سازمان همگانی زحمتکشان است . دولت نقش مالک وسائل اساسی تولید را ایفا میکند و تازمانی  
که کمونیسم کامل مستقر گردد دستگاه اداری رشد یافته و اثر بخش و ناظم مناسبات اجتماعی و پروسه  
های اجتماعی است . دولت که قدرتها کفرا در دست دارد بوسائل اجبار به موسسات تحریاست  
و حفاظت کشور مجهز است .

کیریم اوف - دولت سوسیالیستی در دوران گذار سرمایه داری به سوسیالیسم ناگزیر  
خصلت دیکتاتوری پرولتاریا را دارد . اپورتونیست ها و ریبزیونیست های معاصر با اختراع طرق نوین  
نیل به سوسیالیسم میکوشند این حکم اصولی مارکسیسم - لننیسم را تحریف کنند . مثلا مارتینه  
" رفورمیست انقلابی " در لغافه الفاظ " چپ " در برابرتر مارکسیستی - لننیستی تصرف قدرت  
سیاسی بدست طبقه کارگر تر " تصرف اختیارات تامه " را عرضه میدارد . اپورتونیست ها و



روپوزیونیست ها با اعلام شعار " سوسیالیسم دموکراتیک " میکوشند نضتتها آموزش مارکسیسم - لنینیسم را تحریف کنند، بلکه سوسیالیسم واقعا موجود را نیز سیاه جلوه دهند .  
شگرد دلیذ پر مخالفان سوسیالیسم آستیکه دیکتاتوری پرولتاریا دموکراسی را در نقطه مقابل هم قرار دهند . ولی ماهیت دیکتاتوری پرولتری بهیچوجه منحصر به اعمال قهرنیست ، بلکه بیاور عمدت شکلیک وانضباط طبقه کارگر ، روشنگری وتربییت توده عظیم زحمتکشان وجلب آنان به فعالیت سازنده ومجددانه برای ساختمان جامعه نوین است . دولت شوروی از نخستین سال های موجودیت خود نقش نیروی عظیم خلاق وسازمانگرا در ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم ایفا میکند .

لنین خاطرنشان میساخت که بدون اتحاد طبقه کارگر باد هقانان وتعام قشرهای دیگر زحمتکشا انجام وظایف پرولتاریای پیروزمند محال است . این وظایف ذاتا خصلت عمیق دموکراتیک دارد . طبقه کارگر که در موارد ضروری به شیوه های اعمال قهر علیه بورژوازی ودستیاران آن توسل میجوید نمیتواند در مورد هقانان زحمتکش و سوسیالیسم متحدین خویش نیز همین شیوه هارا بکار برد . طبقه کارگر رهبری دولتی بر زحمتکشان را در جریان ساختمان سوسیالیسم بعهده دارد و آنها راه شرکت فعال در اداره امور جامعه جلب میکند . در پرتو همین ماهیت دموکراتیک دولت شوروی بود که وظایف دیکتاتوری پرولتاریا با احراز موفقیت بانجام رسید . مسأله ای که باین امر کمک کرد اتحاد تمام ملل ومملکتها د کشور ما در زیر درفق انترناسیونالیسم پرولتری واتحاد دولتی سیاسی طراز نوین ملل آزاد ومتساوی الحقوق یعنی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود .

گروه پژوهشی در این نظر متفق بود که حکومت طبقه کارگر در اتحاد با سایر قشرهای زحمتکشان اهرم نیرومندی است برای نوسازی سوسیالیستی جامعه . شرکت دانهومجددانه زحمتکشان در اداره اموریکون سازمان دموکراتیک دولت طراز نوین غیر ممکن است . در این زمین نیز احکام مارکس ، انگلس ولنین که بر پایه تجارب وسازندگی انقلابی تودهها استوار است اهمیت پایدار دارد . از سوی دیگر دستگاه دولتی فقط در پرتو شرکت توده ها وسیع تحت رهبری حزب مارکسیست - لنینیست میتواند از قانونمندیهای عینی وترتیبهای نظام نوین بحد کمال وبطوری همه جانبه برای ترقی جامعه استفاده کند .

نکات - مسئله جانفقر دولت سوسیالیستی در سیستم سیاسی سوسیالیسم نکته مرکزی تحریر یافتی است که آنتی کمونیستها واپورتونیست ها نراست و " چپ " در باره چگونگی رشد کنونی کشورهای برادر بعمل میآورند . اکنون شیوه رایج تئوریسین های روپوزیونیست وبورژوا اینستکه : " انتقاد " از سوسیالیسم واقعا موجود را که نخستین فاز صورت بندی کمونیستی است بر پایه ملاک های سازنده وم یعنی فزالیتر این صورتندی انجام میدهند . گروه " مانیفستو " ورژه گارودی و فیشر وسایرین چنین شیوه ای را بکار میبرند .

گارودی در کتاب اخیر خود تحت عنوان " آلترناتیف " - به ستایش پر آجتواب " انقلاب فرهنگی " چین میپردازد ودعوی میکند که گویا این " انقلاب " دستگاه حزبی ودولتی جمهوری توده ای چین را از تحجر بوروکراتیک مصون داشته است . در همین حال اوتحاد شوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی را بیاد اتهام میگیرد ومدعی میشود که گویا در این کشورها مدل تکنو - بوروکراتیک پدید آمده واین مدل بر پایه دوالیسم رهبران ورهروان استوار است . گارودی ضمن تحریف اندیشه های مارکس ، انگلس ولنین در باره فازهای دگانه کمونیسم شعارسوسیالیسم " خودگردان " بی نیاز از دستگاه دولتی را اعلام میدارد .

در این مورد بحاست یاد آوریم که لنین در کتاب " دولت و انقلاب " مینویسد: " از نظر سیاسی میان فازیستین یا زیرین کمونیسم و فازیالی آن بهروز زمان محتلا تفاوت عظیمی پدید خواهد آمد . . . ( ۱ ) . لنین سازمان دولتی زحمتکشان را پایگاه سیاسی لازمی برای نوینسازی سوسیالیستی جامعه و انتقال کامل آن به فازیالی صورتبندی کمونیستی میدانست . تجربه عملی کشورهای سوسیالیستی صحت این نظر لنین را تمام و کمال تأیید میکند . در یکسلسله از کشورهای سرمایه داری بعلمت وجود بنیاد مادی و فنی رشد یافته ، برای ساختمان اقتصادی جامعه شرایط مساعدتری موجود است ولی از این امر نباید چنین نتیجه گرفت که در این کشورها گذار مستقیم به کمونیسم امکان پذیر است زیرا برای چنین گذاری شرایط اجتماعی واید ثولوژیک و بسیاری از شرایط دیگر فراهم نیست . فقط حکومت زحمتکشان به رهبری طبقه کارگر میتواند چنین شرایطی را فراهم آورد .

گرمی اوف - در جریان تکامل جامعه نوین دولت سوسیالیستی نیز بتدریج تحول میپذیرد . چگونگی آنرا از روی نمونه دولت شوروی میتوان مشاهده کرد که پیوسته تحکیم می یابد و راه کسالت می پوید و وظائف آن نیز تغییر میکند . پیروزی کامل و قطعی سوسیالیسم در اتحاد شوروی دلالت بر آن داشت که تمام وظائف اساسی دیکتاتوری پرولتاریا بانجام رسیده و دولت شوروی در عین حفظ ماهیت سوسیالیستی خود کیفیت نوین و خصائص ویژه ای های نوین کسب کرده است . این دولت در جریان ساختمان جامعه سوسیالیستی رشد یافته تحول میپذیرد و با حفظ نقش رهبری طبقه کارگر به دولت عموم خلق بدل میگردد . این جریان بر پایه درگونی انقلابی شیوه تولید و تغییر بنیادی ساختار جامعه و سرپای زندگی و روحیه توده های میلیونی زحمتکشان به پیش میبرد دولت سوسیالیستی عموم خلق که ره آورد عینی تکامل دیکتاتوری پرولتاریا است کارایی دیکتاتوری را ادامه میدهد و افزایش میدهد و زحمتکشان برای ساختمان کمونیسم است و با توافق سایر دولت های سوسیالیستی در صحنه جهانی علیه امپریالیسم مبارزه میکنند .

سیاست اجتماعی - اقتصاد دولت شوروی که هدف آن اجرای برنامه مصوبه کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی در زمینه ترفیع بیش از پیش سطح زندگی مردم است ماهیت عموم خلق این دولت را به روشنی نشان میدهد . اجرای این برنامه بنیاد مادی استواری برای گسترش بیش از پیش دموکراسی سوسیالیستی پدید میآورد .

دموکراسی مبتنی بر ارگان های انتخاباتی در پیوند محکم با دموکراسی مستقیم و بلاواسطه گسترش مییابد . مثلا در اتحاد شوروی و در سایر کشورهای سوسیالیستی شرکت زحمتکشان شور همگانی بهرامون مهمترین لوازم قانونی برنامه ها و تصمیمات دولتی دامنه وسیعی بخود گرفته است و در جریان آن اراده عموم خلق تحقق میپذیرد .

ورمیایک - نقش دولت سوسیالیستی را که افزایش میدهد ساختمان جامعه نوین است نباید به مفهوم نقش انحصاری دولت در تمام شؤون حیات اجتماعی تلقی کرد . این قبیل باوه ها را ایدئولوگ های بورژوازمیان میکنند و بر پایه آن کشورهای سوسیالیستی را به " توتالیتراریسم " متهم میازند . ولی در واقعیت امر هر موصفه ای از سیستم سیاسی سوسیالیسم ، اهم از دولتی و اجتماعی و وظائف خاص خود را انجام میدهد و برای نیل به هدف های مشترک زحمتکشان که تحت رهبری طبقه کارگر قرار دارند اسلوب های خاص خود را بکار می بندد .

نقش رهبری را در سیستم سیاسی جامعه نوین و کارها هنگ ساختن فعالیت تمام حلقهات این سیستم را حزب مارکسیست - لنینیست انجام میدهد . انجام پیگیر رسالت تاریخی طبقه کارگر یعنی ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم را حزب تأمین میکند . مارکس وانگلس خاطر نشان میباشند که کمونیستها " در زمینه عمل قاطعترین و پیشروترین بخش احزاب کارگری تمام کشورها هستند و در زمینه تئوری برتری کمونیستها برقیه توده پرولتاریا در آنستکه به چگونگی شرایط و جریان و نتایج کلی جنبش پرولتری پی ببرند " ( ۱ ) .

**کریم اوف** - نقش رهبری حزب کمونیست در کشور سوسیالیستی آماج حملات شدید مخالفان ماست . مفهوم تزهایی مربوط به " دموکراسی پلورالیستی " ، " بازی آزاد نیروهای سیاسی " و " سوسیالیسم دموکراتیک " چیزی نیست جز صیخ ماهیت نظام نوین ، متزلزل ساختن سیستم سیاسی آن و ویژه تخریب نقش رهبری حزب کمونیست . مذاقمان معنوی سرمایه داری میکوشند ثابت کنند که برای " بهبود " سوسیالیسم باید دانه صلاحیت حزب را " محدود ساخت " و فعالیت عملی دولت سوسیالیستی را از اصول ایدئولوژیک آن " معاف کرد " .

ولی تاریخ بطور روشن و تندیب ناپذیر ثابت کرده است که نقش رهبری و سازماندهی حزب مارکسیست - لنینیست شرط اساسی تأمین تاثیر قاطع طبقه کارگر در رشد جامعه نوین است . تجربه نشان میدهد که تضعیف نقش رهبری حزب همجتری ضد سوسیالیستی ازین میآورد و خطر از میان رفتن دستاوردهای انقلابی زحمتکشان را در بر دارد .

**ورویا ک** - در لهستان و کلسله از کشورهای سوسیالیستی دیگر علاوه بر حزب مارکسیست لنینیست احزاب متحدی هم که نمایندگ قشرهای غیر پرولتری اهالی هستند فعالیت میکنند . بدینسان در جامعه سوسیالیستی هم سیستم یک حزبی ممکنستوهم سیستم چند حزبی و هر دو سیستم هم یکسان بهمیشت ساختن سوسیالیسم کمک میکنند .

حزب متحد دهقانان و حزب دموکراتها حزب کارگر متحد لهستان - حزب رهبر کشور - همکاری میکنند . همکاری این سه حزب بر اصول زیرین مبتنی است : قبول برنامه ساختمان سوسیالیسم و تشریک مساعی برای تحقق آن ، قبول هژمونی پرولتاریا و نقش رهبری حزب کارگر متحد لهستان از طرف احزاب متحد ، احترام حزب ما به استقلال احزاب دیگر ، قبول اینکه فقط حزب کارگر متحد لهستان بهاینگر طبقه کارگر است و با تفاق احزاب دیگر بهاینگر سایر طبقات و قشرهای اجتماعی است . محتوی طبقاتی سیستم سوسیالیستی چند حزبی با سیستم بورژوائی آن متفاوتست . در کشور ما اکنون برای رقابت میان احزاب پایه یعنی وجودندارد زیرا فعالیت این احزاب در محیط تضاد های طبقاتی آشتی ناپذیر ( که زمینه اساس آن زمین رفته است ) انجام نمیگیرد بلکه در محیط تحکیم اتحاد طبقه کارگر با سایر قشرهای اهالی صورت میپذیرد . این وضع البته مفاصله پدید نیامد . در نخستین سالهای حکومت خلق در کشور ما نیز احزاب اپوزیسیونی وجود داشتند که علیه ساختمان سوسیالیسم مبارزه میکردند . ولی این احزاب پس از شکست در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۴۷ از صحنه سیاسی برکنار شدند .

در این زمینه توجه به چگونگی مراحل تاریخی تکوین و تکامل سازمان سیاسی جامعه نوین اهمیت دارد . در دوران مبارزه در راه احراز قدرت سیاسی احزاب مترقی ناگزیر بودند مقاومت نیروهای متشکل ارتجاع بورژوائی را درهم شکنند . در دوران سوسیالیسم ویژه پس از انحلال طبقات استثمارگر سازمان سیاسی جامعه به سیستم واحد حکومت سوسیالیستی خلق بدل گردید :

( ۱ ) - مارکس وانگلس ، مجموعه آثار ، جلد ۴ ، ص ۴۲۷ ( ترجمه فارسی " ماهیت " ص ۸۰ ) .

در چارچوب این حکومت سیستم چند حزبی امکان پذیر است ولی بدیهیست که برای اپوزیسیون سیاسی جایی وجود ندارد .

نکات - تکامل سوسیالیسم جهانی صحت تزئینی تنوع اشکال سازمان سیاسی جامعه نوین را به ثبوت رسانید . در روسیه قدرتها که طبقه کارگر بصورت جمهورون شوراها استقرار یافت . در کشورهای که پس از دومین جنگ جهانی را ساختار سوسیالیسم در پیش گرفتند حکومت زحمتکشان تحت رهبری طبقه کارگر بصورت دموکراسی توده ای پدید آمد . بدیهیست که هر کشور دموکراسی توده ای ویژگی های خود را داشت . اشکال دولت های سوسیالیستی که در دوران پس از دومین جنگ جهانی پدید آمده اند اکنون در قالب مفهوم مشترک " دموکراسی توده ای " نمیگنجد ولی باید در نظر داشته باشیم که در مرحله تاریخی معین وقتی ماهیت دموکراسی توده ای بمتابسه شکل از دیکتاتوری پرولتاریا آشکار شد ، این امر دارای اهمیت اصولی بود ، زیرا زمانی گفته میشد که گویا دموکراسی توده ای راهی است بسوی سوسیالیسم ولی بدون دیکتاتوری پرولتاریا و یا اینکه گویا دموکراسی توده ای شکلی از دیکتاتوری پرولتاریا هست ولی در قیاس با شکل آن در اتحاد شوروی ناقص تر است . احزاب برادری این نتیجه رسیدند که در مرحله تاریخی نوین گذار به سوسیالیسم دموکراسی توده ای در کنار سازمان شوراها متناسب ترین شکل دیکتاتوری پرولتاریا است و صحت آن تمام و کمال به ثبوت رسیده است .

اعضای گروه پژوهش تصریح کردند که اشکال مشخص سازمان سیاسی سوسیالیسم که در اوضاع و احوال تاریخی معین مظهری از حکومت زحمتکشان تحت رهبری طبقه کارگر است برپایه خلافت انقلابی توده های مردم تحت رهبری احزاب کمونیست و کارگری پدید میآید . این اشکال بلا تغییر نمیآید . در جریان ساختار سوسیالیسم هم شکل شوروی وهم انواع اشکال دموکراسی توده ای با توجه به شرایط اجتماعی و نیازمندی های جدید پیوسته راه کمال پیموده اند . بسیاری از موسسات اجتماعی - سیاسی در گروگون شده و موسسات جدیدی جای آنها را گرفته اند و اصول دموکراسی سوسیالیستی بهتر از پیش تکامل پذیرفته است . البته این امر معنای بکنواخت شدن سیستم های سیاسی در کشورهای مختلف نیست . برعکس در جریان گسترش ساختار سوسیالیسم تنوع اشکال و اسالیب تحقق قدرتها که همچنان برجای ماند و برخی موارد این تنوع حتی بیشتر شد . مثلا در کوبا شکل ویژه ای از حکومت پرولتاری برقرار گردید .

در این مورد باید خاطر نشان ساخت که تقسیم بندی اشکال سیاسی جامعه سوسیالیستی به دو نوع شوروی و دموکراسی توده ای محل پیشین خود را از دست میدهد و بطور عمده اهمیت تاریخی خود را حفظ میکند . اکنون ظاهرا صحیحتر آنست که از اشکال مشخص قدرت سیاسی سوسیالیسم که تکامل آنها بر پایه قانونمندی ها و اصول عام انجام میگردد سخن گفته شود ، زیرا هم در زمینه ساختار دولتی کشورهای سوسیالیستی ( از جمله اشکال رهبری امور ، اشکال سازمان دولت ملی ) وهم در زمینه ساختار سیاسی فدرال دولتی ( سیستم چند حزبی و یک حزبی ، جبهه ملی ) تنوع وجود دارد .

در دوران کنونی پدایش اشکال نوین دیگری از قدرت سیاسی طبقه کارگر نیز امکان پذیر هست زیرا پایه اجتماعی - سیاسی اتحاد های ضد امپریالیستی گسترش یافته و در یکسلسله از کشورهای سرمایه داری امکان اتخاذ راه های بالنسبه مسالمت آمیز برای انقلاب پدید آمده و شرایط گسترش انقلاب نیز متنوع تر شده است .

### پیشروی در راه خودگردانی کمونیستی

فقط کمونیسم قادر است دموکراسی را به کما و واقعی  
آن برساند و ضمناً ضمانت اندازه که این دموکراسی کاملتر شود لزوم  
خود را بیشتر از دست خواهد داد و خود بخود ریزوال خواهد  
رفت .

#### لنین

بنیادگذاران کمونیسم علی‌ضمن تشریح و رونمای زوال دولت سوسیالیستی در جامعه  
کمونیستی در باره چگونگی طرق و اشکال مشخص آن مسئله را مفتوح گذاشتند . لنین این تشریح  
مارکسیستی را در آثار خود گسترش داد .

**کریم اوف** - تحلیل طبیعت طبقاتی دولت دیکتاتوری پرولتاریا لنین را باین نتیجه رسانید  
که این دولت دیکتاتوریت " بمفهوم خاص " آن نیست بلکه " نیمچه دولت " و " دولت زوال‌یابنده " است  
( ۱ ) . البته این نتیجه‌گیری را نباید چنین تلقی کرد ( نظریه پرولتاریا نیست های راست ) که  
دولت پرولتری ضعیف است و نقش خود را پیوسته از دست میدهد . در اینجا مسئله از نظر طبقاتی  
و سیاسی آن مطرح است بدین معنی که دولت پرولتری از آن جهت که بیانگر منافع اکثریت قریب بقوام  
اهالی است و با توده‌های مردم پیوند ناگسستنی دارد و دموکراسی را آنقدر گسترش میدهد که  
تمام زحمتکشان را در برمیگیرد - زوال‌یابنده است .

در همین حال لنین خاطر نشان میساخت که مارکسیست ها " قبول دولت را تا زمانیکه تحول  
سوسیالیسم پیروزمند انجام پذیرد و به مرحله کمونیسم کامل برسد " مسلم میدانند ( ۲ ) . لنین  
نسبت به چگونگی شرایط اقتصادی و غیره زوال دولت توجه فراوان معطوف میداشت و طولانی بودن  
جریان زوال را خاطر نشان میساخت . حزب کمونیست اتحاد شوروی با تکیه بر آموزش لنین هم  
شرایط داخلی زوال دولت یعنی ساختمان جامعه کمونیستی و هم شرایط خارجی آن یعنی پیروزی  
سوسیالیسم و تحکیم آن در صحنه جهانی را تصریح کرده است .

**ورمیاک** - بهتر از آنکه برای زوال دولت شرایط لازم فراهم آید دولت تحکیم مییابد ، تقویت  
میبندد و به سازمان روز بروز کاملتری برای اداره امور کشور بدل میگردد . این امر هم کاملاً طبیعی  
است زیرا دولت باید پویائی رشد نیروهای مولده و علم و تکنیک و جریان ایجاد بنیاد مادی و فنی  
کمونیسم را تسریع کند . دولت بهتر از آنکه به مرحله زوال برسد باید نقش سازمان اشراف اقتصاد  
سوسیالیستی و ساختمان اجتماعی - فرهنگی را ایفا کند و شرکت توده‌ها در اداره امور و بطریق  
اولی دفاع از دستاوردهای انقلابی زحمتکشان را تأمین کند .

زوال دولت را نباید بمفهوم تلاشی یا انحلال تدریجی و متشکل دستگاه آن تلقی کرد ( اگر  
چه بسیاری از ارگانها و موسسات بنیادی جامعه سوسیالیستی طبعاً در دوران کمونیسم وجود  
نخواهند داشت ) . زوال دولت در جریان دگرگونی ماهیت اجتماعی و تغییر وظایف آن ، در  
جریان نزدیکی تدریجی اشکال سازمان دولتی سوسیالیسم به اشکال خودگردانی اجتماعی

( ۱ ) - لنین ، جلد ۳۳ ، ص ۱۸ ، ۲۴ ، ۴۲ ، ۶۶ ( ترجمه فارسی : آثار منتخبه ، جلد ۲ ،  
قسمت ۲ ، ص ۲۴۰ ، ۲۴۷ ، ۲۷۱ ، ۳۰۱ ) .

( ۲ ) - جلد ۳۰ ، ص ۲۰ .

صورت خواهد گرفت . اصولا مجزا کردن این اشکال از یکدیگر بطریق اولی قرار دادن آنها در نقطه مقابل هم نادرست است زیرا این اشکال مکمل یکدیگرند و جمع خود سیستم واحد موکراسی سوسیالیستی را تشکیل میدهند .

در لهستان اصل لنینی شرکت توده ها در اداره امور کشور هم از طریق ارگان های انتخابی قدرت حاکمه هم از طریق ارگان های خود مختاری کارگری و دهقانی و سازمان های کثوپراتیورسایر سازمان های اجتماعی تحقق میپذیرد . بدینسان برای تشدید فعالیت اجتماعی زحمتکشان و رساندن سطح آگاهی اجتماعی آنان به سطح درک وسیع اهمیت دولتی عام امور و مسائل امکانات فراوان وجود دارد .

در جریان پژوهش ما این نکته اشاره شد که تجربه جمعی کشورهای برادر نشان میدهد که در دورانی که جامعه سوسیالیستی رشد یافته در دست ساختمان است و یا ساختمان آن بیپایان رسیده است - تاثیر دولت و مجموعه سیستم سیاسی کشور در رهیافتی جامعه نوین نه تنها تضعیف نمیشود بلکه بیشتر از پیش تقویت میگردد . سیر تکامل اجتماعی پیوسته بخرنجی و پیچیدگی بیشتری بخود میگیرد و در چنین اوضاع و احوالی افزایش اثر بخشی و بهبود فعالیت دولت و تأمین سطح عالی رهبری امور اهمیت خارج کسب میکند .

همروند با فراهم آمدن شرایط اقتصادی وغیره ، خودگردانی کومونیستی جامعه بر بنیاد آن موسسات دولتی و اجتماعی که اکنون سیستم موکراسی سوسیالیستی را تشکیل میدهند بتدریج تکوین میپذیرد . زوال دولت نیز در واقع چیز دیگری نیست جز فراروشی دولت و تبدیل آن به خود گردانی کومونیستی . بهمین جهت جریان های واقعی رشد و تکامل دولت سوسیالیستی را نباید با دورنمای زوال آن متفاوت و بطریق اولی متضاد تلقی کرد .

ناگ - جریان تدریجی تحول دولت سوسیالیستی که از درگونی های طبقاتی ناشی میگردد و جانب دارد ؛ یکی بسط دامنه شرکت زحمتکشان در کار دولت و تقویت نظارت توده های مردم بر دستگاه اداره امور کشور و دیگری بهبود فعالیت خود این دستگاه ، هماهنگی بیشتر کار تمام حلقات آن ، تعمیم اسلوب های مترقی و اثربخش کار ، تعلیم کار و غیره . میدانیم که لنین پس از انقلاب اکتبر در آثار خود و از جمله در مقاله مشهور : " بهترین است کمتر ولی بهتر باشد " و " سازمان کارگری و دهقانی را چگونه باید تجدید سازمان دهیم " برات تکمیل دستگاه دولتی چه اهمیتی قائل بود . توجه لنین باین مسائل تنها ناشی از وظائف جاری نبود بلکه نیاز از زمانه است به تکمیل دولت زحمتکشان را نیز در نظر داشت .

گروه پژوهشی خاطر نشان ساخت که تقویت و تکمیل موکراسی سمت عمدتاً تکامل دولت سوسیالیستی و در عین حال شرط ضرورت تکوین خود گردانی کومونیستی جامعه است . بسط دائمی دامنه شرکت زحمتکشان در اداره امور دولت و جامعه باید با تقویت مبنای موکراتیک در سازمان دستگاه دولتی و فعالیت آن همراه باشد . در جریان ساختمان کومونیسم دامنه کار بست اصل انتخابی بودن ، اصل گزارش دهی و تعویض ادواری مسئولین امور گسترش مییابد و بدینسان قشرهای هر چه بیشتری از زحمتکشان مکتب رهبری امورا خواهند گذراند و شرکت در رهبری امور نیز زمانه کار بتدریج به نیاز حیاتی هر فرد بدل خواهد شد .

کریم اوف - حزب کومونیست اتحاد شوروی در مرحله کنونی توجه اساسی خود را با استفاده کامل از موسسات سیاسی و حقوقی سوسیالیسم معطوف میدارد . این موسسات هنوز تا مدت زیادی

برای اداره امور جامعه ضرور خواهند بود . کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی جهسات اساسی رشد عمده‌جانبه دموکراسی سوسیالیستی و تحکیم دولت شوروی را معین کرد و پیوند استوار و گسسته‌ناپذیر آنها را بیا یکدیگر خاطر نشان ساخت . یکی از وظایفی که کنگره مقرر داشت واکتسون با احراز کامیابی انجام میابد افزایش اثر بخشی کارشوراها و ترفیع سطح فرهنگ و تکمیل کار دستگاه ادارات است . سیستم فنی سازمانگری با استفاده از سنجشگرها الکترونیک و نیز دستگاه‌های خودکار و اسلوب‌های علمی کمبرای مدیریت و رهبری امور و برنامه ریزی در نظر گرفته شده است در مقیاسی روزافزون بکار برد می‌شوند .

لنین سیرتد ریجی زوال دولت را خاطر نشان ساخت . تسریع مصنوعی آن خطر مختل ساختن حیات اجتماعی و کند شدن ساختمان کمونیسم را در بر دارد . برای هرگامی که در راه زوال دولت برداشته می‌شود حتماً باید شرایط اقتصادی و اجتماعی لازم فراهم باشد .

پیدا بشود دولت عموم خلق مرحله‌های از جریان دگرگونی دولت سوسیالیستی و تحول آن در جهت خودگردانی کمونیستی جامعه است ؛ این دولت دیگر نقش سرکوب مقاومت طبقه معین را ایفا نمی‌کند بلکه بیانگر منافع تمام طبقات و گروه‌های اجتماعی جامعه شوروی است که طبقه کارگر رهبری آنها را عهده دارد . ولی رشد دولت در جهت تبدیل آن به سازمان خودگردانی کمونیستی هنوز بطور مستقیم و بلاواسطه انجام نمی‌گیرد و این کار مستلزم رسیدن به مرحله عالیتری از تکامل است .

زوال دولت از طریق همگونی اجتماعی جامعه و شرکت روز بروز دامنه دار تر توده‌های زحمتکش در اداره امور کشور و گسترش دموکراسی سوسیالیستی صورت خواهد گرفت .

آموزش لنین در باره دولت از آزمایش زمان پیروز آمده و تا شهر انقلابی عظیمی در جهان معاصر می‌بخشد . گروه پژوهشی مرکب از نمایندگان یکسلسله احزاب کمونیست که در شرایط بسیار مختلف و در مراحل گوناگونی از مبارزه در راه ترقی اجتماعی فعالیت می‌کنند در این ارزیابی متفق القول بودند . حزبیت این آموزش و اصولیت احکام آن با روح نوپایی و برخورد خلاق به مسائل ناشی از زندگی آمیخته است . جامعیت و ژرفندگی تحلیل و برخورد مشخص واری از ذهنیگری در ارزیابی واقعیات با آموزش لنین در باره دولت که احکام اساسی آن امروز نیز در حل مسائل مشخص ناشی از جریان مبارزات زحمتکشان در راه متصرف دستگاه قدرت حاکمه و نیز مسائل ناشی از ساختمان جامعه نوین رهنمون عمل است ، نیروی خاصی بخشیده است .



# تکوین آزادی

## نخستین گامهای جمهوری بنگلادش

آرامووا ( نماینده حزب کمونیست بلغارستان در مجله )

میترا ( نماینده حزب کمونیست هند وستان در مجله )

سوارتیان ( عضو گروه کارکنان مجله )

ملتی در انقلاب — جمهورون خلق بنگلادش که غالباً آنرا جوانترین کشور جهان می نامند با چنین خصیصه ای در خاطره ما نقش بسته است . مردم این جمهوری تاریخ معاصر خود را با نخستین ماههای آزادی می سنجدند ، این ماههای سرشار از رویدادها و اقدامات که از نظر غنای محتوی همچند سالها هستند برای همیشه در خاطره مردم باقی خواهند ماند .

روز ۲۶ مارس سال ۱۹۷۱ رادیوی مخفی میهن پرستان بنگال خاوری تولد کشور نوین بنگلادش را بشارت داد . با آنکه آن هنگام هنوز در اردوستانه نظامیان پاکستانی بر کشور چیر میبودند مردم هدف پیکار خویش را بروشنی تشخیص میدادند . جنبش ملی کهسالیان متعددی باشعارهای دموکراتیک گسترش می یافت اندک اندک فرار و پید و پنهان شد آشکار علیه قدرت نظامی — بوروکراتیک انحصارات و ملاکان پاکستان باختری بدل گردید . جنبش آزاد بیخس ملی بنگال به یاری هند وستان و پشتیبانی اتحاد شوروی و تمام نیروهای ترقیخواه به پیروزی رسید . پمرا از تسلیم فرماندهی پاکستان که در دسامبر سال ۱۹۷۱ صورت گرفت استقلال بنگلادش به واقعیت بدل گردید .

### همیشه با مردم

نام آنان اکنون بران همگان آشناست . ولی در همان سالها ن دیکتاتوری و تعدی و ستمگری نیز کسان بسیاری بودند که آنها را میشناختند ، زیرا حزبی که نمایندگی آنها داشتند هیچگاه مبارزه خود را متوقف نمیساخت . سالیان دراز کار مخفی کمونیست ها را پیرن ساخت . حزب کمونیست بنگلادش کار نوین میرومند کارها و ورزشها و انقلابیون آزموده ای است که فعالیت خود را از همان دوران پیمایان و مین جنگ جهانی آغاز کرده اند . در کنار آنها جوانانی در حزب عضویت دارند که جنبش کمونیستی را قاطع ترین و پیگیرترین نیرو بران مبارزه در راه آزادی ملی و اجتماعی می شمارند . رفیق مونی سینگه — صد و حزب — هفتاد و سی از سنین عمرش میگذرد . او یکی از بنیاد



گزاران حزب است و در این کشور عقب مانده که دیرزمانی در آتش نفاق و ستیز میان مسلمانان و هندیان میسوخت - راه دشواری پشت سر نهاده است . هندی‌ها اصل بودن و در عین حال کمونیست بودن معنایش برانگیختن خشم و نفرت مضاعف محافظان ارتجاعی مسلمانان بود - هم از نظر مذهبی و هم از نظر طبقاتی . مونی سینگ نسبت به مستم و استثمار نفرت طبقاتی داشت . او با حکومت ارتجاعی مبارزه میکرد و در عوض به دفاع از توده‌ها و حمایتش بر میخواست و در این زمینه مسلمانان و هندی‌ها برایش یکسان بود : هر دو جزو خلق او بودند و او تمام نیروی خویش را وقف آزادی انسان ساخته بود .

مونی سینگ در این نخستین ماههای شگرف آزادی جوانی دوم خود را آغاز کرد و اکنون با تمام نیرو در حزب فعالیت میکنند ، در همینک ها شرکت میورزد و غالباً به بداند انشجویان میروند . این بهتر کموت مبارزات جنبش کمونیستی و پیشوای قیام ضد نفوذ الی اواسط سالهای چهل اکنون سازمان دهقانی حزب کمونیست بنگلادش را رهبری میکند . مایاری او و دیگر رهبران حزب و مقدم بر همه رفیق عبد السلام در بهرکل آن موفق شدیم در بنگلادش از خیلی چیزها آگاه شویم ، خیلی چیزها را به چشم بینیم و به عمق مسائل و مشکلات این کشور نوبنیادی بریم . رفیق عبد السلام نمایندده دیگر " گارد کهن " کمونیست هاست . او در رساله‌های فعالیت مخفی با تفاق حزب خود در نبرد های اساسی مردم بنگال علیه حکومت ارتجاعی مالکان و بیوزواری بزرگ شرکت میورزید . خود ش میگوید : " ما از همان هنگام تاسیس پاکستان نهضت را در حقوق ملی خویش بلکه ایضاً در امتیازات حقوق ملی خلقهای دیگر ساکن این کشور مبارزه میکردیم " .

بسیاری از مقامات مسئول سازمانهای توده‌ها از حزب کمونیست در دست جوانانی است که تا دیروز دانشجو بودند و زندگی خود را وقف تحقق آرمان طبقه کارگر کردند . اکنون این جوانان با پروتاریا ارتباط محکم برقرار میکنند . در رساله‌های فعالیت مخفی این ارتباط ضعیف شد بود ، علتی شدن حزب در برابر رهبری آن مسائل تازه بسیاری مطرح ساخت که از آنجمله بود برقراری مناسبات با سایر سازمانهای که با حزب کمونیست هدفهای مشابه داشتند و نیز با سازمانهای توده‌ها ای تحت نفوذ حزب کمونیست بنگلادش .

اکنون رهبران حزب تجارب فعالیت ماههای گذشته خود را تجزیه و تحلیل میکنند . کشور با دشواریهای فراوان روبروست که برای دوران پسا از احراز آزادی جنبه طبیعی دارد . این دشواریها با دشواریهای سایر کشورهای آسیای پسا از وین جنگ جهانی یعنی هنگامیکه وسعت دامنه فقر و ستم مستعمرات سابق ، این میراث شوم تسلط در پیرامون استعمار و اشغال اجانب ، بروشنی آشکار شد - شباهت بسیار دارد . وضع شاقی که کشور در نخستین ماههای استقلال با آن روبرو شد عواقب ناشی از جنگ سال ۱۹۷۱ را که برای بنگلادش خساراتی معادل ۴ - ۵ میلیارد دلار در بر داشت تشدید کرد . آثار فحیح آن بصورت گله‌های کودکان یتیم و بی خانمانی که در خیابان های واکا سرگردانند و آلونک های سرهم بند شده ی آوارگان بازگشته از هند و ستا همه جا بچشم میخورد . سوخت ، برق ، آذوقه و دارو کمیاست . کارخانه‌ها بعلت فقدان مواد خام و لوازم بدکی از کار ایستاده اند . در چنین اوضاع و احوالی برای برانداختن دشواریها و رفع خطراتی که کشور را تهدید میکند چه اقداماتی باید انجام داد ؟ - اینها سئوالاتیست که کمونیست ها باید بدان پاسخ روشن و صحیح بدهند .

رفیق فرهاد عضو هیئت دبیران کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش در مصاحبه با ما گفت : " وظیفه عمده ای که در مرحله کنونی باید انجام گیرد تحکیم و تثبیت استقلال است . ما با تکیه بر آگاهی طبقه کارگر و دهقانان اعلام میداریم : بفرگرف شخصی خویش هاش ، باین بیندیش که

چگونه کار تولید را سامان دهی و بر مشکلات فائق آئی ! " فعالین حزبی برای افزایش تولید محصولات صنعتی و کشاورزی مجاهدت میورزند .

کمونیستهای ضرورت وحدت تمام نیروهای دموکراتیک و توده های خلق را برای تحقق برنامه بهبود زندگی مردم و جبهه واحد پیشروی بسوی سوسیالیسم خاطر نشان میسازند و در راه آن مبارزه میکنند . آنها میکوشند به اتحاد نیروهای میهن پرست که در دوران پیکار آزاد بیخشن پدید آمده است شکل سازمانی بدهند . حزب کمونیست از دولت نعمتوزیر مجیدالرحمان پشتیبانی میکند و در عین حال خواستار اجرای پیگیر برنامه های مصوبه کابینه وزیران است و برای حل مسائل و مشکلات گوناگون کشور ارائه طریق میکند . رفیق روی عضو دیگرهیئت دبیران کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش در مصاحبه با ما گفت : " مثلا وقتی حزب " مجمع خلق " که حزب حاکم کشور است شعار افزایش محصولات کشاورزی را اصلاح میکند کمونیستها میگویند برای این کار باید در درجه اول بر دهقانان زحمتکش تکیه کرد و همین جهت از لحاظ بذروافزار کشاورزی با آنها یاری کرد . "

#### د ه از خواست میخیزد

حومه های شهر داکا که آغاز سرزمین بنگال واقعی است زمین های سبز و خرم و آب فراوان دارد . شط نیرومند گنگ شالیزارهای بیکران آنرا سیراب میکند و مناطق مختلف کشور را به یکدیگر پیوند میدهد . ولی این شط در عین حال منشا فلاکت و آواراست زیرا پرازیاران های موسمی طغیان میکند و سیل خروشان آن به کشتزارهای حاصلخیز میتازد و روستاهای پیرامون را بسان جزایری تحیف در بر میگیرد .

روستایی را که ما از آن دیدن کردیم خطر سیل تهدید نمیکرد و برعکس از عطر لاله میزد . چند ماه پیش از آن کمونیستها در آنجا یک گروه همیاری برای آبیاری تشکیل دادند . مقدمتاً زمین هارا تقسیم بندی کردند ، با پولی که از اهالی جمع آوری شد جابه عمیق حفر کردند و وسائل آبیاری از دولت گرفته شد .

گروه همیاری شکل اولیه شرکت تعاونی است . عجالتا همین ساده ترین شکل شرکتیست تعاونی برای روستا اهمیت حیاتی دارد . سازمان دهقانی حزب کمونیست در هاش شرکت تعاونی آبیاری تشکیل داده است . روستاییان برای خرید ماشین های کشاورزی ، کود و بذرهای اصلاح شده از دولت با هم شریک میشوند .

البته دولت هنوز بهیچوجه قادر نیست به نیازمندیهای هم روستاها در این زمینه پاسخ دهد . چه بسا خود سازمان اداری بختر نیز بجای کمک به محتاج ترین خانوارها به خانوارهای مرفه کمک میکند . برخی عناصر سود جواز کمک دولت به دهات برای نفوذ سیاسی استفاده میکنند .

بکاربردن شیوه های مدرن در کشاورزی برای کشوری که زمینهای سرزمینی آن بسیار محدود و تراکم جمعیت در آن زیاد است بسیار اهمیت دارد . نورعالم یکی از فعالین سازمان دهقانی و فارغ التحصیل آموزشگاه کشاورزی با ما گفت : مسئله ارضی را فقط با تجدید تقسیم ساده زمین نمیتوان حل کرد ، بخصوص که در بنگلادش برخلاف سایر کشورهای آسیا مالکیت بزرگ اربابی عمومیت ندارد . ولی جریان تمرکز زمین بسیار سریع است . کولاهای بزرگ و مالکان کوچک زمین های زیادی در تملک خود دارند و علاوه بر آنها خرده بورژوازی شهرنیز در زمین سرمایه گذاری میکنند . بازمانده های فقود الی در روستا باقیمت و حصص کاری و ربا خواری رواج دارد .

دولت برنامه اصلاح ارضی را اعلام کرده است و این برنامه مهم اکنون در دست اجراست : تا کنون قریب ۲۰ هزار هکتار زمین میان دهقانان بی زمین و کارگران کشاورزی تقسیم شده ، اخذ

مالیات ازمین های کوچک ملکی گردیده و حد نصاب مالکیت زمین ۱۳۴ هکتار تعیین شده است . ازمین دیگر کولک ها همچنان در زمینه دریافت اعتبار و وام دولتی و افزارهای ضروری از امتیازات بسیار برخوردارند . کمیته های عمران کشاورزی بطور عمده از دهقانان غنی تشکیل میشود و این دهقانان بخش بزرگی از کمک مختصری را که دولت به دهمید هد خود تصاحب میکنند .

زحمتکش روستا با مشکلات فراوانی روبرو است که بخش از آن میراث گذشته و بخش هم ناشی از وضع کنونی است . ولی او برای غلبه بر این مشکلات آماده است . جنگ آزاد بیخس سال ۱۹۷۱ احساس عمیق میهن پرستی در او برانگیخته است . دهقانان یکی از نیروهای محرکه عمد مبارزه آزاد بیخس ملی هستند . کارگران ، دانشجویان و فعالین حزبی که رهبری مقاومت مسلحانه را در مناطقی روستائی بعهده داشتند در زمینه روشنگری سیاسی و تبلیغ آرمان های میهن پرستانه نقش مهمی ایفا کردند .

دهقانان حکومت کنونی را حکومت خود میدانند و بخود میبالند از اینکه دولت کشورشان بجای سرمایه داران پنجابی پاکستان غریب که زبان و فرهنگشان برای آنها بیگانه بود در دست هم میهنان خودشان است . زحمتکشان روستا به اصلاحات رضی امید وارند و در انتظار اجرای برنامه های دولت هستند .

کمک دولت به کشاورزی رهای روستا را از جنگال ربا خواران نوبد میدهد . دهقان جوانی بنام علی ضمن گفتگوی با ما میگفت : " بهمین جهت بود کمسن در انتخابات اخیر به " بنگابند و " ( مجیب الرحمان ) رای دادم . با تفاق او و اعلیٰ غاصبان پاکستانی مبارزه کردیم و حالا با تفاق او در راه زندگی بهتر مبارز میکنیم " .

### چگونگی موضعگیری نخست وزیر

" بنگابند و " یعنی دولت بنگالی ها — در بنگلادش نخست وزیر مجیب الرحمان رهبر حزب حاکم را چنین مینامند . مجیب الرحمان شخصیت بفرنج و ذوجوانی است . او مظهر زنده ای از انسانیت و نالیسم بنگالی است . این صفت برای بسیاری از رهبران دولتی جنبش های آزاد بیخس ملی عمومیت دارد . چنین رهبرانی مستقبا از منشا طبقاتی خود در دوران انقلاب خصلت دموکراتیک جنبش آزاد بیخس ملی را منعکس میسازند و توده های مردم تحقق آمال و منویات و امید های خود را بآینده به وجود آنها وابسته میدانند .

مجبب الرحمان همیشه فرق کار است ولی برای قبول متقاضیان عده ای که از نواحی مختلف نزد او می آیند و برای انجام خواهرش های آنان که در قیاس با مقام يك رجل دولتی ناچیز مینمایند و نیز برای ملاقات میهمانان خارجی وقت کافی پیدا میکند .

شامگاه یکی از روزها در ریایان کار روزانه او هیئت نمایندگی ما را پذیرفت . نخست وزیر از همان آغاز مصاحبه گفت : " باید جلوی رشد سرمایه داران را گرفت . ما هوادار دموکراسی مستعیدگان هستیم " .

سخنان او با زتاب همان روحیاتی است که ما در بنگلادش احساس کردیم . شکست دیکتاتور بنظامی — بوروکراتیک پاکستان در عین حال دال بر شکست نظریه راه رشد بورژوازی در آن ها ن بسیاری از بنگالی ها بود . بنگلادش بیشتر از بیست سال آماج استعمار بود . رؤیه دیکتاتوری روز افزون آنان فقر و بیسودی و محرومیت سیاسی مردم بنگال غریب بود . با اینجهت تقویت نظریات ضد سرمایه داران در دوران پرازدادی جنبه طبیعی داشت . این نظریات

در شمارهای اجتماعی حزب حاکمه که عناصر خرده بورژوازهبری آنها برعهده دارند انعکاس دریافت . اکنون به استیلاى سرمایه بزرگ پاکستان پایان داده شده است ، ولی خطر نفسوز امپریالیسم در عرصه اقتصاد همچنان باقیست . وفور سرمایه های خارجی که کار گشت بهاهالی را در دست دارند در ادکاتوجه راپخود جلب میکند . این سرمایه ها همه بکارانجام وظائفی که اعلام کرده اند مشغول نیستند . مثلا امریکائی ها از این خدمات برای برقراری ارتباط با عناصر ضد ملی در درون دستگاه اداری و جمع آوری انواع اطلاعات با مهارت کامل استفاده میکنند . بسیاری از افراد خطر فعالیت تخریبی را که در لغافه " گفت غریب " انجام میگیرد خاطر نشان می ساختند . امپریالیست ها میکوشند دانشجویان را تحت تاثیر خود قرار دهند و عناصر ناستنوار خرده بورژوازی را که احساسات ضد پاکستانی آنها اغلب با تمایلات ضد امپریالیستی آنها مطابقت ندارد ، بسوی خود جلب کنند .

محبیب الرحمان در مصاحبه با ما گفت : " کشورهای دستند که با ما گفت کردند ولی این بدان معنی نیست که آنها فلسفه سیاسی خود را تغییر داده اند . "

ما آشکارا دیدیم که محافظ اجتماعی میهن پرست از سائس عماد امپریالیستی که میکوشند روحیات ضد شوروی و ضد هند در جمهوری برانگیزند بسیار نگرانند . سازمان های مخفی افراطی راست مسلمانان که با سازمان مرکزی جاسوسی امریکا ارتباط دارند اتحاد شوروی و هند وستان را مورد انواع افتراءات قرار میدهند و میکوشند رژیم ارتجاعی را احیا کنند و کشور را به دوران پیروی از امپریالیسم بازگردانند . ولی موضعگیری دولت در زمینه مسائل بین المللی مانع این امر است .

محبیب الرحمان با اعتقاد کامل میگفت : " سیاست ما عدم تعهد و بیطرفی مثبت است . خلق من نیازمند صلح است . ما هوادار همزیستی مساومت آمیز و انبیه متیم " .  
مشى سیاست خارجی بنگلادش مورد پشتیبانی تمام نیروهای ترقیخواه و صلحدوست کشورهای آسیای جنوب شرقی و اکثریت کشورهای جهان است . ولی سواى امپریالیست ها محافظ دیگر هم وجود دارند که از این مشى بهیچوجه راضی نیستند .

نخستوزیر در حالیکه چین برجبین داشت گفت : " من نمیخواهم سخنان تند بکار برم ، فقط میگویم که روش چین در قبال بنگلادش ما بهتاسف عقیق ما است . ما به چین چه بدی کرده ایم ؟ میهن زجر کشیده من در آتشینت بیکار سرسخت آزادی خود را بدست آورده است . این حقیقت برهنگان عیان است . با اینصوف کشوری که خود نیز ره آورد مبارزه آزاد بیختر است چرا بسا استفاده از حق و توراها را برای ورود به سازمان ملل متحد سد میکند ؟ ! " .

تحکیم روابط بنگلادش با هند وستان و اتحاد شوروی موجب برآشتگی خاص پکن است . ولی تبلیغات مائوئیستی نمیتواند اهمیت دوستی آفریده دوران مبارزه در راه احراز حاکمیت ملی بنگلادش را پائین بیاورد . ما همهجا ناظر احساسات دوستانه مردم با هند وستان و اتحاد شوروی بودیم . زین الرحمان دبیرکل حزب " مجمع خلق " هنگام پذیرش هیئت نمایندگی ما برای گفت این کشورها به مبارزه مردم بنگلادش در راه استقلال ارزش عالی قائل شد .

### دشواریهای سازندگی

در بنگلادش از برنامه هاى مربوط به آینده زیاد بحث میشود . در این برنامه ها نکات مهم و قابل بحث بسیار است . ولی مسائلی هم وجود دارد که هیچگونه بحثی برنمایانگیزد . رهبران اتحادیه دانشجویان بنگلادش وابسته به نیروهای چپ میگفتند : " در کشوری که ۸۰ درصد

جمعیت آن بهیچوجه است. دانشجویان باید با پیسواد ی مبارزه کنند و آرمان های مترقی را میان توده ها بپسوندند . آنها همان زمان مناطقی را که دانشجویان هنگام تعطیلات میبایست با آنجا اعزام شوند معین کرده بودند .

دانشجویان در مجاورت پایتخت فرم نمونه ای ساخته اند که دهقانان در آن با شیوه های مدرن کشاورزی آشنا میشوند . روستاییان خواهش میکنند که چند فرم دیگر از این نوع ساخته شود . ورود جوانان دانشگاهی به روستا برای دهقانان حادثه مهمی است . جوانان اطلاعات بسیار بآنها میدهند و به مساوی مورد علاقته آنان پاسخ میگویند .

دانشجویان در میان اهالی از حیثیت و اعتبار فراوان برخوردارند زیرا روشنفکران جوان همیشه نیروی محرکه مهم جنبش ملی بوده و بارها برای بهاد داشتن تظاهرات وسیع علیه رژیم ارتجاعی پاکستان پیشگام شده اند .

بخشی از جوانان داران این روحیه هستند که دانشجویان از عهد هرکاری برمیآیند . ولی این ایدئالیسم ناشی از پاکدلی جانب معکوسی هم دارد . برخی از جوانان که غالباً در مبارزه مسلحانه شرکت داشته اند به اعمال آنارشیمیستی و خود سرانه دست میزنند و کار موسسات و کارخانه ها را مختل میسازند . انتقال از محیط دوران جنگ به محیط کار آرام و مسالمت آمیز از نظر روانی برای همه آنها آسان نیست .

اکنون مسئله هم آهنگی با اوضاع و احوال پیر از احراز آزادی و تحقق وظائف و خواسته های که در شرایط کنونی اهمیت خاص دارد یعنی انضباط دولتی و وظیفه شناسی در کار و پیوسته در رشته صنایع ملی - بانهایت حدت خود مطرح است ، بفرنجی جریان روبراه ساختن کار موسسات صنعتی فقط ناشی از فقدان مواد و مصالح لازم نیست . احراز استقلال با در گزینی بنیادی سیستم اقتصادی همراه بود . اکنون بخش دولتی بهر از ۸۰ درصد موسسات صنعتی و راه آهن و موسسات حمل و نقل هوایی و دریایی ، بانک ها و شرکتها بعهده را در بر میگیرد . ولی کار کارخانه ها و موسسات خدمات دولتی هنوز به پیچوجه سازمان نیافته است . دستگاه بهره ور کراس سابق میکوشد اندیشه ملی کردن را بی اعتبار سازد و به خرابکاری اقتصادی مشغولست . زیل الرحمان در بهر کل حزب حاکمه ضرورت مبارزه قاطع علیه بهره ور کراس را خاطر نشان ساخت .

بما میگویند که برخی از شرکت کنندگان سابق مبارزه آزاد بیختر ملی بی میل نیستند بحساب دولت به آلا ف والوف برسند - سرمایه ای دستوپا کنند و به سوداگری بپردازند . پائیر سال ۱۹۷۲ چند تن از فعالین حزب " مجمع خلق " که در مجلس موسسان ( ۱ ) نمایندگی داشتند بعلت انواع سوء استفاده ها از حزب اخراج شدند .

ضعف طبقه کارگر نیز یکی از علل دشواری سامان دادن به کار تولید است . در کشوری با ۷۵ میلیون جمعیت تعداد پرولتاریا فقط قریب یک میلیون نفر است . تازه واحدهای اساسی آنرا کارگران موسسات گونی باقی و تساج و چرم سازی و باربران تشکیل میدهند . ولی تعداد کارگران موسسی به بهر از ۲۷ میلیون نفر میرسد . اینها صاحبان قطعه زمین ها و کوچکی هستند که مدت کمی از سان را به کار در مزارع بزرگ یا به کارهای تصادفی میگذرانند . بسیاری از کارگران صنعتی نیز قطعه زمین های کوچکی دارند و در دهه بسر میبرند و روحیاتی شبیه به دهقانان دارند .

طبقه کارگر در جنبش ملی بنگال خاوری و رعایات و تظاهرات ضد دیکتاتوری نظامی شرکت داشت . در سال ۱۹۷۱ قریب ده هزار کارگر را و طلب با تفاق واحدها را تنظیم نیروهای مسلح

( ۱ ) - پیش از تصویب قانون اساسی بنگلادش ( در سال ۱۹۷۲ ) مجلس موسسان ارگان قانونگذاری کشور بود .

در عرصه‌های نبرد آزاد بیختری جنگیدند . ولی در دوران جنگ که کارخانه‌ها تعطیل بود بسیاری از کارگران به ده بازگشتند و این امر نیز بنویم خود تمداد پرولتاریا را کاهش داد .  
 رهبران مرکز اتحادیه‌های کارگری وابسته به حزب کمونیست بنگلادش در باره رفتار کارخانه‌ها که توسط برخی از فعالین اتحادیه‌های کارگری انجام میگرد شرح مبسوطی برای ما بیان داشتند این اشخاص این الوقت هائی بودند که در دوران اوج جنبش آزاد بیختری ملی خود را در روبرو جنبش جا کرده بودند . برخی از کارگران نیز در این فاصله شرکت دارند . عناصر افراطی و ماجراجو در اتحادیه‌های کارگری شمارها و خواسته‌هایی را بیان میکنند که اجرای آنها برای دولت میسر نیست . از آنجمله است مثلا خواست پرداخت دستمزد در دوران ۹ ماهه جنگ آزاد بیختر . این عناصر محیط کارگری را به مصرف‌های نامتناسب ، ترغیب میکنند . یکی از نمونه‌های نگرانی آور آن شرکت گروه معینی از کارگران در تظاهراتی است که توسط این عناصر برپا میگرد .  
 رهبران مرکز اتحادیه‌های کارگری می‌گویند : " کارگران طبقه‌میهن پرست جامعه هستند و در این دوران دشوار نباید فقط در بند آسایش خویش و فکر نافع صرفا اقتصادای خود باشند . وظایف اساسی اکنون تحکیم مبانی کشور نوین و مستقل است . اکثریت زحمتکشان بانظرسر آنها موافقتند . این رهبران در شرایط دشوار کنونی برای بکار انداختن موسسات صنعتی از جان و دل میکوشند . کارگران ماشین‌ها را تعمیر میکنند و برای صرفه جویی در کار شیوه‌های اثر بخشی را معمول میدارند .

یکی از کمونیست‌های رهبر اتحادیه‌ها گفت : کارخانه گونی بافی " بهوانی " وسائل یدکی نداشت . کمونیست‌های رهبر اتحادیه محل از کارگران دعوت کردند خود بتولید این وسائل بپردازند . دعوت‌آنان در میتینگ کارگران مورد پشتیبانی قرار گرفت و کارخانه دوباره بکار افتاد . نمونه دیگر : در یکی از کارخانه‌های یکی از ماشین‌های گرانقیمت از کار افتاد . هیئت مدیره بر آن بود که باید آنرا با ماشین نوعی عوض کرد . ولی کارگران خودشان آنرا تعمیر کردند و بدینسان هم در یون وهم در کار صرفه جویی شد .

ما پرسیدیم که اصولا هیئت مدیره به ابتکارات کارگران چه برخوردی دارد . معلوم شد که ابتکارات آنها غالبا با پشتیبانی رهبران کارخانه‌های دولتی روبرو نمیشود .  
 اتحادیه‌هایی که با کمونیست‌ها مربوطند برای پیشرفت کار کارخانه‌های ملی شده میکوشند . حزب کمونیست بنگلادش شعار " نجات صنایع ملی شده " را اعلام کرده است . آگاهترین بخش کارگران خوب میدانند که سامان یافتن کار موسسات صنعتی دولتی ضامن جلوگیری از سیرقه‌پزایی انقلاب آزاد بیختر است . در عین حال سازمان‌های کارگر متفرقی برای تثبیت سطح دستمزد مسا و تقسیم ۳۰ درصد از سود کارخانه‌ها در میان زحمتکشان مبارزه میکنند . طبقه کارگر عزم راسخ دارد در حل مسائل صدم حیاتیش بطور فعال شرکتورزد و از حقوق خود دفاع کند .

### چه روحیه‌ای فائق است

رهبران حزب کمونیست و اتحادیه‌ها و سازمان دهقانی حزب کمونیست بنگلادش در ملاقات‌ها از وجود روحیه باس در میان محافل معین سخن می‌گویند . این امر طریک گوناگون دارد . بخش شروتمندانه‌الی از کمبود کالا‌های خارجی که سابقا بآن دسترس داشت ناراضی است . برخی از کارخانه‌ها متعلق به بورژوازی کوچک و متوسط نیز رفته رفته از جنبش آزاد بیختر ملی دور میشوند زیرا ملی کردن صنایع بزرگ امید آنها را در مورد تقسیم سرمایه‌های بزرگ پاکستان غربی از بین برد . ولی این باس‌منشا دیگری هم دارد . مرد مزجر کشیده میخواهند هر چه

زود تراشعرات استقلال واقعی برخوردار شوند و حال آنکه دوران پسران از احزاب آزادی سرکوه عظیم نیروها را ایجاد میکند . جریان کنونی اوضاع در بنگلادش در نظر عناصر ناستوار استوارشیر و تارمیناید . عناصر فراطبی یعنی نیروهای ماورا راست هوادار پاکستان و نیروهای ماورا چپ هوادار پاکستان میکوشند از نارضایتی هائی که با وجود بخودی پدید آمده است برای پیشرفت نقشه های خود استفاد کنند . هر دوی این نیروها هدف واحد کرات تعقیب میکنند که عبارتست از ساختن رژیم ملی کشور .

در این اوضاع احوال روحیه خوشبینی که در میان مردم فائق است بلافاصله مشهود نمیکرد . این روحیه در زرقای جامعه و در اذهان توده ها ریشه دارد و بر سراسر خلق حاکم است . مردم بنگلادش آزادی بکف آمده را نراضی میدارند و در آرزوی آیند هستند .

اتحادیه دانشجویان برآستکه : " ایجاد بنگلادش در حله مهمی از انقلاب اجتماعی است . هدف ما ساختمان سوسیالیسم و شالوده ریزی جامعه عدالت اجتماعی است " . این اندیشه ها و روحیات انقلابی از اعتلای جنبش آزادیبخش ملی سرچشمه میگردد که توده ها را بزرگ مردم را به دموکراسی و برابری اجتماعی شائق ساخته است . پروفیسور مظفر احمد رهبر " حزب ملی خلق " بعاگفت : " کسیکه روحیات دموکراتیک مردم را که در قبایل هرگونه بیمدالتی شدید از خود و انکسار نشان میدهند و در آرزوی عدالت بسر میبرند ، درنگ نکند واقعیت کشور ما را درنگ نکرده است " . دموکراتیسم آفریده انقلاب آزادیبخش ملی در تمام رفتار و روحیات مردم این جمهوریت جوان منعکس است . مهمترین نمود آن - احساس مسئولیت در قبایل سرنوشته میهن و شوق کارگران و دهقانان و روشنفکران برای شرکت فعال در امور کشور و در حل مساوی بفرنج دوران پسران از احزاب آزادی است .

ناسیونالیسم ، سوسیالیسم ، دموکراسی و جدائی مذهب از دولت اکنون اصول اساسی سیاسی دولت اعلام شده و در مقدمه قانون اساسی بنگلادش به ثبت رسیده است . مثلا جدائی مذهب از دولت این اقدام رادیکال اصعب در هند کشور اسلامی است که تا همین چند روز پیش اسلام مذهب دولتی آنرا تشکیل میداد . بران نخستین بار به سیاست نفاق و ستیز میان فرقه های مذهبی رسماً پایان داده شده است .

مواد قانون اساسی انعکاسی است از چگونگی مرحله کنونی تکامل کشور یعنی مرحله دموکراتیک انقلاب آزادیبخش ملی . ولی در قانون اساسی آرمان اجتماعی عمده توده های زحمتکش یعنی سوسیالیسم نیز تصریح شده است . ذکر این ماده در قانون اساسی گواه بروجیه اندیشه های سوسیالیسم و دموکراسی در میان مردمی است که به آزادی ملی دست یافته اند . همروند با ارتقاء سطح آگاهی طبقاتی زحمتکشان این آرمان اجتماعی محتوی واقعی کسب خواهد کرد و ازین شعار کلی به هدف مشخص مبارزه طبقه کارگر و دهقانان و روشنفکران ترقیخواه بدل خواهد شد . بهمین جهت این سخنان مونی سینگه مبارز کهن جنبش کمونیستی کاملاً مقنع بنظر میسرند : " حزب کمونیست - حزب هوادار سوسیالیسم - در کشور ما آیند درخشان دارد " .



# برخی اطلاعات دربارهٔ احزاب کمونیست و کارگری

## حزب کمونیست چکوسلواکی

حزب کمونیست چکوسلواکی در ۱۵ ماهه ۱۹۲۱ در چهاردهمین کنگره جناح چپ حزب سوسیال دموکرات چکوسلواکی تاسیس شد. این کنگره در تاریخ یوماه کنگره موسسان حزب کمونیست چکوسلواکی ثبت شده است.

در اول ژانویه سال ۱۹۷۳ تعداد اعضا\* اصلی و آزمایشی حزب ۰۰۳ ۱۲۳۴ نفر بود. مرکزیت دموکراتیک اصل اساسی سازمان و فعالیت حزب را تشکیل می‌دهد. ساختمان حزب بر پایه ملاحظه منطقه ادو تولید استوار است. حوزه‌های حزبی در محل کار و سکونت کمونیست‌ها تشکیل می‌شوند و مجموعه آنها سازمان‌های استان و شهرستان را تشکیل می‌دهند.

در حزب کمونیست چکوسلواکی (۱۹۳۱) حوزه ۱۲۶۰ سازمان استان و ۱۲ سازمان شهرستان وجود دارد.

ارگان عالی حزب کنگره آن است که هر پنج سال یکبار دعوت می‌شود. کنگره کمیته مرکزی و کمیسیون تقطیر و نظارت مرکزی را انتخاب می‌کند.

کمیته مرکزی بیرونی سیاسی را برای رهبری کار حزب در فواصل پلنومهای کمیته مرکزی و هیئت دبیران را برای رهبریت امور جاری و بازرسی چگونگی اجرای تصمیمات متخذه انتخاب می‌کند. کمیته مرکزی همچنین دبیرکل و هیئت دبیران را انتخاب می‌کند.

سازمان منطقه‌ای حزب کمونیست چکوسلواکی در اسلواکی، حزب کمونیست اسلواکی است و ارگان عالی آن کنگره آن است، کمیته مرکزی حزب کمونیست اسلواکی در فواصل کنگره‌ها کار رهبری امور حزب را به عهده دارد.

ارگان عالی سازمانهای استان یا شهرستان، کنفرانس آن است که کمیته استان یا شهرستان را انتخاب می‌کند. ارگان عالی حوزه جلسه عمومی آنست که کمیته حوزه را انتخاب می‌کند.

ترکیب اجتماعی حزب کمونیست چکوسلواکی در اول ژانویه سال ۱۹۷۳ بشرح زیر بود:

کارگران (با اضافه بازنشستگان) ۴۴٫۱ درصد، دهقانان گلخوری ۴٫۷ درصد، روشنفکران ۳٫۱۶ درصد و بقیه قشرها ۱۹٫۱۶ درصد.

۶۸٫۹ درصد اعضا\* حزب زندگی حرفه‌ای خود را بعنوان کارگر آغاز کردند. نسبت زنان در حزب ۲۸٫۱ درصد است. تقریباً نیمی از اعضا\* اصلی و آزمایشی حزب کمتر از ۴۰ سال دارند. ۳۷٫۱ درصد اعضا\* اصلی و آزمایشی حزب دارای تحصیلات حرفه‌ای و عالی هستند و ۴۶ درصد آنان در عرض تولید مادی و بقیه در رشته‌های علوم، فرهنگ، آموزش و پرورش



خدمات وغيره فعاليت ميکنند .

ترکيب هلی حزب کمونيست چکوسلواکی با جمعيت جمهوري سوسياليستي چکوسلواکی مطابقت دارد : چک ها ٧٤٢٦ درصد ، اسلواک ها ٢١١٩ درصد ، مجارها ٢٢٢ درصد ، اوکرائيني ها ١١٠٠٠ درصد ، لهستاني ها ١٤٠٠٠ درصد و آلماني ها ١٠٠٠٠ درصد .

مطبوعات حزبي : " روز پراوو " ارگان کميته مرکزي حزب کمونيست چکوسلواکی در ٢١٠٠٠ سيستمير سال ١٩٦٠ تاسير شده و تيراژ آن ٨٥٠٠٠٠٠ نسخه و تيراژ شماره شنبه آن ١٠٠٠٠٠٠٠ نسخه است .

" زيوت استراني " مجله کميته مرکزي حزب کمونيست چکوسلواکی دو بار در ماه انتشار مييابد .  
" نوا سيمس " مجله تئوريک و سياسي کميته مرکزي حزب کمونيست چکوسلواکی يکبار در ماه منتشر ميشود .

" تريونا " هفته نامه کميته مرکزي حزب کمونيست چکوسلواکی به بررسي مسائل ايديئولوژيک و سياسي اختصاص دارد .

" توربا " هفته نامه کميته مرکزي حزب کمونيست چکوسلواکی مسائل سياسي ، علمي و فرهنگي را بررسي ميکند .

روزنامه " پراووا " ارگان حزب کمونيست اسلواکی بزبان اسلواکی منتشر ميشود .

روزنامه " اوي سو " بزبان مجار منتشر ميشود .

در استان ها ، روزنامه ها ، ارگان هاي کميته ها ، استان هاي حزب و در شهرستان ها ، روزنامه ها ، ارگان ها ، کميته ها ، شهرستان و کميته ها ، ملو منتشر ميشوند . ٢٧٠٠ روزنامه نيز تحت رهبري حزب در کارخانه ها انتشار مي يابند .

مراکز تئوريک و آموزشي حزب - مدرسه عالي سياسي وابسته به کميته مرکزي حزب کمونيست چکوسلواکی ، انستيتوي مارکسيسم - لنينيسم وابسته به کميته مرکزي حزب کمونيست چکوسلواکی .

### حزب کمونيست شيلي

حزب کمونيست شيلي در ژانويه سال ١٩٦٢ در شهر " رانکاگوا " تاسير شد و اين بهنگامي بود که چهارمين کنگره حزب کارگر سوسياليستي ( تاريخ تاسير سال ١٩٦٢ ) تصميم گرفت به انترناسيونال سوم ملحق شود و تغيير نام حزب را به حزب کمونيست شيلي اعلام داشت .

حزب کمونيست شيلي در آغاز سال ١٩٧٣ بيشتر از ٢٠٠٠٠٠٠ عضو داشت .

ترکيب سازمانی حزب : حوزه ، کميته ها ، شهرستان ، کميته ها ، استان و کميته مرکزي .

حوزه ها بر پايه ملاک منطقه ای و توليدي تشکيل ميشوند . در حزب کمونيست شيلي تقريبا ١٠٠٠٠٠٠ حوزه وجود دارد .

ارگان عالی حزب کنگره آن است که هر چهار سال يکبار دعوت ميشود . کنگره کميته مرکزي را انتخاب ميکند و کميته مرکزي نيز کميسيون سياسي ، هيئت ديربان ، دبیرک و معاون او را انتخاب ميکند . کميته مرکزي همچنين ارگاني تحت عنوان کميسيون ملو براي بارزسي چگونگي اجرائي قرارهاي حزب و رسيدگي به امور کارها انتخاب ميکند .

ترکيب اجتماعي : ٦٥ درصد اعضا حزب از طبقه کارگر هستند و وعده زيادي در هقان و روشنفکر و نوابندگان کسبه و پيشه وران نيز در حزب عضويت دارند .

مطبوعات حزبي : روزنامه " ال سيگلو " ، مجله " لوس پرنسيپوس " ارگان تئوريک کميته

مرکزی . در استان ها روزنامه های محلی حزبی انتشار می یابند .  
مراکز تئوریک و آموزشی : پژوهشگاه مارکسیستی در سانتیاگو که در برخی از شهرها شعبه دارد  
و در سال ۱۹۶۷ تأسیس شده است .

مدرسه عالی تهیه کار و مدارس حزبی استان ها و شهرستان ها .  
حزب کمونیست شیلی یکی از احزاب جبهه متلفه حاکمه وحدت خلق است . در انتخابات  
پارلمانی ماه مارس سال ۱۹۷۳ این جبهه ۴۳٫۳۹ درصد کل آرا را بدست آورد ( نیروهای  
چپ بهنگام انتخابات رئیس جمهوری ۳۶٫۲ درصد کل آرا را بدست آوردند ) ، ۱۷٫۱ درصد  
رای دهندگان به حزب کمونیست شیلی رای دادند . حزب کمونیست شیلی در پارلمان ۳۴  
نماینده دارد ( ۲۵ نماینده در مجلس شورا و ۹ نماینده در سنا ) ، کمونیست ها در آوریل  
سال ۱۹۷۳ سه وزیر و معاون وزیر در هیئت دولت داشتند .

### حزب کمونیست کانادا

حزب کمونیست کانادا در ژوئن سال ۱۹۲۱ در دوران فعالیت مخفی تأسیس گردید و در فوریه  
سال ۱۹۲۲ تحت عنوان " حزب کارگر کانادا " فعالیت علنی خود را آغاز کرد . در سال ۱۹۲۴  
حزب باردیگر تغییر نام داد و حزب کمونیست کانادا نامیده شد . حزب کمونیست کانادا در سال  
۱۹۳۱ ( غیرقانونی اعلام شد و مجبور به فعالیت غیر علنی گردید ، رهبران حزب نیز توقیف شدند . حزب  
در سال ۱۹۳۵ باردیگر علنی شد و در سال ۱۹۴۰ مجدداً آنرا غیرقانونی اعلام کردند .  
در اوت سال ۱۹۴۳ سازمان های علنی کمونیست ها تحت عنوان حزب کارگر مترقی احیاء شد  
( حزب در سال ۱۹۵۹ باردیگر به نام سابق خود - یعنی حزب کمونیست کانادا بازگشت ) .  
حوزه های حزبی بر پایه ملاء منطقه ای و تولیدی ( در موسسات و کارخانه ها و در محصل  
مکونت اعضای آن ) و نیز برحسب پیچیدگی زبان مادری کارگران مهاجر عضو حزب تشکیل میگردد .  
در استان ها کمیته های حزبی تشکیل میشوند که مستقیماً تابع کمیته مرکزی هستند . در هر  
شهرستان و بخش که بیش از دو حوزه وجود داشته باشد کمیته شهرستان و کمیته بخش تشکیل  
میشود که تابع کمیته استان است .

در اساسنامه حزب وجود و ولایت کشور در نظر گرفته شده است . در استان کبک که مرکز  
کانادای فرانسیسی الاصل است حزب کمونیست کبک تشکیل شده و سیامت و فعالیت آن  
بر پایه مراعات موازات اساسنامه و سیاست حزب کمونیست کانادا استوار است .

ارگان عالی حزب کنگره آن است که هر دو سال یکبار دعوت میشود . کنگره کمیته مرکزی را  
برابر رهبری حزب در فواصل کنگره ها انتخاب میکند . کمیته مرکزی از میان اعضا خود هیئت  
اجرائیه مرکزی را برمیگزیند .

مطبوعات حزبی : هفته نامه " کانادین تریبون " ارگان مرکزی حزب کمونیست کانادا ،  
روزنامه " کبک " ارگان حزب کمونیست کبک که هر دو هفته یکبار منتشر میشود . هفته نامه  
" پاسیفیک تریبون " ارگان کمیته حزبی استان " بریتیش کولومبیا " و مجله " کمونیست ویس  
پوینت " ارگان تئوریک و سیاسی حزب کمونیست کانادا که هر دو ماه یکبار انتشار می یابند .  
سازمان جوانان کمونیست کانادا روزنامه " یونگ ورکر " را انتشار میدهد . علاوه بر این کمونیست  
ها با هیئت های تحریریه مجلات مترقی نیز که به ۸ زبان ( بجز از انگلیس و فرانسوی ) انتشار می  
یابند ، همکاری میکنند .

کمونیست‌ها در یک سلسله از انجمن های شهر در این شهرهای بزرگ و کوچک نمایندگی دارند ، حزب کمونیست کانادا در نتیجه رزید در انتخابات آینده پارلمان که پیش از موعد انجام خواهد گرفت دست کم ٥٠ تن از اعضای خود را کاندید کند .

### حزب توده انقلابی مغولستان

تاسیس حزب در اول مارس سال ١٩٢١ انجام گرفت .  
تا روز اول ژانویه سال ١٩٧٣ تعداد اعضای اصلی و آزمایشی حزب ٦١٣٨٩ نفر بود .  
حوزه های حزبی بر پایه ملا : منطقه ای - تولیدی ایجاد میشوند . حزب جمعا ٣٧٢٩ حوزه دارد .  
ارکان های عالی رهبری : برای حوزه ها - جلسه عمومی اعضای حوزه ( حداقل یکبار در ماه تشکیل میشود ) ، برای سازمان های استان ، شهرستان و بخش - کنفرانس ( در هر ٢-٣ سال حداقل یکبار ) برای سراسر حزب - کنگره ( حداقل هر پنج سال یکبار ) است .  
کنگره اخیر حزب توده انقلابی مغولستان که شانزدهمین کنگره آن بود در ژوئن سال ١٩٧١ تشکیل شد .  
کنگره کمیته مرکز و کمیسیون تقویت مرکز را انتخاب میکند . کمیته مرکزی بر روی سیاسی و ابرار رهبری فعالیت حزب در فواصل میان پلنوم ها و هیئت دبیران را برای رهبران امور جاری حزب بر میگزیند و دبیران هم تحت عنوان کمیته کنترل حزبی تعیین میکند .  
ترکیب اجتماعی حزب توده انقلابی مغولستان : کارگران ٣٠ درصد ، دهقانان عضو اتحاد های کشاورزی ٢٠٫٤ درصد و کارمندان و روشنفکران ٤٦٫٦ درصد . ٢١٫٦ درصد اعضای اصلی و آزمایشی حزب رازبان تشکیل میدهند . ٦٣ درصد کمونیست‌ها در عرصه تولید مادی کار میکنند . ٢١٫٧ درصد اعضای حزب تحصیلات عالی و ٣٩٫٢ درصد تحصیلات متوسطه دارند .

مطبوعات حزبی : روزنامه " اونن " ( " راستی " ) - ارکان عمده کمیته مرکزی حزب توده انقلابی مغولستان ، تاریخ تاسیس سال ١٩٢٠ ، تیراژ - ١١٣ هزار نسخه .  
" نامین آمدراب " ( " زندگی حزبی " ) - مجله ماهانه ، ارکان سیاسی و تئوریت کمیته مرکزی حزب . تاریخ تاسیس - سال ١٩٢٣ ، تیراژ - ٢٥ هزار نسخه .  
" ادین زامگیین آمووژان " ( " مسائل اقتصاد " ) - هر دو ماه یکبار انتشار مییابد و ارکان سیاسی - اقتصادی کمیته مرکزی حزب است . تاریخ تاسیس - سال ١٩٥٥ ، تیراژ - ١٢ هزار نسخه .  
" اوخو اولاج " ( " صلح " ) - ارکان کمیته مرکزی حزب ، تاریخ تاسیس - سال ١٩٣١ ، تیراژ ٤٠ هزار نسخه .  
مراکز تئوریت و آموزشی وابسته به کمیته مرکزی حزب توده انقلابی مغولستان : انستیتون تاریخ حزب و مدرسه عالی حزب بنام سوخمهبار .  
١٤٩٤ درصد نمایندگان مجلس عالی خلیف و ٥٦٧٢ درصد نمایندگان شوراهای استان ، شهرستان ، شهر و روستا اعضای اصلی یا آزمایشی حزب هستند .

### حزب کمونیست ژاپن

روزه ۱۵ ژوئیه سال ۱۹۲۲ در دوران رژیم پلیسی دیکتاتورین نظامی - امپراتورین بطور غیر علنی تاسیس شد و تا لحظه تارومار امپریالیسم ژاپن در سال ۱۹۴۵ یکی پنهان بود .  
در آغاز سال ۱۹۲۳ عدد کمونیست‌ها در ژاپن نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر بود .  
ساختن حزب بر پایه ملات، منطوقه ان - تولید استوار است . حوزه های حزب در کارخانه ها ، معادن ، در کشتی ها و غیره و نیز در شهرها ، روستاها ، دانشگاه ها و آموزشگاه ها با داشتن حداقل سه عضو تشکیل میشوند . ارگان های مافوق حوزه عبارتند از : سازمان بختر و شهرستان و کمیته مرکزی .

ارگان عالی حزب کنگره و در فاصله میان کنگره ها - کمیته مرکزی است . کنگره حزب هر سه سال یکبار دعوت میشود . کنگره کمیته مرکزی و کمیسیون تفکیر مرکزی را بر میگزیند ، کمیته مرکزی صدر کمیته مرکزی ، هیئت رئیسه کمیته مرکزی و صدرا این هیئت را انتخاب میکند و کمیسیون هم تحت عنوان کمیسیون کتبر تشکیل میدهد . هیئت رئیسه کمیته مرکزی بنوبه خود یک هیئت رئیسه دائم و نیز دبیران را انتخاب میکند . صدر هیئت دبیران که از میان اعضاء هیئت رئیسه کمیته مرکزی انتخاب میشود مسئولیت کار هیئت دبیران را به عهده دارد .

ترکیب اجتماعی حزب : کارگران و کارمندان - ۵۹ درصد و بقیه عبارتند از : دهقانان ، کسبه و پیشه وران ، صاحبان مشاغل آزاد ، دانشجویان و غیره . سن : ۵۴ درصد اعضاء حزب از ۱۸ تا ۳۰ سال و ۴۰ درصد از ۳۱ سال تا ۵۰ سال دارند . زنان ۳۱٫۷ درصد اعضاء حزب را تشکیل میدهند .

#### مطبوعات حزبی :

روزنامه " آکا هاتا " ( " پرچم سرخ " ) - ارگان مرکزی حزب کمونیست ژاپن . این روزنامه ۲ انتشار دارد : روزانه ( و از آن جمله شنبه ها و یکشنبه ها ) و شماره مخصوص روزها و یکشنبه . تیراژ اولی - قریب ۵۵۰ هزار نسخه و تیراژ شماره مخصوص - قریب بیست میلیون و ۹۵۰ هزار نسخه . روزنامه ها را اعضاء حزب بر پایه داوطلبی هر روز صبح به مشترکین آن میرسانند .  
" دزن ای " ( " پیشاهنگ " ) - مجله ماهانه - ارگان تئوریت و سیاسی کمیته مرکزی حزب .  
" گیکی تودزی تیایای " ( " پارلمان و خودگردانی " ) - مجله ماهانه کمیته مرکزی مخصوص تبلیغات حزبی .

" بونگا هیورون " ( " بررسی مسائل فرهنگی " ) - مجله ماهانه کمیته مرکزی .  
" سگای سیدزی سیریو " ( " مسائل سیاسی جهان " ) هر دو هفته یکبار توسط کمیته مرکزی انتشار مییابد .

" هاگوسی سیمون " ( " روزنامه دانشجویی " ) - هر هفته یکبار توسط کمیته مرکزی منتشر میشود .

" بولتن اطلاعاتی " که مهمترین اسناد حزب در آن درج میگردد و بزبان های انگلیسی ، فرانسه و اسپانیول انتشار مییابد .

حزب کمونیست ژاپن یک بنگاه نشریاتی دارد که بروشورها و سیاسی درباره مسائل گوناگون دارای اهمیت عمده چاپ میرساند . حزب یک مجله سینمایی نیز با وادارن انتشار میدهد . مراکز تئوریک و آموزشی : انستیتون علوم اجتماعی وابسته به کمیته مرکزی . تاریخ تاسیس -

سال ۱۹۷۰ .

مدرسه عالی حزبی . تاریخ تاسیس - سال ۱۹۶۲ . ناموس سال ۱۹۷۳ جمعا ۹۸۴ تن  
از این مدرسه فارغ التحصیل شده بودند .  
مدارس حزبی محلی نیز دائر هستند و علاوه بر این طرحی هم برای ایجاد آموزشگاه تربیست  
کارهای ایدئولوژیک تنظیم شده است که هر عضو حزب میتواند آنها بگذراند و عنوان مبلغ حزبی  
دریافت کند .

در سال ۱۹۷۲ حزب کمونیست در انتخابات مجلس نمایندگان ۵۰ میلیون رای ( بیشتر از  
۱۰ درصد کل آراء ) را بدست آورد و ۳۸ نماینده به پارلمان فرستاد . علاوه بر این نماینده  
مترقی مورد پشتیبانی حزب نیز پیروز شدند . طبق آئین نامه پارلمانی گروه کمونیست ها نمایند-  
گان ترقیخواه مستقل برای نخستین بار حق پیشنهاد لوائح قانونی را به پارلمان بدست آوردند .  
حزب کمونیست ژاپن در " مجلس رایزنان " کشور ۱۰ نماینده دارد .  
در آوریل سال ۱۹۷۳ در ارگان های خود گردانی محلی قریب ۶۰۰ نماینده کمونیست  
شرکت داشتند . حزب کمونیست ژاپن یکی از احزابی است که در بیشتر از ۱۳۰ ارگان خود -  
گردانی محلی و از جمله در شهرهای توکیو ، کیوتو ، اوساگا ، اوکیناوا و ساتیا مارهیری را بدست  
دارد . یک سوم جمعیت ژاپن در این مناطق سکونت دارند .

#### حزب چپ کمونیست های سوئد

تاریخ تاسیس حزب - ماه مه سال ۱۹۱۷ .

در آغاز سال ۱۹۷۳ عده اعضای حزب به ۱۵ هزار تن میرسید .  
اعضای حزب بز پایه انجمن ها و کلوب ها متشکل هستند . انجمن ها در محل سکونت  
اعضای حزب تشکیل میشوند . کلوبها اعضای را که در یک کارخانه یا در یک رشته صنعتی کار  
میکند در بر میگیرند . جمعا ۲۵ سازمان محلی از این د ونوع وجود دارند . مجموع آنها از نظر  
جغرافیائی ۲۴ شاخه حزب تشکیل میدهند . در راس هر شاخه هیئت عامله قرار دارد که  
اکثریت اعضا آنها کارکنان حرفه ای حزبی هستند .  
عالیترین ارگان حزبی کنگره است که هر سه سال یکبار تشکیل میشود . کنگره هیئت رهبری  
حزب را مرکب از ۳۴ عضو اصلی و ۱۰ عضو مشاور و نیز صد حزب و سه بازوس حزبی را انتخاب  
میکند . آخرین کنگره حزب در روزهای ۲۶ - ۲۹ اکتبر سال ۱۹۷۲ برگزار شد .  
دوسوم اعضای حزب کارگر و یک پنجم آنها کارمندان جز هستند . زنان قریب ۲۶ درصد  
اعضای حزب را تشکیل میدهند .

حزب یک سازمان جوانان دارد که " جوانان کمونیست " نامیده میشود .

مطبوعات حزبی :

روزنامه " نیوداگ " - ارگان مرکزی حزب . دویار در هر هفته انتشار مییابد .

هفته نامه " نورشتر فلان " - در شمال سوئد منتشر میشود .

" سوسیالیستیسک دبات " - مجله هفت روزگی - ۴ بار در سال منتشر میگردد .

حزب چپ کمونیست ها سوئد در مجلس ۱۷ نماینده و در شوراهای شهری ۵۵۹ نماینده

دارد .

خوانندگان عزیز!

با این آدرس با ما مکاتبه کنید:

**P. B. 49034**

**10028 Stockholm 49**

**Sweden**

شماره حساب بانکی جدید مجله

«مسائل بین المللی»:

**Berlin**

**Deutsche**

**Außenhandelsbank A. G.**

**Konto-Nr. 9608-3131-0010**

International Affairs

Selected articles from

the Review of the Communist and Worker  
Parties

for Theory and Information

1973 No 4 (64)

Price in :

U.S.A.	0.30	dollar
Bundesrepublik	1.00	Mark
France	1.50	franc
Italia	200.00	lire
Österreich	7.00	schilling

اشتراك ساليانه ٤ مارك آلمان غربي با معادل آن

Annual Subscription 6 West German Mark  
or its equivalent

مجله "مسائل بین المللی" که هر دو ماه یکبار انتشار می یابد، به تشریح مسائل ثوریک و سیاسی جنبش جهانی کارگری اختصاص دارد.

مفردجات این مجله از میان مقالات مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" که نشریه ثوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس کننده نظریات و اندیشه های آنانست، انتخاب و ترجمه میشود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۷ و ۸ (ژوئیه - اوت) سال ۱۹۷۳ مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" بچاپ رسیده است.

Druckerei des Verlages "Rudé Právo"

Praha